



جامعه‌مندی

دوفصلنامه علمی - ترویجی

سال چهارم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۷

صاحب امتیاز:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی)

www.isca.ac.ir

مدیر مسئول: نجف لکزایی

سر دبیر: حسین الهی‌نژاد

دبیر تحریریه: مسلم کامیاب

* مجوز انتشار نشریه جامعه مهدوی در زمینه آینده‌پژوهی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ به شماره ثبت ۸۶۴۰۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.
* دوفصلنامه جامعه مهدوی به موجب مصوبه جلسه شماره ۱۲۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ کمیسیون نشریات علمی حوزه‌های علمیه حائز رتبه علمی - ترویجی می‌باشد.

* دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran.com)؛ پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)؛ پایگاه استنادی سیویلیکا (www.civica.com)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)؛ پایگاه Google Scholar؛ سامانه نشریه: jm.isca.ac.ir؛ کتابخوان همراه پژوهان (Pajooahaan.ir) و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است • دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات تنها نظر نویسندگان محترم است.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات. صندوق پستی: ۳۶۸۸ / ۳۷۱۸۵ * تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: jm.isca.ac.ir



قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سیدمجید امامی

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین الهی نژاد

استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسین بستان نجفی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامرضا بهروزی لک

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدمسعود پورسیدآقایی

استاد حوزه علمیه قم

نعمت الله صفری فروشانی

استاد جامعه المصطفی العالمیه

نجف لکزایی

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدرضی موسوی گیلانی

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب

محمدهادی همایون

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسن یوسفیان

دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مهدی یوسفیان

استادیار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

داوران این شماره

حسین الهی نژاد، خدامراد سلیمان، صیف الله صرامی، محمد شهبازیان،
قنبرعلی صمدی، امیرمحسن عرفان، مسلم کامیاب و محمود ملک‌راد.

فراخوان دعوت به همکاری

دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مهدویت و آینده‌پژوهی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود.

دوفصلنامه علمی - ترویجی **جامعه مهدوی** در عرصه مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه؛
۲. توسعه تحقیقات و پژوهش در حوزه مهدویت؛
۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مهدویت؛
۴. ارتقای سطح معرفتی مردم نسبت به مباحث مهدویت؛
۵. بسترسازی جهت پرورش مهدی‌پژوهان و محققان مهدوی؛
۶. آسیب‌شناسی و نقد جریان‌های انحرافی مهدویت؛
۷. تبیین مبانی فلسفی، کلامی و اعتقادی مهدویت؛
۸. تولید محتوای مباحث جدید مهدویت؛
۹. تبیین و توسعه مباحث درجه دو مهدویت؛
۱۰. بسترسازی جهت نظریه‌پردازی و مرجعیت علمی در حوزه مهدویت.

اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بسط و تبیین مباحث اعتقادی مهدویت؛
۲. توسعه و تحلیل مسائل علمی و درجه دو مهدویت؛
۳. پردازش و تحقیق مسائل فرا مذهبی و فرا اسلامی در حوزه مهدویت؛
۴. تبیین و تحلیل مسائل عقلی و فلسفی مهدویت؛
۵. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات مهدویت.

از صاحب نظران، استادان و پژوهشگران علاقمند به موضوعات و مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی دعوت می‌شود تا آثار و مقالات خویش را جهت بررسی و چاپ در دوفصلنامه جامعه مهدوی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jm.isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم مقاله

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه جامعه مهدوی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه جامعه مهدوی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه جامعه مهدوی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ (برای انگلیسی) حروف چینی شود.
- **شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر:** چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:
 - **پایان‌نامه** (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
 - ***** مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری) به‌تنهایی قابل پذیرش بوده و ذکر نام استاد راهنما الزامی می‌باشد.**
 - **طرح پژوهشی** (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
 - **ارائه شفاهی در همایش و کنگره** (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
 - **روند ارسال مقاله به نشریه:** نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «**ارسال مقاله**» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- **قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش**
 ۱. نشریه **جامعه مهدوی** فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.
 ۲. نشریه از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- **فایل‌هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:**
 ۱. فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
 ۲. فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)
 ۳. فایل **تهدنامه** (با امضای همه نویسندگان)
 ۴. فایل مشابه یاب مقاله
 ۵. فایل **عدم تعارض منافع**
 ۶. شناسه پژوهشگری ORCID

تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

- حجم مقاله: **واژگان کل مقاله:** بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ **کلیدواژه‌ها:** ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ **چکیده:** ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا پرسش اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
- نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

○ **وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:**

۱. **اعضای هیأت علمی:** رتبه علمی (مریی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
۲. **دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
۳. **افراد و محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
۴. **طلاب:** سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

○ **ساختار مقاله:** بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. **عنوان؛**

۲. **چکیده فارسی (تبیین موضوع/مساله/سوال، هدف، روش، نتایج)؛**

۳. **مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)؛**

۴. **بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)؛**

۵. **نتیجه‌گیری (بحث و تحلیل نویسنده)؛**

۶. **بخش تقدیر و تشکر:** پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛

۷. **منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان References درج شوند).**

○ **روش استناددهی: APA** (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

- مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی ۸
حسین الهی نژاد
- تحلیل مضمونی شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه ۳۵
غلامرضا بهروزی لک - مصطفی ابراهیمی
- رویکرد فقه نظام‌واره در جامعه منتظر بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه ۷۲
نجفعلی غلامی
- خوانش آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه از آموزه انتظار فرج ۱۰۳
محمدتقی شاکر
- بررسی محتوایی منتخب الأثر و جایگاه آن در مهدویت‌نگاری معاصر ۱۳۲
خداامراد سلیمان
- اصالت باورداشت مهدویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه ۱۵۸
قنبرعلی صمدی



Review Article

The War between Right and Wrong in the Culture of the Waiting and the School of Shahid Soleimani

Hossein Elahinejad¹

Received: 02/07/2022

Accepted: 08/10/2023

Abstract

In the Age of Occultation, the confrontation between right and wrong takes place in the condition of the waiting (for Imam Mahdi) with the leadership of the Wali Faqih as the representative of Imam Zaman. In the contemporary era, Imam Khomeini and Imam Khamenei, as leaders of the Islamic revolution of Iran, accompanied by the people and warriors of Islam, headed by Shahid Haj Qasem Soleimani, stood against the arrogance of the world and their followers and set up a confrontation between right and wrong. The school of (thought) Shahid Soleimani, which is derived from the school of the two leaders of the revolution, has displayed a special style and method against arrogance and global Zionism by using the strategies of the waiting, such as the strategy of hope, growth, resistance, resilience, etc. This article has dealt with the quality of the relationship between the school of Shahid Soleimani and the waiting of right and wrong, and it has been examined by collecting data through a library and documentary method along with data processing in a descriptive and analytical way. The goals and achievement of this study is to set an example and give courage to the people of Iran and the Middle East in fighting against arrogance and global Zionism and institutionalizing the culture of fighting among Muslims and Islamic societies with a national and transnational approach.

Keywords

The two Imams of the Islamic Revolution, Shahid Soleimani, confrontation between right and wrong, the waiting, resistance.

1. Full professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.elahinejad@isca.ac.ir.

* Elahinejad, H. (1402 AP). The war between right and wrong in the culture of the waiting and school of Shahid Soleimani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 8-33

Doi: 10.22081/JM.2023.64358.1058.

مقاله علمی - ترویجی

مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

حسین الهی‌نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱



چکیده

در عصر غیبت مصاف حق و باطل در فضای انتظار با رهبری ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان (عج) انجام می‌گیرد. در دوران معاصر، امام خمینی و امام خامنه‌ای به عنوان رهبران انقلاب با همراهی مردم و رزمندگان اسلام، در رأس آنها شهید حاج قاسم سلیمانی در برابر استکبار جهانی و پیروانشان ایستاده و مصاف حق علیه باطل را رقم زده‌اند. مکتب شهید سلیمانی که بر گرفته از مکتب دو رهبر انقلاب است، با بهره‌گیری از شاخصه‌های انتظار نظیر: امیدواری، بالندگی، مقاومت، تاب‌آوری و ... سبک و روش خاصی را در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی به نمایش گذاشته است. در این نوشتار با طرح پرسشی از کیفیت رابطه میان مکتب شهید سلیمانی با انتظار در مصاف حق و باطل به پژوهش پرداخته و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی همراه با پردازش داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی تحقیق شده است. اهداف و دستاورد این پژوهش الگودهی و شجاعت‌بخشی به مردم ایران و خاورمیانه در مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و نهادینه‌سازی فرهنگ مبارزه در میان مسلمانان و جوامع اسلامی با رویکرد ملی و فراملی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

امامین انقلاب، شهید سلیمانی، مصاف حق و باطل، انتظار، مقاومت.

h.elahinejad@isca.ac.ir

۱. استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۲). مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی. دوفصلنامه علمی - ترویجی

Doi: 10.22081/JM.2023.64358.1058.

جامعه‌مهدوی، (۷)۳، صص ۸-۳۳.

مقدمه

عصر غیبت با فرهنگ انتظار معنا و مفهوم پیدا می‌کند. مصاف حق و باطل در این عصر به جهت پدیده غیبت متمایز و متفاوت با عصرهای دیگر می‌باشد. غیبت دارای دو مرحله غیبت صغرا و غیبت کبرا بوده و این دو مرحله موجب تنوع مصاف حق و باطل شده است. در عصر غیبت صغرا مصاف حق و باطل به رهبری جانشینان خاص امام زمان علیه السلام و در عصر غیبت کبرا به رهبری جانشینان عام آن حضرت یعنی فقیهان جامع شرایط و در رأس آنها ولی فقیه رقم می‌خورد. غیبت کبرا که از نظر زمان و کیفیت غیبت متمایز از غیبت صغرا است؛ منشأ بسیاری از نهضت‌ها و انقلاب‌های مسلمانان به خصوص شیعیان می‌باشد. این نهضت‌ها و انقلاب‌ها که به نحوی بیانگر مبارزه و تقابل حق علیه باطل بوده، با سه مؤلفه اساسی «بسترشناسی»، «فرایندشناسی» و «برایندشناسی» بازشناسی می‌شود؛ یعنی به واسطه اصل غیبت که نقش خاستگاه را دارد، بسترشناسی انقلاب و به واسطه انتظار که نقش پیش‌ران را دارد فرایندشناسی انقلاب و به واسطه ظهور که نقش غایت را دارد، برایندشناسی انقلاب توجیه می‌شود. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در بستر غیبت شکل گرفته و با الگوی انتظار که تداعی گر رسالت منتظران همچون رزمندگان اسلام و شهدای مدافعان حرم نظیر حاج قاسم سلیمانی است تداوم آن تضمین می‌شود. پژوهش پیش رو با طرح این پرسش؛ نقش فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی در مصاف حق و باطل چگونه است؟ آغاز شده و با فن کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری اطلاعات و با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین داده‌های اطلاعات می‌پردازد. گرچه در خصوص تقابل حق و باطل مقالات مختلفی از جمله: «حق و باطل از دیدگاه امام علی علیه السلام» به قلم رضا رستمی‌زاده (۱۳۷۹) در مجله معرفت، «مهدویت و فرجام ستیز حق و باطل» اثر رحیم کارگر (۱۳۸۵) در مجله انتظار موعود، «تحلیل از ساختار حق و باطل در قرآن کریم» نوشته فروغ السادات رحیم‌پور (۱۳۸۵) در مجله پژوهش دینی، و «مهدویت؛ فرجام تنازع حق و باطل» به قلم نگارنده (۱۳۹۴) در مجله انتظار موعود منتشر شده است؛ اما هیچ یک از آنها با نگاه خاص به موضوع شهید سلیمانی و نگرش استکبارستیزی او نپرداخته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ها

مصاف حق و باطل

مصاف از باب مفاعله به معنای تقابل دو چیز به صورت رو در رویی است. مصاف حق و باطل یعنی رو در روی قرار گرفتن دو جبهه حق و باطل جهت منازعه (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۱۹۴). بر اساس داده‌های قرآنی در این منازعه جبهه باطل به نابودی حتمی می‌رسد؛ «كذلك يضرب الله الحق والباطل»^۱ در قرآن به طور دقیق به این مصاف اشاره شده و جبهه باطل همیشه در برابر جبهه حق قرار داشته و دارد و همیشه میان آن‌ها درگیری و منازعه بوده و خواهد بود که در نهایت جبهه باطل با شاخصه‌های ظاهری، گذرا، سست و ناپایدار، مغلوب جبهه حق با شاخصه‌های حقیقی، واقعی، اصلی و پایدار، واقع شده^۲ و برای همیشه به سوی نابودی پیش می‌رود.

حق

حق که جمع آن حقوق و حقاق است، به معنای ثابت، صدق، یقین، غلبه و سزاوار (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۹) اصل، نهایت شیء و ضد باطل می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۶۱). راغب اصفهانی در کتاب مفردات حق را با رویکرد مصداقی به چهار نوع تقسیم کرده است: ۱. موجد شیء مثل خدا، انبیا، امامان و امام زمان علیهم‌السلام؛ ۲. شیء ایجادشده مثل فعل خدا، فعل انبیا و فعل امامان و فعل امام زمان علیهم‌السلام؛ یعنی نهضت و قیامی که حضرت در مصاف با دشمنان شروع می‌کنند؛ ۳. معتقدات باورمندان دینی مانند مرگ، برزخ، قیامت، دین، کتاب آسمانی؛ ۴. هر کار و هر سخنی که موافق با واقع و واجب باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۶). برخی مفهوم حق از دیدگاه قرآن کریم را در چهار حوزه معنایی به این شرح توضیح داده‌اند: الف. معنای وجودشناختی؛ حق به

۱. در این جا بعضی از مفسرین گفته‌اند که یعنی این چنین خداوند حق و باطل را مثال می‌زند؛ بعضی دیگر گفته‌اند این چنین خداوند حق و باطل را به یکدیگر می‌زند؛ یعنی این چنین میان حق و باطل تصادم و برخورد واقع می‌شود.

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳)

این اعتبار عبارت است از موجود ثابت. ب. معنای معرفت‌شناسی؛ حق در این معنا عبارت است از: تطابق با امر واقع خارجی. حق در این معنا همان صدق است و در مقابل باطل به معنی کذب. ج. معنای حقوقی طبیعی؛ در این معنا رعایت حق و نه خود حق، عدل است و عدم رعایت آن ظلم. د. حوزه حقوق قراردادی یا نهادی؛ در این معنا حق مقابل باطل در مفهوم فقهی آن است. پس، حق امری است شرعی و صحیح در مقابل غیر حق و باطل (رحیم‌پور، ۱۳۸۵، صص ۱۴۹-۱۵۰). «حق» در قرآن ۲۴۵ بار تکرار شده، ولی باطل تنها در ۲۶ مورد آمده است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۵۹). اصطلاح حق بر اساس گوناگونی علوم همچون فلسفه، کلام، فقه، حقوق، اخلاق و سیاست معانی مختلف و گوناگون به خود می‌گیرد، ولی در این نوشتار اصطلاح حق با رویکرد کلامی (دینی و قرآنی) مورد نظر بوده و این رویکرد نیز بر اساس اقتضائات و متعلقات درونی و بیرونی متفاوت می‌باشد، اما در اینجا تعریف جامع که همان حق به معنای قول و اعتقاد مطابق با واقع و به معنای خود حقیقت و واقعیت بوده (رضانی، ۱۳۹۰، ص ۸۹) مدنظر می‌باشد.

باطل

باطل، جمع آن اباطیل و بواطیل، نقیض حق است به معنای نابودی و چیزی که ثبات ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۹)، خسران، ضایع، هدر (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۵۴) و نیز به معنای سَقَط و فساد می‌باشد (مقرمی قیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۲). از معنای نقیض حق می‌توان به معنای اصطلاحی باطل رسید؛ پس اصطلاح باطل در این نوشتار به معنای امر غیر واقع و غیر حقیقی بوده و چیزی است که مطابقت با واقع ندارد.

انتظار

واژه انتظار از ریشه «نظر» می‌باشد که در باب افتعال به کار برده شده است. از مترادف‌های معنایی آن تائی و ترقب و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم داشتن، چشم به راه بودن، امیدداشتن و امیدوار بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۱۹). آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است

که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطالع» به معنای تأثیرپذیری است و بدین خاطر معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از این مطلب به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مترتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

مکتب شهید سلیمانی

مکتب عبارت است از یک طرح جامع و منسجم که می‌خواهد با جهان‌بینی‌ای که می‌دهد و با دستورالعمل‌هایی که ارائه می‌کند، بشر را به طرف کمال و هدفش راهنمایی کند.

استاد مرتضی مطهری مکتب را چنین تعریف می‌کنند: «مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸). در این تعریف استاد مطهری مکتب را به معنای ایدئولوژی گرفته که به نظر می‌رسد خیلی به واقع نزدیک نباشد؛ زیرا ایدئولوژی در برابر جهان‌بینی قرار داشته و جزئی از تعریف کلی مکتب می‌باشد.

مکتب به معنای مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی که دارای مبانی و اهداف مشخص است و یک نظام ارزشی برای چگونه زیستن را برای انسان معین می‌کند؛ همچنین به معنای افکار و آرای منسجم و نظام‌مند که دارای اهداف مشخص است و مسیر رسیدن به سوی کمال را برای انسان فراهم می‌کند (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶).

مکتب شهید سلیمانی خاستگاهی به نام مکتب امامین انقلاب اسلامی و غایت و هدفی به نام انتظار و ظهور دارد؛ به بیان دیگر مکتب شهید سلیمانی با نیروی محرکه مکتب امامین انقلاب و با غایت‌گری و پیشرانی ظهور و جامعه مطلوب مهدوی و با

فرایندسازی توسط شاخصه‌های برگرفته از انتظار همچون صبر، مقاومت و تاب‌آوری به سوی انسجام ساختاری و تحول کارکردی پیش می‌رود. مکتب شهید سلیمانی در پارادایم مضمونی و تحلیل محتوایی و ساختاری خود، متشکل از سه مؤلفه اساسی به نام خاستگاه، فرایند و برآیند می‌باشد که به ترتیب نقش بسترسازی، ابزارسازی و هدف‌نمایی را برای این مکتب ایفا می‌کند.

مقام معظم رهبری در مورد قیمت‌گذاری حرکت شهید سلیمانی می‌فرماید: «اینکه ما بیایم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آن‌ها را بدانیم و بینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم. آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد؛ قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

شایان ذکر است مکتب در اینجا به معنای اصطلاح خاص که در بردارنده مؤلفه‌هایی مانند عقیده، جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص همراه با سبک و روش خاص باشد نیست، بلکه مکتب شهید سلیمانی یعنی سبک و روش خاص در مبارزه با دشمنان اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و کمک به مستضعفان و مظلومان جهان با روش مقاومت و تاب‌آوری.

۲. گسترده‌گی مصاف حق و باطل

بر اساس داده‌های دینی با خاستگاه قرآنی و روایی و بر اساس داده‌های تاریخی با رویکرد نقلی و فلسفه تاریخی از دیرباز میان حق و باطل تعارض و تنازع بوده و خواهد بود؛ یعنی از ابتدای آفرینش انسان تا فرجام تاریخ بشریت که به ظهور و حکومت جهانی مهدوی منتهی می‌شود، این مصاف و مواجهه میان دو جبهه خیر و شر مطرح می‌باشد؛ به بیان دیگر گسترده‌گی کشمکش حق و باطل در پهنه آفرینش و بستر تاریخ دارای قدمت ازلی و آینده ابدی خواهد بود که البته بر اساس برخی نگرش‌ها در دوران

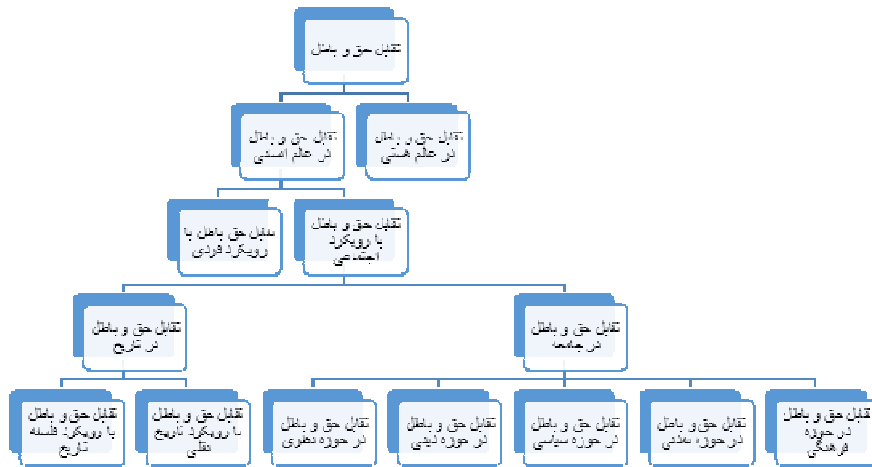
ظهور و حکومت جهانی امام مهدی عج با ازبین رفتن جنبه باطل (با رویکرد اجتماعی)، این تقابل برای همیشه از میان خواهد رفت و جنبه حق برای همیشه بدون رقیب، جاویدان و ماندگار خواهد بود. چنانکه امیر مومنان ع می‌فرماید: «لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ وَ لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ؛ برای باطل جولان ظاهری و برای حق دولت ماندگاری است» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶۱). ظرف دنیا ظرفی است که حق و باطل در آن مختلط و درهم آمیخته است و امکان ظهور حق محض با همه آثار و خواصش جدای از باطل وجود ندارد؛ از این رو هیچ حقی جلوه نمی‌کند مگر آنکه با باطلی در آمیخته شود و شک و شبهه‌ای در آن راه یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۹۹)؛ بنابراین طبیعت این دنیا آمیزش و اختلاط حق و باطل است؛ در حالی که طبیعت رستاخیز، جدایی این دو از یکدیگر می‌باشد و به همین دلیل یکی از نام‌های قیامت در قرآن مجید که بارها تکرار شده «یوم الفصل» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۲).

بر اساس حصر عقلی جهان یا حق است و یا باطل و سومی نداریم؛ یعنی میان حق و باطل میانه و واسطی وجود ندارد؛ هر چیزی اگر حق بود پس باطل نیست و اگر باطل بود پس حق نیست؛ مانند دو شیء متعارض که در یک جا نه جمع می‌شوند و نه منتفی (صدرای شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۸۰) یا مثل اعداد که یا فرد است و یا زوج، پس ممکن نیست اعداد نه فرد باشد و نه زوج. نسبت میان حق و باطل نیز نسبت متعارضان است؛ یعنی یک چیز نمی‌تواند نه حق باشد و نه باطل و همچنین نمی‌تواند هم حق باشد و هم باطل؛ بلکه اگر حق است پس باطل نیست و اگر باطل است پس حق نیست. در حکمت الهی اصالت در عالم هستی با حق، خیر، حسن، کمال و زیبایی است؛ «فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقُّ إِلَّا الضَّلَالُ؛ این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟» (یونس، ۳۲)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ؛ این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند، باطل است و این خداست که والا و بزرگ است» (حج، ۶۲).

باطل‌ها، شرور، نقص‌ها و زشتی‌ها در نهایت امر و در تحلیل نهایی به نیستی‌ها منتهی

می‌شوند؛ «جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ آری، باطل همواره نابودشدنی است» (اسراء، ۸۱). اصالت همیشگی و ماندنی است و بی‌اصالت‌ها همچون باطل‌ها در نهایت رفتنی و نیست‌شدنی است؛ مانند نور و سایه و مثل آب و کف آب که اصل و حقیقت مال نور است در برابر سایه و نیز مال آب است در برابر کف آب؛ به عبارت دیگر سایه به تبع فقدان نور وجود ظاهری پیدا می‌کند و با وجود نور سایه از بین می‌رود و مثال آب نیز به همین روال تعریف می‌شود که با وجود آب، کف بر آن نقش می‌بندد و با آرامش آب، کف آن از بین رفته و نابود می‌شود؛ «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ بَثَلٍ كَذَلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد، ۱۷). حق اصیل و باطل غیراصیل است. همیشه بین امر اصیل و غیر اصیل اختلاف و جنگ بوده است، ولی این طور نیست که حق همیشه مغلوب باشد و باطل همیشه غالب. آن چیزی که استمرار داشته و زندگی و تمدن را ادامه داده، حق بوده است و باطل نمایشی بوده که جرقه‌ای زده، بعد خاموش شده و از بین رفته است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۵). جنگ میان حق و باطل همیشه وجود داشته است. باطل به طور موقت روی حق را می‌پوشاند، ولی آن نیرو را ندارد که بتواند به صورت دائم باقی بماند و عاقبت کنار می‌رود. هر وقت جامعه‌ای در مجموع به باطل گرایید، محکوم به فنا شده است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۷). باطل همانند کف سیلاب است که لحظاتی چند خودنمایی می‌کند، بالا و پایین می‌رود و سپس متلاشی و نابود می‌شود و چیزی جز آب پاک و سرچشمه اصیل آن باقی نمی‌ماند (قرضاوی، ۱۳۶۰، ص ۸۶). نابودی باطل و بقای حق، یک سنت و قانون الهی است و نه پنداری و تصادفی؛ هر چند پیروان حق کم و طرفداران باطل زیاد باشند؛ چرا که حق همچون آب، ثابت و ماندگار و باطل مانند کف، ناپایدار و فانی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۰۸)؛ بنابراین باطل از آن جهت همچون کف است که: ۱. رفتنی است؛ ۲. در سایه حق جلوه می‌کند؛ ۳. روی حق را می‌پوشاند؛ ۴. جلوه دارد، ولی ارزش ندارد؛ نه تشنه‌ای را سیراب می‌کند و نه گیاهی از آن می‌روید؛ ۵. با آرام‌شدن شرایط محو

می‌شود؛ ۶. بالانشین و پرسروصدا، اما توخالی و بی‌محتوا است (قرائی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۰۷).
گسترده‌گی و پردامنگی مصاف حق و باطل در دو فرض طولی و عرضی قابل توجیه است. دلیل این گسترده‌گی و پردامنگی، جریان و تسری این تقابل در همه‌انواع عوالم هستی همچون عالم مجردات، عالم مادیات، عالم طبیعات و عالم انسانی می‌باشد. بر این اساس تقابل حق و باطل در حوزه‌های مختلفی مانند عالم هستی به طور مطلق و عالم طبیعی و عالم انسانی به طور خاص مطرح است؛ این تقابل در عالم انسانی به دو رویکرد فردی و اجتماعی قابل تقسیم بوده که در رویکرد اجتماعی به تقابل حق و باطل با نگرش تاریخی و نگرش جامعه‌شناختی تقسیم می‌شود؛ نگرش تاریخی به دو رویکرد تاریخ نقلی و تاریخ عقلی (فلسفه تاریخ) و نگرش جامعه‌شناختی به ابعادی مانند تقابل حق و باطل با رویکرد فرهنگی، سیاسی، تمدنی، دینی، معرفتی، اعتقادی و ... قابل تقسیم می‌باشد. پس سریان تقابل حق و باطل در همه‌انواع عوالم با رویکردهای گوناگون در ابعاد و ساحت‌های مختلف، همگی دلیل بر گسترده‌گی قلمرو تقابل حق و باطل می‌باشد.



در بیان فراگیری تقابل حق و باطل گفته می‌شود که این تقابل نه فقط در نگرش‌های دینی و ادیان آسمانی، بلکه در میان ادیان زمینی و مکاتب بشری نیز مطرح می‌باشد. بر این اساس در نگرش‌های فلسفی اندیشمندان و فلاسفه شرقی و غربی با ایده‌پردازی

فلسفی با رویکرد اجتماعی به نظریه پردازی در این خصوص پرداخته و به تبیین مدل‌های مختلفی از آرمان شهرها و مدینه‌های فاضله اقدام کرده‌اند؛ برای مثال افلاطون در رساله جمهوری به ایده مدینه فاضله اشاره کرده است. در میان فلاسفه اسلامی فارابی با نگاه اسلامی ایده «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله» را مطرح کرده است. در میان صاحبان ادیان و مکاتب بشری کانت تقابل حق و باطل را در قالب تقابل خیر و شر تعریف و پردازش کرده است و هانتینگتون^۱ تنازع حق و باطل را در حیطه برخورد تمدن‌ها تبیین و تحلیل کرده است. در میان اندیشمندان مسیحی نیز افرادی مانند آگوستین تقابل حق و باطل را در قالب شهر خدا و شهر زمین نشان داده است.

شایان ذکر است که در میان فلاسفه، افلاطون اولین فیلسوفی است که به این امر مبادرت کرده است و در میان فلاسفه اسلامی فارابی اولین فیلسوفی است که نظریه مدینه فاضله مطرح کرده است (آقاجعفری، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

در این نوشتار در میان تقابل حق و باطل در عوالم مختلف تنها به عالم انسانی پرداخته شده و در میان ابعاد مختلف تقابل حق و باطل در ساحت انسانی تنها به ساحت اجتماعی توجه گردیده و در میان ابعاد مختلف تقابل حق و باطل در ساحت اجتماعی تنها پیرامون ساحت سیاسی با رویکرد انتظار و مکتب شهید سلیمانی تحقیق شده است.

۳. مصاف حق و باطل در عصر غیبت

تقابل حق و باطل در همه اعصار از گذشته‌های دور تا آینده‌های دورتر برقرار بوده و خواهد بود. در این میان عصر غیبت و عصر پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام نه تنها از این قاعده مستثنا نبوده، بلکه در این دوران تقابل حق و باطل با شدت و حدت بیشتری میان مهدی‌باوران و مهدی‌ستیزان در جریان است. در این صف‌آرایی و تقابل یک طرف مستضعفان جهانی به طور عام و شیعیان به طور خاص به رهبری فقها و جانشینان امام زمان علیه السلام و طرف دیگر گروه مستکبران جهانی به طور عام و صهیونیسم به طور خاص

1. Huntington

به رهبری سرکردگان‌شان قرار دارند. چنانکه امام خمینی در پیام منشور روحانیت می‌فرماید: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳). فرایند این مصاف و کشمکش تا رخداد ظهور و آمدن منجی جهانی ادامه داشته و در نهایت با ظهور منجی، این تقابل به نفع منجی‌باوران به پایان خواهد رسید.

بر اساس داده‌های روایی و تاریخی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مختلف و متنوع بوده و از نظر زمانی به دو قسم کوتاه و بلند تقسیم می‌شود.^۱ غیبت کوتاه که به غیبت صغرا شهره است، دارای شاخصه‌های سه‌گانه‌ای همچون جانشینی نایبان خاص از امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ارتباط‌گیری مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قالب توقیع و محدودبودن زمان غیبت است. غیبت بلند که به غیبت کبرا مشهور است برخلاف شاخصه‌های قبلی دارای سه شاخصه متفاوت مانند جانشینی نایبان عام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه، قطع ارتباط میان امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مردم و طولانی‌بودن زمان غیبت می‌باشد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۴). با توجه به تفاوت‌ها و تمایزاتی که میان غیبت صغرا و کبرا وجود دارد، مصاف و تقابل حق و باطل نیز متفاوت و متمایز می‌شود. بر این اساس در غیبت صغرا تقابل و کشمکش میان منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به رهبری نایبان خاص با مخالفان اسلام و مهدویت می‌باشد. ولی در غیبت کبری این تقابل، متنوع‌تر و گسترده‌تر شده و فقها به خصوص ولی فقیه به‌عنوان جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه در رأس جبهه منتظران قرار دارند. شهید سلیمانی در بیان جایگاه مهم ولی فقیه و صیانت از این اصل مهم به‌عنوان یکی از اصول انقلاب اسلامی خطاب به مردم می‌نویسد: «برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ ... منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد، اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم است. اساس دشمنی جهان با

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله ﷺ و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند» (سلیمانی، ۱۳۹۹، «الف»، ص ۴).

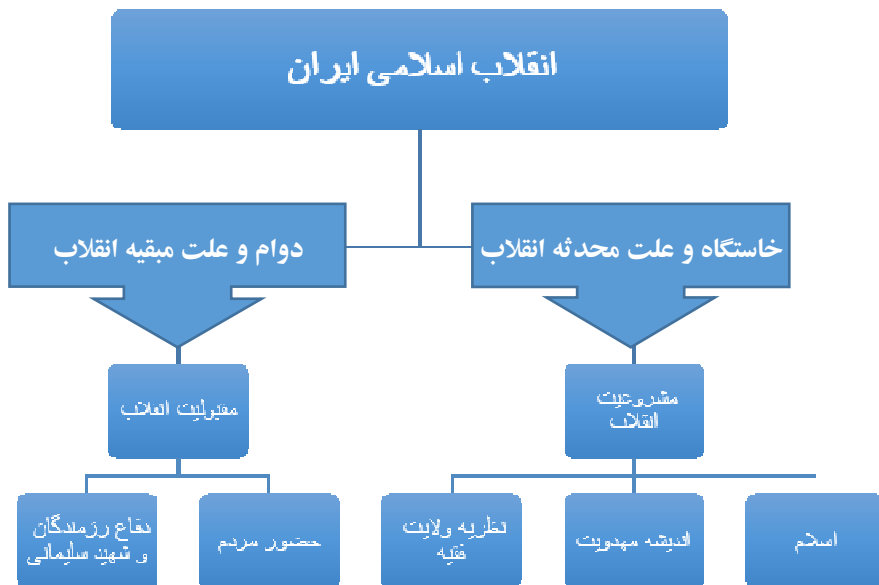
و ایشان در ادامه در خطاب به علمای اسلامی به‌عنوان هشدار می‌گوید: «سخنی کوتاه از یک سرباز چهل ساله در میدان، به علمای عظیم‌الشأن و مراجع گران‌قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی. مراجع عظام تقلید؛ سربازان از یک برج دیده‌بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است، این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هر گونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است» (سلیمانی، ۱۳۹۹ «الف»، ص ۴).

۴. اندیشه مهدویت خاستگاه مکتب امامین انقلاب

یکی از شاخصه‌های مهم مکتب امامین انقلاب، مشروعیت و مقبولیت آن است که با مؤلفه‌های چهارگانه «اسلام»، «اندیشه مهدویت»، «نظریه ولایت فقیه» و «حضور مردم» توجیه می‌شود. اسلام، اندیشه مهدویت و نظریه ولایت فقیه به صورت طولی به‌عنوان خاستگاه شرعی مکتب امامین انقلاب شناخته می‌شوند و حضور و حمایت‌های مردم به‌عنوان بقا و استمرارگر آن نقش ایفا می‌کند که در واقع سه مؤلفه اول به‌عنوان علت محدثه، حقانیت و مشروعیت مکتب امامین انقلاب را ثابت می‌کند و مؤلفه اخیر یعنی حضور مردم به‌عنوان علت مبقیه، مقبولیت آن را توجیه می‌کند.

چنانکه بیان شد تداوم و حیات هر نهضت و انقلابی به مقبولیت آن نظام نزد مردم باز می‌گردد و مقبولیت مردمی نظام نیز متفرع بر حضور پرشور و پرانگیزه مردم و نیز مشارکت جدی و همه‌جانبه آن‌ها در صحنه‌های مختلف انقلاب است؛ پس مقبولیت مردمی عامل حیات و تداوم انقلاب و حضور و مشارکت مردم در صحنه بیانگر مقبولیت نظام است. نقش شهید سلیمانی و رزمندگان اسلام در دو جبهه حق علیه باطل بود؛

یکی جبههٔ درونی که موجب صیانت از حدود و ثغور کیان ایران اسلامی و دیگری جبههٔ بیرونی که موجب حفاظت از حدود و ثغور فرهنگ ناب اسلامی در منطقهٔ خاورمیانه شد تا علاوه بر شناخت و معرفی جایگاه و کارکرد انقلاب اسلامی ایران برای جهانیان، بسترهای مقبولیت مرزی و برون‌مرزی آن نیز برای مردم ایران و خاورمیانه ثابت شود.



در طول تاریخ اسلامی کشمکش‌های حق و باطل میان مسلمانان بالاخص میان باورمندان شیعه با مخالفان اسلام و مذهب تشیع مطرح بوده است. در این میان فقیهان به خصوص ولی فقیه در رأس این مبارزه قرار داشته و به‌گونه‌ای هدایت و رهبری حق‌پویان را عهده‌دار بوده‌اند. در برخی از برهه‌ها و مقاطع تاریخی به سبب برخی رخدادها، حوادث اجتماعی و نهضت‌های مردمی این کشمکش جدی‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر به وقوع پیوسته است که از جملهٔ آن‌ها نهضت بزرگ امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. این

نهضت بزرگ در فرایند شکل‌گیری تا رسیدن به پیروزی دچار فراز و فرودهای مختلفی را پشت سر گذاشت و با دشمنان و مخالفان گوناگونی روبه‌رو شد. این مبارزه و مواجهه که میان طاغوتان و ستمگران جهانی با نهضت حق‌طلبانه امام خمینی رخ داده، در واقع نماد تقابل حق و باطل در عصر غیبت را به منصفه ظهور رسانده است؛ چنانکه شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «راه امام راه مبارزه با آمریکا و مصاف با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفان جهانی است و این راه همان مقابله حق و باطل و رودررویی استضعاف در برابر استکبار و مقابله ستم‌دیدگان در برابر ستمگران است و مواجهه مظلومان در برابر ظالمان می‌باشد» (سلیمانی، ۱۳۹۹ «الف»، ص ۵).

بی‌شک نهضت امام خمینی با خاستگاهی به نام اسلام که به نوعی مشروعیت آن را تأمین می‌کند و با حامیانی به نام مردم ایران و مستضعفان جهانی که به نوعی مقبولیت آن را تضمین می‌کند، به سوی دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت به پیش می‌رود؛ در هدف کوتاه‌مدت زمینه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت فراهم می‌شود و در هدف بلندمدت بحث ظهور و رسیدن به دولت جهانی مهدوی مطرح می‌شود؛ چنانکه امام خمینی می‌فرماید: «انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا له فداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۳۲۷)؛ همچنین ایشان می‌فرماید: «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۳۱) در این خصوص مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا له فداء و عجل الله فرجه به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن ایجاد حاکمیت قرآن است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) و همچنین می‌فرماید: «تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی (تشکیل حکومت عدل مهدوی) است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست.»! (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

بی‌شک انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر الگو و نمونه خوبی در حوزه مصافح و باطل است. این نهضت چنانکه بیان شد دارای دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد که برای نیل به هر دو هدف نیاز به برخی الزامات و بسترهای نظری و عملی دارد. بسترهای نظری در واقع همان بسترهای عقیدتی بوده و در قالب اندیشه مهدویت و نظریه ولایت فقیه خودنمایی می‌کند و به نوعی تأمین‌کننده عقبه نظری و عقیدتی این نهضت می‌باشد؛ بسترهای عملی نیز در قالب نیروسازی و تربیت افراد متعهد و کارآمد جلوه کرده و با واگذاری مسئولیت‌ها به افراد توانمند و متعهد اجرایی و عملیاتی می‌شود. در انقلاب اسلامی ایران با طرح نظریه ولایت فقیه از ناحیه امام خمینی و اعتقاد مردم بر اینکه ولی فقیه نماینده و جانشین امام زمان علیه السلام است، به بعد نظری و عقیدتی انقلاب اسلامی جامه عمل پوشانده شد و در بعد عملی نیز در طول سالیان متمادی از شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ تا پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ نیروهای فداکار، متعهد و انقلابی همچون رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس و دفاع حرم نظیر حاج قاسم سلیمانی تربیت شده‌اند؛ چنانکه مقام معظم رهبری در خصوص شهید حاج قاسم سلیمانی می‌فرماید: «او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود» (خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸) و در بیانات دیگر می‌فرماید: «پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد» (خامنه‌ای، ۳۱/۶/۱۳۹۹) از جمله شاخصه‌های مهم شهید سلیمانی حضور در دو جبهه حق و باطل بود؛ یعنی علاوه بر حضور در جنگ تحمیلی، در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام نیز مشارکت و حضور جدی داشته و با رشادت‌ها و فداکاری‌های خالصانه علاوه بر صیانت از کیان کشور ایران اسلامی، به حفاظت از حدود و ثغور خاورمیانه و کشورهای اسلامی نیز اقدام کرده است.

۵. شهید سلیمانی مبارز ملی و فراملی

بر اساس مطالعات و داده‌های تاریخی انسان‌های مهم و تاریخ‌ساز از نظر کارکرد تاریخی و اثر بخشی اجتماعی متفاوت می‌باشند. تفاوت و تنوع اثربخشی انسان‌های

تاریخ‌ساز بیشتر به حیطة مصاف حق و باطل و قلمروی مبارزات اجتماعی آنها باز می‌گردد. هرچه این مبارزات و مصاف حق و باطل در گستره و جغرافیای وسیع‌تری واقع شود، اثر بخشی و الگودهی آن نیز وسیع‌تر و ماندگارتر خواهد بود. بر این اساس برخی از مجاهدان و مبارزان در قلمروی کشور خاص و جغرافیای محدود تأثیرگذاری داشته و برای مردم همان کشور و همان منطقه الگودهی ایجاد کرده‌اند؛ یعنی جایگاه و نقش مبارزاتی آن‌ها فراملی و فرادینی نبوده، بلکه رنگ‌وبوی ملیت، قومیت و جغرافیای خاص را دارد؛ در مقابل برخی از انسان‌های مهم تاریخی با نگرش فراملی و فرادینی حیطة و گستره مبارزاتی فراملی و فراجغرافیایی پیدا کرده و نقش و تأثیرگذاری آنها نیز پرگستره و وسیع می‌باشد و برای مردم جهان الگو و زندگی جدیدی را رقم می‌زند. از جمله انسان‌های مهم تاریخی در دوران معاصر که نقش فراملی و فرادینی به خود گرفته و کارکرد فراجغرافیایی پیدا کرده‌اند، امامین انقلاب و شاگردان دست‌پرورده آنها همچون شهید سلیمانی و دیگر فرماندهان رشید اسلام می‌باشند. شهید سلیمانی در دو حوزه ملی و فراملی حضور جدی داشته است؛ در حوزه ملی در دو صحنه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق مشارکت فعال داشته است، به گونه‌ای که رشادت‌ها و فداکاری‌های ایشان برای مردم ایران و رزمندگان اسلام ماندگار و قابل تأسی می‌باشد (سلیمانی، ۱۳۹۹ «ب»، ص ۶۴) و در جبهه فراملی که همان جنگ خاورمیانه و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهان و اذتاب آنها مانند داعش و القاعده و... می‌باشد، به دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام مشهور بوده است. شهید سلیمانی با حضور پررنگ و مجاهدت‌های مخلصانه فرماندهی این جبهه را بر عهده داشته و رزمندگان و همراهان ایشان از کشورهای مختلف، ملیت‌ها و ادیان گوناگون، مذاهب و سلاقی متنوع بوده است که این نشان از حرکت فراملی، فراجغرافیایی، فرا دینی و فرامذهبی شهید سلیمانی دارد که این حرکت فراگیر، تأثیرات و الگودهی فراگیر را نیز به همراه خواهد داشت.

چنان‌که برخی اندیشمندان عرب در نشست «ویژگی‌های الگوی راهبردی از نگاه شهید سلیمانی» به این ویژگی فراکشوری و فراملی شهید سلیمانی اشاره کرده‌اند؛

«عبدالخالق فاروق» استاد مصری تصریح کرد: «ما دو دسته از مبارزه و حرکت‌های آزادی‌بخش داریم: نخست همان رهبران ملی طالب آزادی هستند که در دهه‌های پنجاه و شصت قرن میلادی گذشته در مبارزه با استعمارگران شاهد آنها بوده‌ایم و در محدودهٔ زمان و مکان منحصر بودند و دسته دیگر، رهبران راهبردی طالب آزادی هستند که فراتر از مکان و زمان و قومیت، فراملی و حتی منطقه‌ای هستند، مانند حاج قاسم سلیمانی» (عبدالخالق فاروق، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳). چنان‌که مقام معظم رهبری در بیان شاخصه‌های شهید سلیمانی می‌فرماید: «او همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراندید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفهٔ او در همهٔ این سالیان بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «بنده قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم، اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

۶. انتظار الگوبخش مبارزات شهید سلیمانی

مصاف و ستیز حق و باطل در عصر پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام که به عصر غیبت شهره است، دارای مؤلفه‌های سه‌گانه‌ای به نام «بستر»، «فرایند» و «برایند» است؛ یعنی شکل‌گیری و بازشناسی حوزهٔ مبارزهٔ حق و باطل در عصر غیبت وابسته به سه مقولهٔ بسترشناسی، فرایندشناسی و برایندشناسی است که حق‌جویان با معرفت و شناخت نسبت به این سه مقوله، در مواجهه با مستکبران موفق‌تر و کارآمدتر عمل می‌کنند؛ به بیان دیگر اصل غیبت و پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام به‌عنوان بسترگاه شکل‌گیری مبارزهٔ حق و باطل، آموزهٔ انتظار که بیانگر معرفی راهکار و چگونگی برخورد با مستکبران است به‌عنوان فرایند شکل‌گیری این مبارزه و مقولهٔ ظهور که با رویکرد غایت‌شناختی توجیه می‌شود به‌عنوان غایت و هدف مبارزهٔ حق و باطل شناخته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در عصر غیبت که بسترگاه مبارزهٔ حق علیه باطل است شکل گرفته است. این حرکت مقدس با اندیشهٔ مهدویت و آموزهٔ انتظار که الهام‌بخش روحیهٔ امید و امیدواری در منتظران و یاران امامین انقلاب است تداوم پیدا کرده و با ظهور

به‌عنوان طلوع خورشید ولایت، غایت‌بخشی می‌شود. رزمندگان و فرماندهان شجاع اسلام به طور عام و شهید حاج قاسم سلیمانی به طور خاص که به‌عنوان منتظران واقعی امام زمان علیه السلام و یاران واقعی امامین انقلاب شناخته می‌شوند، با درس‌آموزی از باورداشت انتظار با روحیه قوی و مقاوم در مسیر مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی قرار گرفته و با تبعیت و پیروی از ولایت برای رسیدن به ظهور و جامعه مطلوب مهدوی پیوسته در حال مبارزه و جهاد با مستکبران بوده‌اند. چنان‌که مقام معظم رهبری در خصوص پیروزی جبهه حق علیه استکبار جهانی می‌فرماید: «شکی نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است؛ مشروط بر آنکه جبهه حق از نیروی مادی و معنوی خویش به گونه‌ای درست بهره بگیرد و با خردمندی، تلاش شایسته، با استقامت و امید، با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و پیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی حق مسلمی است که وعده قرآنی برای او مقرر فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَبْطِئْ أَعْدَاءَكُمْ» و «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» و «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹).

۶. راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی که برآمده از مکتب امامین انقلاب است، دارای شاخصه‌های مختلفی همچون انقلابی‌گری، ولایت‌مداری، ایمان‌محوری، معنویت‌گرایی، شجاعت‌ورزی، شهادت‌طلبی، استکبارستیزی، مقاومت و استقامت‌ورزی است. تک‌تک این شاخصه‌ها که بیانگر شاخصه مکتب شهید سلیمانی است در روایات انتظار جزو شاخصه‌های منتظران تلقی شده و پیاده‌سازی و نهادینه‌سازی آن‌ها و نیز آراستگی و مزین شدن شیعیان و منتظران واقعی به آنها از جمله سفارشات حتمی حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشد. در میان شاخصه‌های انتظار شاخصه صبر و مقاومت دارای تأثیرگذاری و برجستگی خاصی است که علاوه بر تأکید زیاد معصومین علیهم السلام، در بیشتر روایات انتظار نیز به این موضوع اشاره شده است. علت این همه سفارشات به بهره‌مندی

از صبر و مقاومت و این همه همراهی صبر و مقاومت با انتظار به جهت الزامات و ویژگی‌های خاصی است که در دوران غیبت وجود دارد؛ چراکه منتظران و شیعیان از حضور طبیعی امام در جامعه محروم بوده و بیشتر دچار چالش‌ها و تهدیدهای فردی و اجتماعی می‌شوند و در این حالت ابزار صبر و مقاومت، کارآمدترین و کاربردی‌ترین ابزار جهت برون‌رفت از این معضلات و مشکلات می‌باشد. شهید سلیمانی که از شاگردان مکتب امامین انقلاب و از دست‌پروردگان این مکتب نوین مردم‌سالار دینی می‌باشد، در مقابله با استکبار و هم‌پیمانان آن‌ها همچون گروه‌های متعصب و خشک داعش، طالبان، القاعده و ... با شاخصه‌ی ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و مقاومت علاوه بر پیروزی بر مستکبران و صهیونیسم جهانی، زمینه‌ساز اضمحلال و نابودی دست‌پروردگان آنها مثل گروه منحرف داعش را فراهم کرده است. بی‌شک شهید حاج قاسم سلیمانی و مدافعان حرم با الهام‌گیری از فرهنگ انتظار و درس‌آموزی از مکتب امامین انقلاب، شاخصه‌ی انتظار را در منطقه و جهان اسلام در میان مسلمانان و جوامع اسلامی به‌عنوان یک فرهنگ غالب نمایان کرده و با نگرش کاربردی و اجرایی بستر نهادینه‌سازی آن را با شاخصه‌ی صبر و مقاومت تضمین کرده است.

نتیجه‌گیری

شهید سلیمانی از پیروان و تربیت‌شدگان امامین انقلاب است و مکتب او بر گرفته از مکتب امامین انقلاب می‌باشد. مکتب شهید سلیمانی به معنای مکتب اصطلاحی که دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص و دارای مبانی و اصول مشخص باشد نیست، بلکه به معنای سبک و روش خاص در مبارزه با دشمنان اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی همراه با رویکرد مقاومت و تاب‌آوری است. به‌طور کلی انقلاب اسلامی به سرپرستی ولی فقیه در سه مؤلفه‌ی بسترشناسی، فرایندشناسی و برابندشناسی بازشناسی می‌شود. نقش مردم و رزمندگان اسلام و حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان منتظران واقعی بیشتر در راستای مؤلفه‌ی دوم یعنی فرایندشناسی انقلاب نمایان می‌شود. فرایندشناسی در واقع همان حد فاصله میان بسترشناسی (خاستگاه انقلاب) و

برایندشناسی (غایت انقلاب) است که به نوعی بیانگر نقش آفرینی مردم و سپاهیان اسلام و در رأس آنها حاج قاسم سلیمانی بوده و موجب استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و مقبولیت و مطلوبیت آن در میان مردم ایران و خاورمیانه با رویکرد ملی و فرا ملی شده است و با کار بست شاخصه‌های انتظار همچون بالندگی، امیدواری، مقاومت و تاب‌آوری در مسیر مبارزه و ستیز با استکبار و صهیونیسم جهانی برای رسیدن به هدف بزرگ یعنی طلوع خورشید ولایت گام برداشته است.

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. آقا جعفری، هما. (۱۳۸۶). آرمان شهر از دیدگاه مکاتب و فلاسفه. مجله حدیث زندگی، شماره ۳۸، برگرفته از سایت: <https://b2n.ir/d91534>
۲. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۹ق). لسان العرب (ج ۵، ۱۱، ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی.
۳. الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۴). مهدویت مبنای دین شناختی ولایت فقیه در تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران. مجله پژوهش های مهدوی، شماره ۱۵، صص ۶۵ - ۸۲.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). رحیق مختوم (محقق: حمید پارسانیا، ج ۵). قم: اسرا.
۵. حافظ برسی، رجب بن محمد. (۱۴۲۲ق). مشارق انوار الیقین. بیروت: اعلمی.
۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/g11466>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۱۳). در پیام شهادت حاج قاسم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://khl.ink/f/44554>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بیانات در دیدار با مردم قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://khl.ink/f/44628>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۵/۲۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/t45065>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳/۱۰/۲۹). بیانات در پیام به کنگره عظیم حج سال. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/x04090>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بیانات در سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم در

- سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای <https://b2n.ir/s30882>
۱۲. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۶/۳۱). بیانات در آیین تجلیل پیشکسوتان دفاع مقدس. برگرفته از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای <https://khl.ink/f/46525>
۱۳. خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۱۶، ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات قرآن (ج ۱). بیروت: دارالاسلامیه.
۱۵. رحیم پور، فروغ السادات. (۱۳۸۵). تحلیلی از ساختار حق و باطل در قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان. پژوهش دینی، شماره ۱۳، صص ۱۴۷-۱۶۵.
۱۶. رستمی زاده، رضا. (۱۳۷۹). حق و باطل از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه معرفت، شماره ۳۹، صص ۳۸-۴۶.
۱۷. رمضانی، علی. (۱۳۹۰). معنای حق در نگاه اندیشمندان اسلامی. مجله معرفت حقوقی، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۲.
۱۸. سلیمانی، قاسم. (۱۳۹۹«الف»). میثاق نامه مکتب حاج قاسم. تهران: نشر حفظ آثار حاج قاسم.
۱۹. سلیمانی، قاسم. (۱۳۹۹«ب»). از چیزی نمی ترسم. تهران: مکتب حاج قاسم.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸). ترجمان فرقان (ج ۳). قم: شکرانه.
۲۱. صدرای شیرازی، محمد. (۱۳۶۰). شواهد الربوبیه (ج ۱، چاپ دوم). مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
۲۲. ضیایی فر، سعید. (۱۳۸۶). درنگی در اصطلاح مکتب فقهی. مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۵۳، صص ۱۶۵-۱۷۵.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان (ج ۲). قم: جامعه مدرسین.
۲۴. فاروق، عبدالخالق. (۱۳۹۹). نشست «ویژگی های الگوی راهبردی از نگاه شهید سلیمانی». (۱۳۹۹/۱۰/۱۳). به نقل از پایگاه اطلاع رسانی سفارت جمهوری اسلامی استکهلم، [FI https://b2n.ir/f58852](https://b2n.ir/f58852)

۲۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (ج ۶، ۷). تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
۲۶. قرضاوی، یوسف. (۱۳۶۰). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: نشر فرهنگ قرآن.
۲۷. کارگر، رحیم. (۱۳۸۵). مهدویت و فرجام ستیز حق و باطل. مجله انتظار موعود، ۷(۱۹)، صص ۸۷-۱۳۶.
۲۸. کلینی، محمد. (۱۳۶۵). کافی (ج ۱). تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶). التحقيق (ج ۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). حق و باطل. تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار (ج ۲). تهران: صدرا.
۳۲. مقرمی قیومی، احمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر (ج ۲). قم: دارالهجره.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱۹). قم: جامعه مدرسین.

References

* The Holy Qur'an

1. Agha Jafari, H. (1386 AP). The ideal city from the point of view of schools and philosophers. *Journal of Hadith of Life*. 38. [In Persian]
2. Elahinejad, H. (1394 AP). Mahdiism as the religious basis of religious authority in consolidating the system of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Mahdavi Research* (15), pp. 82-65. [In Persian]
3. Farooq, A. (13/10/1399 AP). *A meeting on "Characteristics of the strategic model from the point of view of Shahid Soleimani"*. Information Website of the Embassy of the Islamic Republic of Stockholm. From: FI <https://b2n.ir/f58852>. [In Persian]
4. Hafez Bersi, R. (1422 AH). *Mashareq Anwar Al-Yaqin*, Alami, Beirut. [In Arabic]
5. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vols. 10, 11). Dar al-Fikr le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi'- Dar Sader, Beirut: Mu'asisah Al-Tarikh al-Araby. [In Arabic]
6. Ibn Manzoor, M. (1419 AH). *Lisan al-Arab*. (Vols. 5, 10, 11). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. Mu'asisah Al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
7. Imam Khomeini, R. (1389 AP). *Sahifeh Imam* (Vols. 16 & 21). Tehran: The Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
8. Javadi Amoli, A. (1386 AP). *Raheeq Makhtoum* (5th ed., H, Parsania, Ed.). Qom: Isra'. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (10/27/1398 AP), *Friday prayer sermons*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/g11466>. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (10/29/1383 AP). *Message to the Great Hajj Congress of 2004*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/x04090>. [In Persian]

11. Khamenei, S. A. (11/30/1370 AP). *A speech at the great gathering of the people of Qom, on the anniversary of the birth of Hazrat Mahdi*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/s30882>. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (13/10/1398 AP). *In the message of the martyrdom of Haj Qasem*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/44554>. [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (18/10/1398 AP). *Statements in the meeting with the people of Qom*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/44628>. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (27/5/1387 AP) *The meeting of different classes of people on the day of the middle of Sha'ban*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/t45065>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (31/6/1399 AP). *Statements in honoring the veterans of the Holy Defense*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/46525>. [In Persian]
16. Koleyni, M. (1365 AP). *Kafi*. vol.1, Tehran: Dar Al-Kotob Islamiyeh. [In Persian]
17. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 19). Qom: Community of Teachers. [In Persian]
18. Moghrami Qayyumi, A. (1405 AP). *Al-Misbah Al-Munir* (Vol. 2). Qom: Dar al-Hijrah. [In Persian]
19. Mostafavi, H. (1386 AP). *Al-Tahqiq* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
20. Motahari, M. (1369 AP). *Right and wrong*. Tehran: Sadra. [In Persian]
21. Motahari, M. (1385 AP). *Collection of works* (Vol. 2). Tehran, Sadra. [In Persian]
22. Qaraati, M. (1383 AP). *Tafsir Noor* (Vols. 6 & 7). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. [In Persian]

23. Qardawi, Y. (1360 AP). *Right and wrong from the point of view of the Qur'an*. Tehran: Farhang Qur'an Publishing House. [In Persian]
24. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Islamiya. [In Arabic]
25. Rahimpour, F. (1385 AP), An analysis of the structure of right and wrong in the Qur'an with an emphasis on the view of Allameh Tabatabaei in *Al-Mizan. Religious Research*, (13), pp. 147-165. [In Persian]
26. Ramezani, A. (1390 AP). The Meaning of Right in the views of Islamic Thinkers. *Legal Knowledge Journal*, (2), pp. 89-112. [In Persian]
27. Rostami Zadeh, R. (1379 AP). Right and Wrong from the viewpoint of Imam Ali. *Ma'arefat Journal*, (39), pp. 38-46.
28. Sadeghi Tehrani, M. (1388 AP). *Tarjoman Furqan* (Vol. 3). Qom: Shokarane. [In Persian]
29. Sadraei Shirazi, M. (1360 AP). *Shawahid al-Rububiya* (Vol. 1, 2nd ed). Mashhad: Al-Markaz Al-Jamaei le al-Nashr. [In Persian]
30. Soleimani, Q. (1399 AP). *Charter of Haj Qasem School*. Tehran: Publications of Hajf Qasem's works. [In Persian]
31. Soleimani, Q. (1399 AP). *I am not afraid of anything*. Tehran: Haj Qasem School. [In Persian]
32. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AP). *Al-Mizan* (Vol. 2). Qom: Teachers Community. [In Persian]
33. Ziaefar, S. (1386 AP). A delay in the term of the school of jurisprudence. *Journal of Fiqh*, (53), pp. 165-175. [In Persian]



Research Article

A Thematic Analysis of the Political Standards of the Waiting Society in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Qolam Reza Behrouzi Lak¹

Mostafa Ebrahimi²

Received: 20/08/2023

Accepted: 08/10/2023

Abstract

The waiting (for Imam Mahdi) is a dynamic and valuable concept that is the source of society's movement in different arenas. In this thought, any kind of political movements and actions that agree with standards of Imam Mahdi will be effective in providing the context for the dynamic waiting in the Age of Occultation. This article aims at the thematic analysis of the political characteristics of the waiting society in the age of occultation in the thought of Ayatollah Lotfollah Safi Golpayegani. For this purpose, the qualitative method of thematic analysis and focusing on his statements and books have been used to identify, extract, and network basic themes and organizing and comprehensive themes. Finally, 72 basic themes and 11 organizing themes were identified under four comprehensive themes. The four comprehensive themes include the consensus of those waiting for the establishment of world peace and justice, the governance of the Imamate system in the age of occultation, the guardianship of jurists in the age of occultation, and the waiting as the element of the political and social life of those waiting in the age of occultation. As the aforementioned findings indicate, Ayatollah Safi Golpayegani has analyzed the political standards of the waiting society with a dynamic and active view of the waiting, which is the characteristic of waiting approaches in the era after the Islamic Revolution.

Keywords

Lotfollah Safi Golpayegani, The Waiting Society, The Age of Occultation, Political Standards.

1. Full Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. behroozlak@gmail.com.

2. Level Four (PhD), Islamic Seminary of Qom, Qom, Iran (Corresponding author). mehdiyavaran313@gmail.com.

* Behrouzi Lak, Q., & Ebrahimi, M. (1402 AP). A Thematic Analysis of the Political Standards of the Waiting Society in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 35-70. Doi: 10.22081/JM.2023.67189.1078

مقاله علمی - ترویجی

تحلیل مضمونی شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه!!

۲
مصطفی ابراهیمی

۱
غلامرضا بهروزی لک

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

چکیده

انتظار مفهومی پویا و ارزشی است که سرچشمه حرکت جامعه در عرصه‌های مختلف می‌باشد. در این اندیشه هر حرکت و کنش سیاسی‌ای که با شاخص‌های امام منتظر تطبیق داشته باشد، در زمینه‌سازی انتظار پویا در عصر غیبت مؤثر خواهد بود. این مقاله در صدد تحلیل مضمونی شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت در اندیشه آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه می‌باشد. برای این امر از روش کیفی تحلیل مضمونی و محور قراردادن بیانات و کتاب‌های ایشان جهت شناسایی، استخراج و شبکه‌سازی مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر استفاده شده است. در نهایت هفتادویک مضمون پایه و یازده مضمون سازمان‌دهنده تحت چهار مضمون فراگیر شناسایی شد. چهار مضمون فراگیر شامل اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی، حاکمیت نظام امامت در عصر غیبت، ولایت فقها در عصر غیبت و انتظار عامل حیات سیاسی و اجتماعی منتظران در عصر غیبت می‌باشد. چنانکه یافته‌های مذکور نشان می‌دهد آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه با نگاهی پویا و فعال به انتظار که ویژگی رویکردهای انتظار در دوران پس از انقلاب اسلامی است، شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر را تحلیل کرده است.

کلیدواژه‌ها

لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، جامعه منتظر، عصر غیبت، شاخص‌های سیاسی.

behroozlak@gmail.com

۱. استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم رحمته‌الله علیه گروه علوم سیاسی، قم، ایران.

mehdiyavar313@gmail.com

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

* بهروزی لک، غلامرضا؛ ابراهیمی، مصطفی. (۱۴۰۲). تحلیل مضمونی شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۸-۳۳.

Doi: 10.22081/JM.2023.67189.1078.



مقدمه

اعتقاد به آموزه بنیادین مهدویت در امور فردی و اجتماعی بشر وجود داشته و بینش آینده متعالی و ظهور حکومت، در طول تاریخ مرفی‌ترین آرمان اجتماعی بوده است. فطرت کمال‌گرای آدمی و ماهیت زندگی بشر با امید به آینده عجین شده و اعتقاد به مهدویت از اصیل‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد. اندیشه مهدویت در ذات خویش امیدآفرین می‌باشد و با زنده کردن امید و اشتیاق در وجود بشر، او را به آینده‌ای روشن رهنمون خواهد ساخت. شیعه در بحث انتظار به دلیل شرایط تاریخی، به سمت یک مفهوم انتزاعی کشیده شده بود؛ از همین رو در قرن سوم و چهارم شیعه امکانی برای گسترش مباحث مهدویت به منظور پیاده‌سازی مفاهیم آن در جامعه نداشت، ولی با روی کار آمدن حکومت‌های شیعه، شاهد عینیت‌بخشیدن مفاهیم اجتماعی و سیاسی مهدویت بوده‌ایم.

انتظار دارای دو جنبه است: از یک سو ناراضی‌بودن از وضع موجود و از سوی دیگر اندیشیدن به وضع مطلوب که همین جنبه از انتظار، ناظر بر ویژگی عینی و عملی‌بودن آن است و به عبارت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه همان انتظار پویا و کسب آمادگی برای ظهور می‌باشد. پس با توجه به این گفتمان از آموزه مهدویت و انتظار، وجود انقلاب و حکومت اسلامی زمینه تحقق اجتماعی و سیاسی آن را فراهم می‌کند.

از بعد سیاسی، اندیشه مهدویت به جهت جایگاه دینی خود، وظیفه ادامه‌دادن رسالت پیامبران، تشکیل حکومت جهانی برای اجرای شاخصه‌های دین اسلام، به حاکمیت‌رساندن مستضعفین عالم، برپایی عدالت و مقابله با ظلم را بر عهده دارد که این امر اهمیت سیاسی جایگاه آموزه مهدویت را نشان می‌دهد. از این جهت آموزه مهدویت ابعاد سیاسی بسیار مهمی در معارف اسلامی دارد و شایسته است تا با نگرشی تخصصی و با استفاده از دستاوردهای علوم سیاسی بررسی شود.

آموزه مهدویت یک پیشینه تاریخی بزرگ در اندیشه‌های بشری دارد و عالمان ارزشمندی در رابطه با این موضوع نظرات خود را ارائه داده‌اند. بر اساس روایات مرتبط با مهدویت، حضرت حجت حکومتی با ابعاد جامع در عالم اقامه خواهد کرد که یکی از ویژگی‌های آن تحقق عدالت به معنای حقیقی‌اش خواهد بود. بررسی ابعاد سیاسی این

مسئله نیز از دیدگاه علما و صاحب‌نظران دین اهمیت خاصی دارد و باید بر پایهٔ بیانات آن‌ها روشن شود که شاخصه‌های سیاسی جامعهٔ منتظر در عصر غیبت به منظور تحقق و زمینه‌سازی برپایی آن حکومت منتظر چه اموری هستند. لذا مسئله این است که برای حرکت جامعهٔ منتظر در عصر غیبت به عصر ظهور چه باید کرد؟ چه لوازم و زمینه‌هایی باید آماده شود؟ و در نهایت جامعهٔ منتظر به چه شاخص‌های سیاسی‌ای نیازمند است؟

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله در عصر معاصر نسبت به مباحث مهدویت پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند؛ از این رو بر آن شدیم تا در پژوهش حاضر به کنکاش و بررسی بیانات ایشان برای دستیابی به شاخصه‌های سیاسی جامعهٔ منتظر در عصر غیبت با روش تحلیل مضمون و محتوا پردازیم.

در این باره آثاری مانند مقالهٔ «شاخصه‌های سیاسی جامعهٔ منتظر در اندیشهٔ آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله العالی» نگاشته شده که در آن به شاخص‌های سیاسی جامعهٔ منتظر مانند «وحدت کلمه»، «ولایت‌مداری و نفی طاغوت»، «تمام‌خواهی و کمال‌طلبی» و ... اشاره شده است (سیاهپوش، ۱۳۹۹). با این وصف از منظر آیت‌الله صافی اثری یافت نشد؛ از این رو پژوهش حاضر نسبت به پیشینه یادشده از لحاظ تحلیل مضمونی و تشکیل شبکهٔ مضامین، دارای نوآوری در شیوه و روش پژوهش است و به تحلیل داده‌های پژوهش برای کشف شبکهٔ مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر پرداخته است.

۱. ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

جامعهٔ منتظر

در رابطه با تفکر انتظار در عصر غیبت با رویکردها و گفتمان‌های متفاوت و متضادی در طول این دوران مواجه بوده‌ایم. اندیشهٔ انتظار یکی از آموزه‌های بنیادین شیعه و از وجوه شاخص اندیشهٔ شیعی می‌باشد. گفتمان‌ها و دیدگاه‌ها به مسئلهٔ انتظار در طول تاریخ، مختلف و متفاوت بوده است و در بعضی از دوران‌ها رویکردهای معارضی در رفتار سیاسی جامعه نسبت به این مسئله وجود داشته است. شروع دوران غیبت برای شیعیان

همراه با نوعی سرگردانی و حیرت به جهت غیبت امام و منشأ هدایت بوده است. در دوران غیبت صغری، نایبان خاص متولی ارتباط با امام و بعد از اتمام این دوران و شروع غیبت کبرا، ولایت فقهای شیعه به دستور حضرت حجت علیه السلام مطرح شد. با توجه به مشکلات این دوران، در جامعه منتظر شاهد گرایش‌ها و رویکردهای سیاسی و اجتماعی متفاوتی نسبت به مسئله انتظار بوده‌ایم که بی‌ارتباط با حکومت‌ها و شرایط سیاسی حاکم بر شیعه نبوده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به مواردی از گفتمان‌های «انتظار فعال» و «انتظار منفعل» اشاره کرد.

در طول تاریخ حیات پرافتخار تشیع، مهم‌ترین عاملی که شیعیان را در برابر حکومت‌های جور و ستم از زوال و انقراض نگه داشته، مسئله انتظار و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بوده است. باور آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه این است که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهداء تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمانان ضد باطل و استعمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۵۳)؛ از همین رو گفتمان سیاسی آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در عصر غیبت، رویکرد سیاسی تشکیل حکومت شیعی و انتظار فعال در مقابل انتظار منفعل می‌باشد.

جامعه منتظر در اصطلاح به جامعه‌ای گفته می‌شود که با زمینه‌سازی ظهور و عمل کردن به وظایف خود در عصر غیبت کبرا، به امید ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت عدل جهانی و جهانی کردن دین مقدس اسلام به سر برد و خود را از آسیب‌ها دور ساخته و بر اساس شاخص‌هایی که برای جامعه منتظر در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ضرورت دارد در حرکت باشد. در عصر غیبت امام معصوم، امور اجتماعی و سیاسی اسلام همچنان پابرجاست؛ در عصر غیبت کبرا فقهای واجد شرایط و آگاهان به علوم اهل بیت علیهم السلام مرجع امور دینی شیعیان‌اند؛ چنانکه در توفیق شریف رسیده از امام عصر علیه السلام آمده است: «در رخدادهایی که پدید می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰).

شاخص سیاسی

در لغت برای واژه سیاست مفاهیم بسیاری ذکر کرده‌اند و در فرهنگ علوم سیاسی نیز مفاهیم اصطلاحی متعددی برای آن وضع شده است. واژه سیاست در لغت به معنی حکم‌راندن، داوری، تدبیر و ... آورده شده است و در اصطلاح به چند معنی آمده است:

۱. مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند (آقابخشی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲)؛
۲. سیاست به چهار نوع تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: سیاست انبیا، سیاست خلفا و سلاطین، سیاست علما و سیاست و عاظ و تأثیری که بر باطن عامه مردم دارند (غزالی، ۱۳۸۶، ص ۴۵)؛ لذا با توجه به تعاریف ارائه شده ما در پژوهش حاضر به مؤلفه «شاخص سیاسی» به عنوان یک پدیده اجتماعی و تسری ویژگی‌های سیاسی آن در حکومت و جامعه منتظر برای رسیدن به اهداف و شاخص‌های مطلوب مورد انتظار در عصر غیبت توجه داریم.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه در ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۷ق در گلپایگان دیده به جهان گشودند. پدر بزرگوارشان حضرت آیت‌الله مرحوم آخوند ملا محمد جواد صافی از علمای بزرگ و از نیکان و بزرگان زمان خود و صاحب تألیفات ارزشمندی در فقه، اصول، کلام، اخلاق، شرع و تفسیر احادیث بودند.

آنچه بیش از همه در میان آثار ایشان قابل توجه است کتاب‌ها و رساله‌های متعددی است که با هدف تبیین و تفسیر فرهنگ مهدویت و انتظار و پاسخ به شبهات در این زمینه نگاشته‌اند. در حقیقت این آثار ترجمان ارادت خالصانه این فقیه وارسته به حضرت ولی عصر علیه السلام است. برخی آثار ارزنده‌ای که در زمینه مهدویت از ایشان منتشر شده و در تحلیل مضمونی شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت مورد استناد قرار گرفته است عبارت‌اند از: سلسله مباحث امامت و مهدویت، نوید امن و امان، معارف دین، جامع الاحکام و گفتمان مهدویت و ضرورت حکومت یا ولایت فقها در عصر غیبت.

۲. روش پژوهش: تحلیل مضمونی

روش این پژوهش روش کیفی تحلیل مضمون می‌باشد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (شیخزاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳).

تحلیل مضمون اولین روش تحلیل کیفی است، این روش مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است؛ به همین دلیل آن را نه روشی خاص، بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کنند. برخی نیز کدگذاری در تحلیل مضمون را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به عقیده براون^۱ و کلارک^۲ تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف‌پذیری است.

یکی از موضوعات مورد بحث در روش تحلیل مضمون این است که مضمون به چه معناست؟ و چگونه در داده‌ها شناخته می‌شود؟ شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی قلب تحلیل مضمون است. از آنجا که تحلیل مضمون یک تحلیل کیفی است، لذا مضمون به معیارهای کمی متن و داده‌ها ارتباطی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به موضوع مورد تحلیل می‌پردازد و نزدیک است.

تحلیل مضمون فقط روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات به ظاهر نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی،

1. Braun
 2. Clark

مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴).

در شناخت مضمون در روش تحلیل مضمون باید به این دو نکته توجه داشت:

الف. واژه «مضمون» به طور ضمنی و تا حدی مبین «تکرار» است؛ لذا مسئله‌ای را که فقط یک‌بار در متن داده‌ها ظاهر شود، نمی‌توان «مضمون» به حساب آورد، مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد.

ب. مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود اینکه هم‌پوشانی در میان مضامین تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین مختلف وجود نداشته باشد، نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها ارائه کرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

به طور کلی این روش که در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی استفاده می‌شود، شامل شش گام عملیاتی می‌باشد که در نوشتار حاضر محورهای چگونگی استخدام روش تحلیل مضمون و تشکیل شبکه مضامین عبارت است از:

۱. شناسایی متون مهدوی با تأکید بر جنبه سیاسی آن در متن و کتاب‌های آیت‌الله

العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله

۲. آشناسدن و تجزیه و تحلیل داده‌های مورد نظر و مرتبط با مقاله

۳. کدگذاری و ایجاد کدهای اولیه داده‌های سیاسی بیانات معظم‌له

۴. شناخت و تدوین مضامین

۵. ترسیم شبکه مضامین پایه

۶. تحلیل شبکه مضامین به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

۷. تدوین گزارش و بیان شاخصه‌های سیاسی جامعه در عصر غیبت

در این نوشتار گام به گام روش تحلیل مضمون شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت با تأکید بر اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله را کشف و استخراج کرده و سپس مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۳. شبکه مضامین و تحلیل داده‌های پژوهش

با بررسی بیانات و کتب آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، شماری از شاخصه سیاسی برای جامعه منتظر در عصر غیبت بدست خواهد آمد. یافته‌های پژوهش در خصوص به ترتیب ۷۱ مضمون پایه، ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر می‌باشند که در جدول ذیل متون بیانات و مضامین پایه و جدول شبکه مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر ارائه می‌گردد.

جدول مضامین پایه/مضامین سازمان‌دهنده/مضامین فراگیر

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۰۷)	اجماع امت بر قیام حضرت در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی	اجماع امت اسلام بر اقامه صلح جهانی	اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی (وحدت‌گرایی جهان اسلام)
۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۶۳)	اجماع شیعه بر قیام حضرت و فتح و غلبه جهانی		
۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴)	اجماع ینش منتظران بر سعادت نهایی جهانی بشر		
۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۸)	اجماع فرق اسلامی بر برپایی عدالت اجتماعی	اجماع امت اسلام بر اقامه عدالت جهانی	
۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳)	انتظار مسلمانان در عصر غیبت به ظهور شخصیت عدالت‌گستر		
۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۸)	عقیده ظهور و برپایی عدالت جهانی حضرت		
۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۸)	تحقق عدالت حقیقی در عصر ظهور و عدم تحقق کامل آن در عصر غیبت		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۱)	شکست نظام‌های استکباری در برابر نظام سیاسی اجتماعی اسلام [امامت] در عصر غیبت	شکست نظام‌های استکباری رایج	لزوم حاکمیت نظام امامت در عصر غیبت
۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۳)	تقابل نظام سلطه با نظام امامت در عصر غیبت	عصر غیبت	
۱۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۰۲)	اندیشه سیاسی اسلام عامل تداوم انقلاب اسلامی ایران در عصر غیبت	نظام امامت رمز وحدت سیاسی	
۱۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳)	لزوم تبعیت از نظام امامت در عصر غیبت	انقلاب اسلامی ایران عصر غیبت	
۱۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳)	نظام امامت رمز وحدت سیاسی تمام شیعه و در عصر غیبت	غیبت	
۱۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۷)	اهمیت بُعد سیاسی امام‌شناسی در عصر غیبت	نظام امامت در عصر غیبت	
۱۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۰۷)	جذب قلوب، تربیت و تقویت رشد سیاسی مردم توسط امامت در عصر غیبت	جایگاه نظام سیاسی و اجتماعی امامت در عصر غیبت	
۱۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۸)	استمرار اصالت و اعتبار نظام سیاسی امامت در برابر غاصبین در عصر غیبت	امامت در عصر غیبت	
۱۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۱)	رهبری همه‌جانبه امام معصوم در عصر غیبت		
۱۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۱)	ضرورت جهانی استقرار نظام		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۳)	امامت در عصر غیبت		
۱۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰)	مهدویت حیات امامت در عصر غیبت		
۱۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۴۳)	نظام سیاسی امامت تداوم نظام سیاسی پیامبر اسلام در عصر غیبت		
۲۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۸)	مخالفت سیاستمداران غاصب با نظام امامت در عصر غیبت		
۲۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳)	ولایت فقها در امتداد نظام سیاسی پیامبر اسلام در عصر غیبت		
۲۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۹)	ثبوت ولایت عامه برای فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت	ثبوت استمرار ولایت فقها در عصر غیبت	ولایت فقها در عصر غیبت
۲۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱)	در زمان غیبت جایگاه ولایت فقها ثابت و مسلم است.		
۲۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۸)	فقهای جامع‌الشرایط حافظان نظام اسلامی در عصر غیبت		
۲۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳)	ولایت فقها استمرار نظام امامت در عصر غیبت		
۲۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳)	لزوم تبعیت از نظام متکی به ولایت فقها در عصر غیبت	تبعیت از ولایت فقها در عصر غیبت	
۲۷	(صافی گلپایگانی،	مهدویت مایه امید مسلمانان علیه	انتظار عامل	انتظار عامل

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
	۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۳)	نظام‌های استعماگر و ظالم در عصر غیبت	استقامت در	حیات سیاسی
۲۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۲)	مبارزه حق و باطل، فلسفه اجتماعی و سیاسی انتظار در عصر غیبت	جهانی	و اجتماعی منتظران در عصر غیبت
۲۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۲)	جهان محکوم فساد و ظلم‌ستیزان در عصر غیبت نیست		
۳۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷)	تفکر مهدویت و عدم استعمار جوامع دیگر عصر غیبت		
۳۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷)	تفکر مهدویت و عدم برده‌پنداری جوامع دیگر در عصر غیبت		
۳۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷)	تفکر مهدویت و عدم چپاول و غارت جوامع دیگر در عصر غیبت		
۳۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷)	تفکر مهدویت و عدم نژادپرستی در عصر غیبت		
۳۴	(صافی ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸۳)	بی‌اعتباری امتیازات ظاهری و نژادی در عصر غیبت		
۳۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸)	اصل انتظار عامل پایداری در برابر کفر در عصر غیبت		
۳۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸)	اصل انتظار عامل پایداری در برابر جهل و شرک در عصر غیبت		
۳۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸)	اصل انتظار عامل پایداری در برابر فساد در عصر غیبت		
۳۸	(صافی گلپایگانی،	انتظار مسلمانان در عصر غیبت به		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
	۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳)	ظهور شخصیت ظلم و ظالم ستیز		
۳۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲)	انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری‌های فاسد در عصر غیبت		
۴۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲)	عدم سازگای عقیده انتظار با انفعال و سکون (انتظار پویا)		
۴۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با روابط استعبادی در عصر غیبت		
۴۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با روابط استکباری در عصر غیبت		
۴۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۲)	مبارزه حق و باطل فلسفه اجتماعی و سیاسی انتظار در عصر غیبت		
۴۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با روابط استعبادی در عصر غیبت		
۴۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۰)	عقیده انتظار و تقابل با تبعیض		
۴۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰)	وجود عقیده به مواسات و برابری اجتماعی و سیاسی در دروان غیبت و حکومت حضرت	انتظار عامل مساوات و عدالت در	
۴۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰)	عقیده به مهدویت یعنی برقرای مساوات اسلامی در عصر غیبت	جامعه اسلامی عصر غیبت	
۴۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۰)	عقیده به مهدویت یعنی برقرای مساوات اسلامی در عصر غیبت		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۴۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با ترك امور سیاسی و اجتماعی		
۵۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰)	لزوم توجه به عدالت و مساوات معتقدان به مهدویت در عصر غیبت		
۵۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰)	مساوات خواهی معتقدان به مهدویت در عصر غیبت		
۵۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰)	عدم سازگاری عقیده مهدویت با واگذاری امور به نااهلان		
۵۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲)	انتظار عامل مقاومت و بلندهمتی در عصر غیبت		
۵۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱)	التزام مؤمنین به احکام دین و تلاش برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمین	انتظار عامل	
۵۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴)	عقیده انتظار مساوی با حرکت نه سکون در عصر غیبت	مسئولیت‌پذیری و تعهد سیاسی	
۵۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴)	عقیده انتظار عامل تعهد و مسئولیت‌پذیری در عصر غیبت		
۵۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱)	تداوم و استمرار تکالیف و وظایف سیاسی و اجتماعی جامعه در عصر غیبت		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۵۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۱)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با ترک امور سیاسی و اجتماعی جامعه در عصر غیبت		
۵۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳)	عقیده به انتظار در عصر غیبت عامل غیرت و دفاع از احکام اسلام		
۶۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۰۲)	ناسازگاری یأس و ناامیدی در جامعه با عقیده به مهدویت در عصر غیبت		
۶۱	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲)	ناسازگاری انفال در امور با عقیده مهدویت در عصر غیبت		
۶۲	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۴۹)	عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با ترک امور سیاسی و اجتماعی جامعه در عصر غیبت		
۶۳	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۹)	لزوم یکسان‌سازی جامعه عصر غیبت با جامعه جهانی عصر ظهور		
۶۴	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱)	التزام مؤمنین به احکام دین و اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمین	لزوم آمادگی همه‌جانبه عصر غیبت برای ظهور	
۶۵	(صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۶)	همکاری با یکدیگر در اعتلای کلمه اسلام و وظیفه مسلمانان در عصر غیبت		
۶۶	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۰)	دروان غیبت، عصر آمادگی جهت انجام مأموریت‌های مهم		

ردیف	مستند مضمون	مضمون پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۶۷	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۹۷)	آمادگی فکری جامعه برای ظهور حضرت در جهات علمی، فکری، سیاسی و اجتماعی عصر غیبت		
۶۸	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۴۳)	تربیت نیروی زمینه ساز در عرصه های علمی و سیاسی		
۶۹	(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱)	سیر جامعه در جهات علمی و سیاسی و اهداف اسلام در عصر غیبت		
۷۰	(صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱)	عصر غیبت دوره امتحان و آزمایش		

۳-۱. تحلیل شبکه مضامین

پس از بررسی متن کتاب‌ها و بیانات آیت‌الله صافی گلپایگانی که با کدگذاری مضامین پایه و سازمان دهنده با مضمون شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت استخراج شد، در جدول شبکه و سازمان مضامین تعداد ۷۱ مضمون پایه، ۱۱ مضمون سازمان دهنده و ۴ مضمون فراگیر به دست آمد. مضامین پایه به صورت مستقیم از فرمایشات آیت‌الله صافی گلپایگانی (ذکر شده در جدول) استخراج شده و دلالت فرمایشات ایشان بر مضامین استخراج شده واضح است. همچنین با تأمل در جدول شبکه مضامین، چگونگی جمع مضامین پایه مشابه و تبدیل آن‌ها به مضامین سازمان دهنده مشخص شده است. با توجه به وضوح چگونگی استخراج مضامین پایه و سازمان دهنده و همچنین با عنایت به محدودیت مقاله، توضیح کامل آنها مقدور نیست و مهم‌ترین بخش شبکه مضامین یعنی چگونگی تبدیل مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بیان و تحلیل

یافته‌های پژوهش، در جدول شبکه مضامین بالا، تعداد ۴ مضمون فراگیر و نهایی ذکر شد که در ادامه به تجزیه و تحلیل و کشف ارتباط آنها با مضامین سازمان‌دهنده پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱. اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی (وحدت‌گرایی جهان اسلام)

آیت‌الله صافی گلپایگانی با توجه به اندیشه دکتین مهدویت به این گزاره اذعان کرده‌اند که امت اسلامی جهت مقابله با اوضاع سیاسی و انحرافات دینی به وجود آمده در عصر غیبت و همچنین وجود بینش و اعتقاد منتظران بر حکمرانی نهایی عدل و صلح و غلبه حکومت الهی بر این باور استوارند که امت اسلامی خواهد توانست صلح و عدالت جهانی حضرت بقیه الله اعظم علیه السلام را برقرار کند. دو مضمون سازمان‌دهنده ذیل بیانگر شاخص اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی می‌باشند:

۳-۱-۱-۱. اجماع امت اسلام بر اقامه صلح جهانی

از دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام امت اسلامی بر قیام حضرت در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی اجماع دارند. بر اساس روایات شاهد آن هستیم که «حضرت در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی قیام خواهد کرد و عالم را بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده از عدل و داد پر خواهد نمود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۰۷). در همین راستا پیروان مذهب شیعه بر این مسئله اجماع دارند که «آن حضرت و اصحابش و عموم بندگان شایسته خدا را بر تمام ملل غالب و حاکم و وارث و مالک ارض قرار می‌دهد و از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم اگر موضوع را بررسی کنیم، حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود؛ زیرا آن حضرت هنگامی ظهور می‌کند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۶۳).

بنابراین اندیشه شیعه بر این استوار است که «(ظهور) مقصد و هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه،

علم و ترقی و عدالت و نیک بختی را برای تمام افراد بشر» رقم خواهد زد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴).

۳-۱-۲. اجماع امت اسلام بر اقامه عدالت جهانی

بر اساس نظر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله فرقه‌های اسلامی بر برپایی عدالت اجتماعی حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه در آینده جهان اتفاق نظر دارند؛ از همین رو «مسلمانان [انتظار یک قیام روحانی جهانی و ظهور مصلحی را می‌کشند که عدالت اجتماعی و نظام جهان را بر اساس ایمان به خدا و احکام دین اسلام برقرار سازد و دنیا را از چنگال ستمکاران و جباران نجات بخشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۸)؛ از این رو شاهد این هستیم که «مسلمانان عموماً و شیعه اثنی عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی را می‌کشند که انقلاب اسلام را جهانگیر، حق و عدالت را پیروز، بشر را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعباد و استعمار و از وقوف و توقف نجات دهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله بر این عقیده هستند که ظهور همراه با برپایی عدالت جهانی حضرت می‌باشد و این بینش باعث رشد فکر و اندیشه منتظران در عصر غیبت خواهد شد؛ به همین منظور ایشان چنین عبارتی دارند که «عقیده به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه و قیام انقلابی و حکومت جهانی و عدالت گستر آن حضرت نیز فکر و اندیشه را وسیع و جهان‌اندیش می‌سازد که به دورترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را بخواهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۸).

و در پایان این بخش ایشان یادآور شده‌اند که عدالت حقیقی در عصر غیبت محقق نخواهد شد؛ زیرا «شخصی که [عدالت کامل] را برقرار می‌سازد همان مهدی موعود عجل‌الله‌فرجه است. آن حضرت قبل از اینکه آن مأموریت‌های بزرگ را انجام دهد به شهادت نخواهد رسید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۸).

۳-۱-۲. حاکمیت نظام امامت در عصر غیبت

نظام امامت حاکمیتی الهی و حتمی است که دوره فترت ندارد و در همه دوره‌ها و

زمان‌ها وجود دارد؛ از عصر نبی مکرم اسلام تا امروز (دوران غیبت) برقرار بوده و هست و تا زمانی که این عالم و دنیا برقرار هست، استمرار خواهد داشت؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷).

با توجه به بیانات آیت‌الله صافی گلپایگانی بر همه واجب است که در عصر غیبت «نظام امامت» را بشناسند و به آن ایمان داشته باشند و مطیع آن باشند؛ تفاوت نمی‌کند که این نظام بر اوضاع مسلط باشد یا نباشد و حکومت‌های غاصب در امور مداخله داشته باشند یا نه. ایشان به این نکته متذکر شده‌اند که منتظر در عصر غیبت باید مشخص و معین کند که او در زندگی و تمام شئون و امور خود از چه نظام و حاکمیتی اطاعت می‌کند و تابع چه حکومتی است؛ باید معلوم کند که تابعیت نظام امامت را قبول دارد یا نظام طاغوت را پذیرفته است.

بیشتر مسلمانان به این مسئله بسیار مهم توجه کافی نکرده و معنای «ولایت» را درک نکرده و از اهمیت این بُعد آن که اطاعت باشد غفلت کرده‌اند یا بعد از شناخت سطحی از نظام امامت و ولایت، به انجام یک سلسله فرائض اکتفا کرده‌اند.

اما از اینکه در دوران غیبت چه تابعیتی باید داشته باشند غفلت دارند و اگر تابعیت حکومت‌های غیر شرعی را قبول نکرده باشند، تابعیت حکومت شرعی را هم آگاهانه نپذیرفته‌اند و به تعهدات و مسئولیت‌هایی که در برابر آن دارند توجه ندارند و تابعیت حکومت شرعی را یک مسئله و وظیفه اسلامی نشمرده‌اند. بر اساس مذهب «شیعه» که نظام امامت، نظام مستمر در عالم وجود هست، در دوران غیبت و در تمام شرایط آن تابعیت از نظام امامت یک فریضه اساسی شمرده شده است. بنابراین با توجه به ۳ مضمون سازمان‌دهنده ذیل به تبیین شاخص جایگاه نظام امامت در عصر غیبت اشاره می‌شود:

۱-۲-۳. شکست نظام‌های استکباری رایج عصر غیبت

بر اساس بینش و اندیشه مهدوی آیت‌الله صافی گلپایگانی، شکست نظام‌های استکباری در برابر نظام سیاسی اجتماعی اسلام [امامت] در عصر غیبت امری حتمی

می‌باشد؛ چراکه شاهد آن هستیم که «شکست نظام‌های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک‌آلود غیر انسانی و عدم موفقیت برنامه‌های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی و ناکام‌ماندن این سیاست‌ها در تحقق اهداف انسانی و ازین‌بردن جهل و ستم و کینه‌جویی‌ها و نژادپرستی‌ها، روزبه‌روز دل‌ها را برای قبول اسلام آماده‌تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه‌های الهی آن - که یگانه راه‌حل مشکلات بشریت است - مشتاق‌تر می‌سازد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۱).

در عصر غیبت با نبود تابعیت همگانی از نظام امامت شاهد خواهیم بود که «تا این نظام‌های [استکباری] بر جهان مسلط باشند و تا در جهان نظام مستمر امامت - که یگانه نظام الهی است - استقرار نیابد، این رژیم‌ها و این نظام‌های مشرکانه اگرچه اسم و هدفشان را عوض کنند، تحمیل بر بشر و موجب شدت فشار و تضادهای اقتصادی و سیاسی و بحران‌های مختلف و تبعیضات گوناگون خواهند شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۳).

۳-۲-۲. نظام امامت رمز وحدت سیاسی انقلاب اسلامی ایران در عصر غیبت

آیت‌الله صافی گلپایگانی بر این باورند که اندیشه سیاسی اسلام عامل تداوم انقلاب اسلامی ایران در عصر غیبت می‌باشد؛ «اما در انقلاب اسلامی که تداوم دارد و همیشه بوده است، آن چیزی که محرک و الهام‌بخش انقلابیون اسلام خواه است، همان ایمان به حکومت «الله» و رهنمودهای سیاسی قرآن و سیره حضرت رسول ﷺ است که خواست واقعی توده‌های مسلمان بازگشت حکومت «الله» و نظام اسلام است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۰۲).

امر دیگری که در عصر غیبت ضرورت دارد، لزوم تبعیت از نظام امامت در جهت برقراری وحدت سیاسی میان امت اسلام و به خصوص شیعه بوده است؛ «این نظام از عصر خود پیغمبر ﷺ تا حال باقی است و در این عصر که عصر غیبت است، در ولایت فقها و علمای عادل تبلور دارد. این نظام است که رمز وحدت سیاسی تمام شیعه در سراسر عالم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳) و همچنین «این نظام [امامت در عصر

غیبت] است که رمز وحدت سیاسی تمام شیعه در سراسر عالم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳).

۳-۱-۲-۳. جایگاه نظام سیاسی و اجتماعی امامت در عصر غیبت

اهمیت بُعد سیاسی امام‌شناسی در عصر غیبت: «بدون شک معرفت امام زمان علیه السلام و رهبر امت بر حسب دلایل محکم عقلی و روایات معتبر یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی است که در تمام دوره‌ها و عصرها مورد توجه بوده و بُعد سیاسی آن در نظام حکومتی اسلام نقش تعیین‌کننده دارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۷).

جذب قلب‌ها، تربیت و تقویت رشد سیاسی مردم توسط امامت در عصر غیبت: «حضرت، ولیّ امر و رهبر نظام امامت بوده، مورد مشورت در موضوعات دیگر می‌باشد که یا به منظور گرم کردن نفوس و جذب قلب‌ها است و اینکه توهم استبداد به رأی از نظامی که در آن استبداد نیست دفع شود. و یا برای تربیت و تقویت رشد سیاسی دیگران است، برای آماده‌شدن آنها جهت مداخله در امور و انجام مأموریت‌های مهمی که به آنها ارجاع می‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۰۷).

استمرار اصالت و اعتبار نظام سیاسی امامت در برابر غاصبین در عصر غیبت: «در بُعد سیاسی نظام امامت هم اگرچه مخالفت سیاستمداران غاصب با اصل نظام و جلوۀ ابعاد متعدد آن از بیم این بعد سیاسی بوده و هست؛ با این وجود این مخالفت‌ها و ممانعت‌ها موجب بروز فترت و فاصله در این نظام نگردید و از اصالت و اعتبار واقعی و شرعی آن چیزی کم نکرد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۸).

رهبری همه‌جانبه امام معصوم در عصر غیبت: «امام رهبر سیاسی و فکری و خلیفه خدا و حاکم و ولیّ امر در عصر غیبت است؛ یعنی همه این مقامات از شئون او است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۰) و همچنین «امامت دارای ابعاد مختلف و شئون متعدد است که از آن جمله زمامداری و اداره امور و قیام به برقراری عدل و قسط و حفظ امنیت است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۱).

ضرورت جهانی استقرار نظام امامت در عصر غیبت: «تا این نظام‌ها بر جهان

مسلط باشند و تا در جهان نظام مستمر امامت - که یگانه نظام الهی است - استقرار نیابد، این رژیم‌ها و این نظام‌های مشرکانه اگرچه اسم و هدفشان را عوض کنند، تحمیل بر بشر و موجب شدت فشار و تضادهای اقتصادی و سیاسی و بحران‌های مختلف و تبعیضات گوناگون خواهند شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۳).

مهدویت حیات امامت در عصر غیبت: «مهدویت چیزی جز حیات و پویایی امامت در عصر غیبت نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

نظام سیاسی امامت تداوم نظام سیاسی پیامبر اسلام در عصر غیبت: «چنانچه می‌دانیم شیعه زمامداری دینی و سیاسی را بعد از پیغمبر اعظم یک مقام الهی و منصب خلیفه‌اللهی می‌داند که به امر خداوند متعال، پیغمبر کسی را که شایسته باشد معرفی و منصوب می‌کند و همان‌گونه که پیغمبر رهبری دینی، روحانی، سیاسی و انتظامی جامعه را عهده‌دار است، امام که قائم مقام پیامبر و جانشین او است نیز رهبر جامعه [در عصر غیبت] است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

مخالفت سیاستمداران غاصب با نظام امامت در عصر غیبت: «در بعد سیاسی نظام امامت هم اگرچه مخالفت سیاستمداران غاصب با اصل نظام و جلوه ابعاد متعدد آن از بیم این بعد سیاسی بوده و هست، با این وجود این مخالفت‌ها و ممانعت‌ها موجب بروز فترت و فاصله در این نظام نشد و از اصالت و اعتبار واقعی و شرعی آن چیزی کم نکرد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۸).

۳-۱-۳. ولایت فقها در عصر غیبت

۳-۱-۳-۱. ثبوت استمرار ولایت فقها در عصر غیبت

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه ولایت فقیهان را بینش و اندیشه اصلی در بعد سیاسی فقهی شیعه در دوران غیبت بر شمرده‌اند؛ از همین رو با وجود روایت‌های مختلف نسبت به جایگاه ولایت فقها در عصر غیبت، تبیین آیت‌الله صافی گلپایگانی نشانگر جامعیت و بینش عمیق ایشان نسبت مسائل و شاخص‌های سیاسی عصر غیبت می‌باشد. همچنین با توجه به بیانات ایشان و دلایل دیگر عقلی و نقلی به این اصل خواهیم

رسید که جامعه به حکومتی که امور اجتماعی و سیاسی آن را هدایت کند نیاز دارد تا جامعه را از فساد و تباهی حفظ کند و همچنین امور عمومی را در جهت مصالح آن برنامه‌ریزی و عدالت را برقرار کند و همگان را در برابر قانون یکسان سازد.

ایشان در بخش ساختار نظام سیاسی اسلام، عنصر محوری نظام سیاسی در عصر غیبت را فقهای جامع‌الشرایط می‌دانند که ولایت و مشروعیت خود را به نصب الهی دریافت کرده‌اند.

دو مضمون سازمان‌دهنده ذیل به تبیین شاخص جایگاه حیاتی ولایت فقها و استقرار حکومت اسلامی در بیانات معظم‌له اشاره دارد:

۳-۱-۲. ولایت فقها در عصر غیبت

بر اساس دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی، ولایت فقها در امتداد نظام سیاسی پیامبر اسلام ﷺ در عصر غیبت می‌باشد و شاهد آن هستیم که «این نظام از عصر خود پیغمبر ﷺ تا حال باقی است و در این عصر که عصر غیبت است، در ولایت فقها و علمای عادل تبلور دارد و این نظامی است که حدّ و مرز ندارد و در هر کجا و هر نقطه از جهان، تحت هر رژیم و حکومت، یک نفر مسلمان باشد، باید از این نظام تبعیت داشته باشد و تابعیت واقعی او تابعیت از این نظام باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳).

در بعد دیگری از ابعاد مسئله ولایت فقیهان در عصر غیبت، از نظر معظم‌له ولایت عامه برای فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت ثابت است؛ در همین راستا ایشان معتقد هستند که «در عصر غیبت ولایت بر اداره امور به نصب عام امام برای فقها ثابت است، چنانکه در عصر حضور برای اشخاص معینی بوده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۹) و به نظر حقیر ولایت فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت ولی عصر ﷺ فی‌الجمله ثابت و مسلم است و تفصیل آن در رساله «ولایة الفقهاء فی عصر الغیبة» بیان گردید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱).

بی‌شک نیاز مردم به حکومتی که اداره امورشان را به عهده بگیرد، همیشگی و همه‌جایی است و اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و در این جهت میان عصر حضور

امام با عصر غیبت تفاوتی نیست و همان گونه که خداوند با نصب امام، حجت را بر خلق تمام کرد، واجب است که در عصر غیبت خود، کسی را برای تامین مصالح آنان تعیین کند و اجازه ندهد که مصالحشان در معرض تباهی و امورشان در آستانه نابودی قرار گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

همچنین آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه در رابطه با حکومت اسلامی در عصر غیبت در جواب این استفتاء [س ۴۹. در عصر غیبت حفظ نظام و حکومت اسلامی بر عهده چه کسی است؟] بیان داشته‌اند که در عصر غیبت «مجارای الامور بید العلماء یعنی فقهای جامع‌الشرایط است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۸).

۳-۱-۳. تبعیت از ولایت فقها در عصر غیبت

شاخص مهم در این بخش بر اساس بیانات معظم‌له لزوم تبعیت از نظام متکی به ولایت فقها در عصر غیبت می‌باشد؛ چراکه [نظام متکی بر ولایت فقها] «نظامی است که حدّ و مرز ندارد و در هر کجا و هر نقطه از جهان، تحت هر رژیم و حکومت، یک نفر مسلمان باشد، باید از این نظام تبعیت داشته باشد و تابعیت واقعی او تابعیت از این نظام باشد. این نظام است که رمز وحدت سیاسی تمام شیعه در سراسر عالم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۴۳).

۳-۱-۴. انتظار عامل حیات سیاسی و اجتماعی منتظران در عصر غیبت

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه در بیان ویژگی منحصر به فرد انتظار در عصر غیبت بر این باورند که این عقیده باعث پویایی جامعه شیعه و منتظران در عصر غیبت خواهد شد. ایشان با توجه به اندیشه دکتربین مهدویت به ۴ گزاره حیاتی ویژگی انتظار در عصر غیبت اذعان کرده‌اند که با داشتن باور انتظار، منتظران علیه استعمار و استعمارگران عالم استقامت خواهند کرد و از روحیه مقاومت جهت تقابل با ظالم از یک طرف و حمایت از مظلوم و مستضعفان از سوی دیگر در عصر غیبت بهره‌مند خواهد شد. همچنین دومین شاخصه باور انتظار از دیدگاه معظم‌له این است که روحیه مساوات و عدالت اجتماعی در عصر غیبت در جمع منتظران در همه سطوح اجتماعی و فرهنگی رشد خواهد کرد.

در سومین ویژگی اندیشهٔ انتظار شاهد این هستیم کسانی که منتظر مصلح جهانی و دوران ظهور حضرت حجت هستند، در دوران غیبت مسئولیت‌پذیر و متعهد به انجام امور سیاسی و اجتماعی جامعه می‌باشند و این‌طور نیست که در حالت سکون قرار داشته باشند و یک انتظار منفعلانه را تجربه کنند؛ بلکه با توجه به بیانات آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله انتظار منتظران در عصر غیبت یک انتظار پویا و فعالانه خواهد بود؛ از همین سو معظم‌له بر لزوم یکسان‌سازی جامعهٔ عصر غیبت با جامعهٔ جهانی عصر ظهور جهت آمادگی همه‌جانبه برای تحقق آن عصر تأکید داشته‌اند.

چهار مضمون سازمان‌دهنده ذیل بیانگر شاخص انتظار عامل حیات سیاسی و اجتماعی منتظران در عصر غیبت می‌باشند:

۳-۱-۴-۱. انتظار عامل استقامت در برابر کفر جهانی

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله مهدویت را مایهٔ امید مسلمانان علیه نظام‌های استعماگر و ظالم در عصر غیبت برشمرده‌اند و آن را «مسئله‌ای که همواره مایهٔ امید مسلمانان منتظر و هستهٔ مرکزی انقلابات علیه نظام‌های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعدهٔ الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است» یادآور شده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۳).

معظم‌له مبارزهٔ حق و باطل را به‌عنوان فلسفهٔ اجتماعی و سیاسی انتظار در عصر غیبت بیان کرده‌اند؛ زیرا بر اساس اندیشهٔ سیاسی شیعه «فلسفهٔ اجتماعی انتظار و عقیده به ادامهٔ مبارزهٔ حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است که می‌بینیم همیشه از میان شکست‌ها، پیروزی‌هایی آشکار و در عین ذلت ظاهری، پرتو و شعاع عزت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده‌ها و همت‌ها به حرکت و جنبش درمی‌آید و افراد با اراده و مصمم و متعهد وارد میدان می‌شوند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۲)؛ به همین دلیل است که «بشر باید منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان محکوم ظلم ستمگران و فساد اهریمنان نیست و سرانجام همهٔ تباهی‌ها و نگرانی‌ها به راحتی و امنیت و آسایش مبدل می‌شود و مستکبرین و مفسدین ریشه کن می‌گردند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۲).

یکی دیگر از فلسفه‌های اجتماعی و سیاسی تفکر مهدویت، عدم استثمار جوامع دیگر در عصر غیبت می‌باشد؛ چون «هرکس چنین عقیده‌ای [مهدویت] دارد، فکرش وسیع و مقصدش وسیع است. برای نفع یک جامعه، جامعه دیگر را استثمار نمی‌کند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷). در ادامه این بینش شاهد وجود تفکر عدم برده‌پنداری، عدم چپاول و عدم نژادپرستی جوامع دیگر در عصر غیبت هستیم که هرکس چنین عقیده‌ای [مهدویت] دارد، «برای سیادت یک گروه، گروه‌های دیگر را برده و بیچاره نمی‌پسندد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷) و همچنین «برای اینکه یک طبقه مرفه باشد، طبقات دیگر را غارت نمی‌نماید و برای اینکه مردم یک کشور، تنعم بیشتر و تجمل زیاده‌تر و عیاشی و شهوت‌رانی بیشتر نمایند، مردم کشورهای دیگر را عقب‌مانده نمی‌خواهد و از ترقی علم و صنعت و برخورداری آنها از مواهب و نعمت‌های خدا جلوگیری نمی‌کند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷) و «برای خاطر نژادی، نژاد دیگر را از حقوق انسانی محروم نمی‌سازد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه اصل انتظار را عامل پایداری در برابر کفر و فساد در عصر غیبت معرفی کرده است؛ در همین راستا ایشان «اصل انتظار را مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت و اسلام‌خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، استعباد، جهل و شرک، بشرپرستی و فسادانگیزی پایدار نگه می‌دارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸) و همچنین ایشان عدم سازگاری اعتقاد به مهدویت با روابط استعبادی در عصر غیبت را این‌گونه بیان کرده اند که منتظر معتقد به ظهور روابط استکباری و استضعافی و استعبادی را به هر شکل و صورت که باشد، رد کرده و با آن مبارزه می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰). معظم‌له یکی دیگر از ویژگی‌های انتظار در عصر غیبت را این‌گونه معرفی کرده‌اند که «مسلمانان عموماً و شیعه اثنی‌عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی را می‌کشند که انقلاب اسلام را جهان‌گیر، حق و عدالت را پیروز، بشر را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعباد و استعمار و از وقوف و توقف نجات دهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۳).

منتظر «همیشه به سوی آینده می‌نگرد و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و

خودکامگی و استضعاف را محکوم سازد و نشستن و تسلیم‌بودن و کناره‌گیری کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و فلسفه انتظار موافقت ندارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲).

۳-۱-۴-۲. انتظار عامل مساوات و عدالت در جامعه اسلامی عصر غیبت

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام به یکی از شاخصه‌های مهم سیاسی و اجتماعی عصر غیبت که عقیده انتظار و تقابل با تبعیض هست اشاره کرده‌اند. ایشان معتقد به ظهور مجری واقعی آن (حضرت مهدی علیه السلام) را شخصیتی برشمرده است که «از نابرابری‌ها رنج می‌برد و از تبعیضات متنفر است و با واگذار کردن کارها به ناهلان که یک تبعیض بسیار خطرناک است، تا می‌تواند مبارزه می‌نماید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۰) و همچنین معظم‌له بر این باور است که «معتقد به مساوات باید آن را در ایام غیبت ایشان، در هر سطحی که ممکن است اجرا کند؛ در خانواده، کوی و محله، شهر و مملکت، مطب دکتر، دکان نانوايي و گوشت‌فروشی، مسجد و اداره، خرید و فروش، محل کار و پیشه، همه‌جا و همه‌جا حتی در سلام و تواضع، مساوات اسلامی و ترک تبعیض را باید اجرا نماید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰).

ایشان شخص منتظر در عصر غیبت را عدالت‌خواه و دارای ویژگی مساوات‌خواهی معرفی کرده است. در همین راستا معظم‌له می‌فرماید: «معتقد به ظهور، برقراری عدالت را خواستار می‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰) و همچنین «طبع این عقیده [مهدویت] اقتضا دارد که معتقدین به ظهور امام علیه السلام مراعات مساوات اسلامی را در بین خود و دیگران بنمایند و معتقد به این ظهور، مساوات‌خواه باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۰).

۳-۱-۴-۳. انتظار عامل مسئولیت‌پذیری و تعهد سیاسی

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام بیان داشته‌اند که عقیده مهدویت با واگذاری امور به ناهلان در عصر غیبت سازگاری ندارد. در همین راستا ایشان «معتقد به ظهور

مساوات اسلام و ظهور مجری واقعی آن (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه) ... با واگذار کردن کارها به نااهلان که یک تبعیض بسیار خطرناک است تا می‌تواند مبارزه می‌نماید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰). به همین منظور معظم‌له عقیده انتظار را مساوی با حرکت و نه سکون در عصر غیبت می‌دانند و این گونه بیان می‌کنند که «این انتظار لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴) و مسلمان همیشه به سوی آینده می‌نگرد و وظیفه دارد که ظلم، فساد، تجاوز، جهل، خودکامگی و استضعاف را محکوم سازد و نشستن، تسلیم‌بودن و کناره‌گیری کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و فلسفه انتظار موافقت ندارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲) و همچنین عقیده انتظار را عامل تعهد و مسئولیت‌پذیری در عصر غیبت بر شمرده‌اند با این بیان که «این انتظار شخص را متعهد و مسئول می‌سازد که برای تحقق هدف‌های اسلام و عملی شدن برنامه‌های دین» تلاش کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۴).

از دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی عجل الله تعالی فرجه ضروری است که منتظران در عصر غیبت به احکام دین و تلاش برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمان التزام داشته باشند؛ به این معنا که «باید مؤمن در این دوره [غیبت] در التزام به احکام دین و تلاش برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمان و دفع نفوذ و سلطه فرهنگی و سیاسی بیگانگان ثبات قدم داشته باشد و با تمام اوضاع و احوال منفی و غیر مساعد در حال مبارزه و جهاد باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱) و «کسانی هم که به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ایمان دارند، خصوصاً اگر روایات و احادیثی را که از طرق شیعه روایت شده خوانده باشند، باید در اطاعت اوامر خدا و انجام تکالیف شرعی از دیگران کوشاتر و غیرت و همت و اهتمام آنها در حفظ نوامیس شرع و حمایت از قرآن و احکام و دفاع از حریم اسلام و مجد و عظمت مسلمان بیشتر باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳).

نکته دیگری که ایشان نسبت به ویژگی تعهد و مسئولیت‌پذیری منتظران در عصر

غیبت بیان می‌کنند، بحث تداوم و استمرار تکالیف و وظایف سیاسی و اجتماعی در جامعه است؛ بدین بیان که «ایمان به ظهور مهدی علیه السلام نیز مانند قیام ساعت و اقتراب قیامت سبب ضعف و شکست روحیه و سستی در انجام تکالیف نیست. هیچ کس نگفته چون مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، تکالیف ساقط و مسلمانان در برابر کفار و حملات آنها تکلیفی ندارند. هیچ کس نگفته آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۰) و آیات راجع به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و دفاع از اسلام و وظایف اجتماعی و سیاسی را نباید اجرا کرد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱)؛ لذا «معتقد به این ظهور و عدالت اجتماعی اسلامی، اگر مسئول و متصدی کاری باشد، خود را خدمتگزار مردم و برای مردم می‌داند و اگر از افراد عادی است، با مسئولان امور، سلوک خود را عادی و منزله از تملق و فروتنی‌های بی‌مورد می‌سازد و از آنان توقع تبعیض و مسامحه در انجام وظیفه نمی‌کند؛ بلکه در برقراری عدالت اجتماعی با آنان همکاری می‌نماید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۱). اینجاست که اعتقاد به مهدویت با ترک امور سیاسی و اجتماعی جامعه در عصر غیبت سازگاری ندارد؛ چون «ایمان به ظهور مهدی با واگذاری امور به آینده و گوشه‌گیری و انزوا و امروز و فردا کردن و قبول تسلط کفار و اشرار و خودداری از ترقی صنایع و علمی و ترک اصلاحات اجتماعی سازگار نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۴۹)؛ بنابراین در جامعه منتظر با عقیده به مهدویت در عصر غیبت، یأس و ناامیدی جایگاهی ندارد؛ چراکه «مهدویت نقش موجود اسلام را در عمل حفظ کرده و از اینکه بر مسلمانان یأس و ناامیدی مسلط شود، جلوگیری می‌کند و ضامن بقای نقش عملی اسلام است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۰۲).

۳-۱-۴-۴. لزوم آمادگی همه‌جانبه در عصر غیبت برای ظهور

آیت‌الله صافی گلپایگانی، یکسان‌سازی جامعه عصر غیبت با جامعه جهانی عصر ظهور را ضروری و لازم دانسته‌اند؛ چراکه «اسلام یکی شدن جامعه و جهانی شدن آن است و اکنون اگرچه اسلام گسترش نیافته است، باید جامعه اسلامی موجود، نمونه آن جامعه جهانی [موعود] باشد. سراسر جهان اسلام کنونی هم باید یک شکل حکومت،

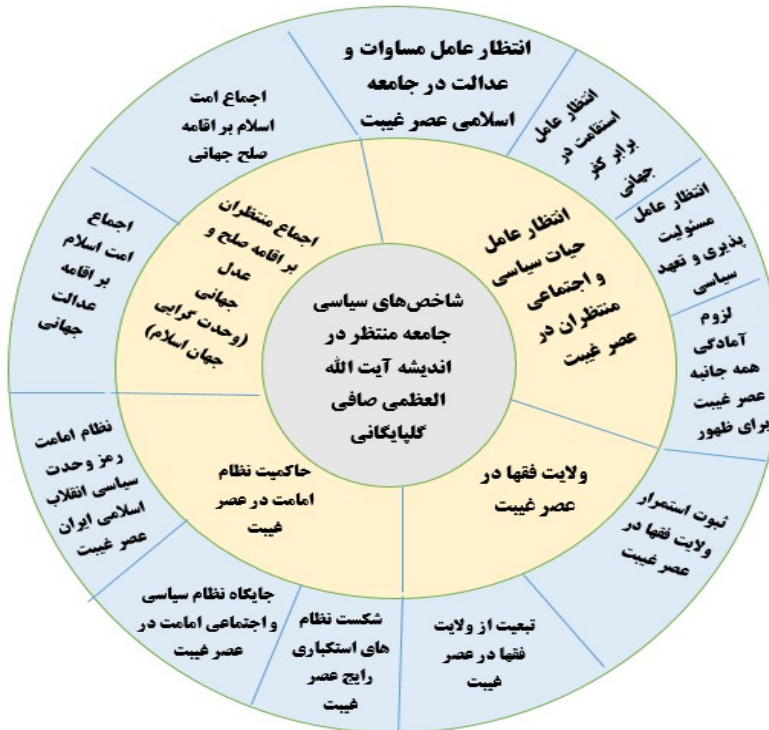
یک شعار و یک روز عید، یک تاریخ و یک قانون داشته باشند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۹). در همین راستا وظیفه منتظران التزام مؤمنین به احکام دین و تلاش برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمین می باشد؛ به این بیان که «باید مؤمن در این دوره [غیبت] در التزام به احکام دین و تلاش برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمین و دفع نفوذ و سلطه فرهنگی و سیاسی بیگانگان ثبات قدم داشته باشد و با تمام اوضاع و احوال منفی و غیر مساعد در حال مبارزه و جهاد باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۲۱)؛ بنابراین «وظایف مسلمین به طور عموم نیز همکاری با یکدیگر در اعتلای کلمه اسلام و دفاع از کیان اسلام و مسلمین و امر به معروف و نهی از منکر و دفع بدع و ظلم ظالمان و ستمکاران و خلاصه اهتمام در آنچه موجب عزت و ظهور شوکت مسلمین و خود کفایی و بی نیازی از بیگانگان و دفع استکبار و استیلای کفار و مخصوصاً حفظ هویت و شخصیت و استقلال اسلامی در همه موارد می باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۶).

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه دوران غیبت را عصر آمادگی جهت انجام مأموریت های مهم برشمرده اند؛ «حضرت، ولی امر و رهبر نظام امامت بوده، مورد مشورت در موضوعات دیگر می باشد که یا به منظور گرم کردن نفوس و جذب قلوب است و اینکه توهم استبداد به رأی از نظامی که در آن استبداد نیست دفع شود و یا برای تربیت و تقویت رشد سیاسی دیگران است، برای آماده شدن آنها جهت مداخله در امور و انجام مأموریت های مهمی که به آنها ارجاع می شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۰) که یکی از موارد آن، آمادگی فکری جامعه برای ظهور حضرت در جهات علمی، فکری، سیاسی و اجتماعی در عصر غیبت می باشد؛ ایشان این مهم را با این بیان نقل کرده اند که «از مقدمات و شرایط ظهور آن حضرت این است که باید سطح اندیشه و طرز تفکر مردم، آمادگی برای ظهور و قبول حکومت واحد و جهانی اسلام را داشته باشد و این ویژگی در اثر سیر عادی جامعه در جهات علمی و فکری و سیاسی و اجتماعی حاصل می گردد و این نحو غیبت و ظهور (غیبت در عین ظهورهای پراکنده) مانع از حصول این اهداف و موجب غیر عادی شدن وضع رشد و ترقی افراد و جوامع خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۹۷).

نکته دیگری که ایشان در این بخش به آن اشاره کرده‌اند بحث تربیت نیروهای توانمند در عرصه‌های علمی و سیاسی و فرهنگی به‌عنوان ایجاد زمینه حاکمیت دیدگاه‌های اصیل اسلامی در عصر غیبت بوده است؛ به این بیان که «پیشوایان معصوم شیعه بر حسب روایات و به واسطه علم امامت که از آن برخوردار بودند، می‌دانستند اعتقاد و ایمان به اهل بیت علیهم‌السلام را در دل‌های مردم باید گسترش داد تا از طریق ارتقای آگاهی آنها و تربیت نیروهای توانمند در عرصه‌های علمی و سیاسی و فرهنگی زمامداران غاصب را از معارضه با آنها بازدارند؛ به این ترتیب زمینه حاکمیت دیدگاه‌های اصیل اسلامی را فراهم سازند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۴۳).

در نتیجه یافته‌های تحلیل مضمونی پژوهش شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت در قالب ۷۱ مضمون پایه و ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده، تحت ۴ مضمون فراگیر برگرفته از بیانات معظم‌له در مدل‌واره ذیل قابل ارائه است:

مدل‌واره شبکه مضامین شاخصه‌های سیاسی



نتیجه

آموزه مهدویت در عصر غیبت دارای شاخصه‌های متعددی است که یکی از آنها شاخصه‌های سیاسی در راستای استقرار عدالت، صلح، مواسات و ولایت‌مداری می‌باشد که جامعه اسلامی در صدد گسترده نمودن ابعاد آن، همواره دارای چالش‌هایی بوده و تلاش‌های مضاعفی را برای تثبیت آنها به کار بسته است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت تبیین آیت‌الله صافی گلپایگانی از شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت بر اساس ویژگی‌های این دوران است.

مدل ارائه شده مبتنی بر مضامین پایه و فراگیر است. در این مدل، روابط بین مضامین فراگیر مشخص شده است. مدل مرتبط با شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در عصر غیبت با تأکید بر بیانات آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌باشد. شاخص‌های سیاسی عصر غیبت مولود شرایط و زمینه‌های متفاوتی است. در واقع این مدل انتظار پویا با شرایط استقرار حکومت دینی در عصر غیبت و شرایط مورد انتظار عصر ظهور ارتباط مستقیم دارد و در صورت رعایت این شبکه مضامین به دست آمده از بیانات ایشان در عصر غیبت، منجر به حرکت به سمت پویایی و زمینه‌سازی عصر ظهور می‌شوند. این مدل بر شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر تمرکز دارد. چهار دسته مضمون فراگیر عبارت‌اند از: ۱. اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی؛ ۲. حاکمیت نظام امامت در عصر غیبت؛ ۳. ولایت فقها در عصر غیبت؛ ۴. انتظار عامل حیات سیاسی و اجتماعی منتظران در عصر غیبت. اجماع منتظران بر اقامه صلح و عدل جهانی به اجماع امت اسلام بر اقامه عدالت جهانی و شکست نظام‌های استکباری رایج عصر غیبت توجه دارد؛ شاخصه حاکمیت نظام امامت در عصر غیبت به دو شاخص «نظام امامت رمز وحدت سیاسی انقلاب اسلامی ایران عصر غیبت» و «جایگاه نظام سیاسی و اجتماعی امامت در عصر غیبت» تقسیم شده است؛ شاخص بنیادین ولایت فقها در عصر غیبت به ثبوت استمرار ولایت فقها در عصر غیبت و تبعیت از ولایت فقها در عصر غیبت تأکید دارد؛ شاخص چهارم به دست آمده مرتبط با حیات سیاسی و اجتماعی منتظران در عصر

غیبت بوده که بیانگر چهار شاخص مهم سیاسی می‌باشد: ۱. انتظار عامل استقامت در برابر کفر جهانی؛ ۲. انتظار عامل مساوات و عدالت در جامعه اسلامی عصر غیبت؛ ۳. انتظار عامل مسئولیت‌پذیری و تعهد سیاسی؛ ۴. لزوم آمادگی همه‌جانبه عصر غیبت برای ظهور.

کتابنامه

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. آقا بخشی، علی. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران، نشر بهرنک.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه (ج ۲۷). انتشارات موسسه آل البيت علیهم السلام.
- لاحياء التراث.
۳. درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر و ردادی، محسن. (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۶(۱۷)، صص ۵۳-۷۲.
۴. سیاهپوش، امیر. (۱۳۹۹). شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. دوفصلنامه جامعه مهدوی، ۱(۱)، صص ۵۶-۸۲.
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۷۶). ضرورت حکوت یا ولایت فقها در عصر غیبت. مجله حکومت اسلامی، شماره ۴.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۷۹). معارف دین (ج ۲). قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۷. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۵). جامع الاحکام (ج ۱، چاپ چهارم). قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۶). نوید امن و امان (چاپ بیستم). قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۷). گفتمان مهدویت. قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۱). سلسله مباحث امامت و مهدویت (ج ۱، ۲، ۳، ۴، چاپ پنجم). قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.

۱۱. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. مجله اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۲. غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۸۶). احیاء علوم الدین (مترجم: مویدالدین خوارزمی). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

1. Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faqih, M. H., & Sheikh Zadeh, M. (1390 AP). A simple and useful method to explain the patterns in qualitative data. *Journal of Strategic Management Thought* 5(10), pp. 151-198. [In Persian]
2. Agha Bakshi, A. (1366 AP). *Dictionary of Political science*, Tehran: Behrang Publications. [In Persian]
3. Derakhshe, J., Eftekhari, A., & Redadi, M. (1394 AP). Thematic analysis of trust in the thought of Ayatollah Khamenei. *Journal of Contemporary Political Studies*, 6(17), pp. 53-72. [In Persian]
4. Ghazali, M. (1386 AP). *Ihya Ulum al-Din*, (M, Kharazmi, Trans.). Publisher of Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
5. Hor Ameli, M. (1412 AP) *Wasa'il al-Shia* (Vol. 27). Alulbayt Institute Publications. [In Arabic]
6. Safi Golpayegani, L. (1376 AP). The necessity of government or the authority of jurists in the age of occultation. *Journal of Islamic Government Magazine*, (Vol. 2). [In Persian]
7. Safi Golpayegani, L. (1379 AP). *Education of Religion* (Vol. 2). Qom: Ayatollah Safi Golpayegani Works Publications Office. [In Persian]
8. Safi Golpayegani, L. (1385 AP). *Jame al-Ahkam* (Vol. 1, 4th ed.), Ayatollah Safi Golpayegani Works Publications Office. [In Persian]
9. Safi Golpayegani, L. (1386 AP) *Navid Amn and Aman*. Qom: Ayatollah Safi Golpayegani Works Publications Office, (20th ed.). [In Persian]
10. Safi Golpayegani, L. (1387 AP). *Mahdaviat discourse*. Qom: Ayatollah Safi Golpayegani Works Publications Office. [In Persian]
11. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism* (Vols. 1, 2, 3, 4, 5th ed.). Qom: Ayatollah Safi Golpayegani Works Publications Office. [In Persian]

12. Siahpoosh, A. (1399 AP). The political characteristics of the waiting society in the thought of Ayatollah Khamenei. *Journal of Mahdavi Society*, 1(1), pp. 56-82. [In Persian]



Research Article

The Systematic Jurisprudence Approach in the Waiting Society Based on the Thoughts of Ayatollah Safi Golpayegani

Najaf Ali Gholami¹

Received: 16/05/2023

Accepted: 20/09/2023

Abstract

Ayatollah Safi Golpayegani was a skillful Mahdiism scholar and a great jurist who played an important role in the formation of the Islamic Republic's constitution. In addition, his ten-year presence as the secretary of the Guardian Council of Iran makes it necessary to explore the approach of systematic jurisprudence in the waiting society from his perspective. Therefore, in the first step, the present article, via a descriptive-analytical method, refers to the nature of the waiting society from the point of view of this high-ranking jurist. He defines the waiting as life-giving and the waiting society as dynamic and flourishing. Ayatollah Safi clearly confirms the realization of systematic jurisprudence in the waiting society and believes that the foundation of this system can be established and its branches can be signed. He considers faith in the school of thought and courage in expressing it, a critical look at Western civilization and attention to Fiqh al-Maqasidi as important prerequisites for a systematic approach to jurisprudence in the Age of Occultation. Ayatollah Safi considers systematization in the waiting society in the form of a structure that is based on divine governance, the system of Imamate and leadership, and the divine legitimacy of power in the Age of Occultation. He strongly disagrees with destructive waiting during the occultation, emphasizes that Islam is political in its nature, identity, and character, and includes a coherent and structured system of governance.

Keywords

Mahdiism, Ayatollah Safi Golpayegani, the waiting society, Systematic jurisprudence.

1. Assistant Professor, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran. n.gholami@khu.ac.ir.

* Gholam Ali, N. A. (1402 AP). The Systematic Jurisprudence Approach in the Waiting Society Based on the Thoughts of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 72-101. Doi: 10.22081/JM.2023.66488.1073

مقاله علمی - ترویجی

رویکرد فقه نظام‌واره در جامعه منتظر بر اساس اندیشه‌های

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی^{ره}!!

نجفعلی غلامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

چکیده

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی^{ره} یک مهدویت‌پژوه متبحر و یک فقیه زبردست بودند که در شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مهمی داشتند؛ همچنین حضور ده‌ساله ایشان در کسوت دبیر شورای نگهبان ضروری می‌نماید که رویکرد فقه نظام‌واره در جامعه منتظر از دیدگاه ایشان مورد کاوش قرار گیرد؛ از این رو نوشتار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی در اولین قدم به چیستی جامعه منتظر از منظر این فقیه عالی مقام اشاره دارد؛ ایشان انتظار را حیات‌بخش و جامعه منتظر را پویا و شکوفا معنا می‌کند. آیت‌الله صافی تحقق فقه نظام‌واره در جامعه منتظر را به روشنی تأیید می‌کند و معتقد است که اصل و بنیان این نظام تأسیسی و فروع آن امضایی است. ایشان ایمان به مکتب و شجاعت در بیان آن، نگاه انتقادی به تمدن غرب و توجه به فقه غایت‌مدار را از پیش‌نیازهای مهم رویکرد فقه نظام‌واره در عصر غیبت می‌دانند. آیت‌الله صافی نظام‌سازی در جامعه منتظر را در قالب یک ساختار در نظر می‌گیرد که مبتنی بر حاکمیت الهی، نظام امامت و رهبری و مشروعیت الهی قدرت در عصر غیبت است. ایشان مخالف سرسخت انتظار مخرب در دوران غیبت است و تأکید می‌کند که اسلام ماهیت، هویت و شخصیتش سیاسی است و دربرگیرنده یک نظام حاکمیتی منسجم و ساختارمند است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی^{ره}، جامعه منتظر، فقه نظام‌واره.

۱. n.gholami@khu.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

* غلامعلی، نجفعلی. (۱۴۰۲). رویکرد فقه نظام‌واره در جامعه منتظر بر اساس اندیشه‌های آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی^{ره}. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۷۲-۱۰۱.



مقدمه

انقلاب اسلامی فقه شیعه را وارد مرحله جدید و نوینی کرد. تحقق حکومت اسلامی بر اساس نظریه ولایت فقیه در فقه سیاسی شیعه توسط امام خمینی علیه السلام، نظر همه کارشناسان و خبرگان فن را به خود جلب کرد. اهمیت انقلاب اسلامی از آنجا دو چندان می شود که این حادثه بزرگ در عصر غیبت امام زمان علیه السلام و در جامعه منتظر واقع شده است و در میان اندیشمندان شیعه نسبت به اقامه حکومت در عصر غیبت اختلاف نظر و عقیده وجود دارد. پدیده آورنده انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام بسیار اعتقاد داشت که وجود حکومت اسلامی ضروری است و تفاوتی بین عصر ظهور معصوم و عصر غیبت نیست.

بعد از تبیین و تعمیق این نظریه و تأسیس نظام جمهوری اسلامی این پرسش مطرح شد که آیا اسلام و به طور خاص فقه توان اداره جامعه را دارد؟ در این زمینه باید گفت تحقق کلان پروژه نظام اسلامی در قالب جمهوری اسلامی بهترین دلیل و گواه بر وجود توانایی نظام سازی در فقه شیعی است.

یکی از مباحثی که در دهه سوم و چهارم جمهوری اسلامی مطرح شده است مبحث «رویکرد فقه نظام‌واره» می باشد. به طور قطع جمهوری اسلامی برای تداوم و بقای خود نیازمند ارائه یک برنامه نظام‌مند و سیستمی خواهد بود و تلاش‌ها در این مسیر آغاز شده است. موضوع اصلی این مقاله رویکرد فقه نظام‌واره در جامعه منتظر از دیدگاه آیت‌الله صافی است. با توجه به اینکه ایشان یک مهدویت‌پژوه متبحر و یک فقیه زبردست بودند و در شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش مهمی داشتند و همچنین حضور ده‌ساله ایشان در کسوت دبیر شورای نگهبان، بسیار نیکو و پسندیده است که موضوع مهم فقه نظام‌واره در اندیشه‌های ایشان تبیین و بررسی شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. نظام

با مراجعه به کتاب‌های لغت مشخص می‌شود که نظام از ریشه نظم گرفته شده است و به

انضمام و همراه کردن چند چیز با یکدیگر نظام گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸). اما در اصطلاح نظام یعنی عناصری دارای کنش و واکنش و مجموعه هدف‌ها با روابط میان هدف‌ها، به گونه‌ای که به طور متداخل عمل کنند و به صورت یک سیستم نگریسته شود.

۲-۱. فقه نظام‌واره

اصطلاح فقه نظام‌واره یک اصطلاح نوپدید و بدیع و جدید است که سابقه و پیشینه آن از چندین دهه بیشتر تجاوز نمی‌کند. به نظر می‌رسد که در تبیین مفاهیم ما نباید دچار یک نگاه حد و رسمی باشیم که اگر این گونه باشد، به طور قطع از معنا و مفهوم اصلی دور خواهیم شد؛ چه اینکه در اصل ارائه یک تعریف حد و رسمی که جامع افراد و مانع اغیار باشد، تحققش بسیار سخت و دشوار خواهد بود و بیشتر تعاریفی که در تبیین مفاهیم ارائه می‌شود یک تعریف شرح الاسمی است، نه یک تعریف تام و تمام؛ بنابراین در تعریف واژه «فقه نظام» نیز نباید در وادی تعریف حد و رسمی وارد شویم.

فقه نظام در تعریف شرح الاسمی و آنچه متبادر به ذهن است به معنای یک فقه برنامه‌ریزی شده و حساب‌گرانه است که مدعی است یک برنامه مدون و منظم بر پایه اصول و مبانی اصیل فقهی برای مدیریت کلان و خرد جامعه در ابعاد مختلف دارد. می‌توان گفت نسبت بین فقه نظام‌واره و فقه حکومتی عموم و خصوص من وجه است؛ چرا که می‌شود هم فقه، فقه نظام‌وار باشد و در عین حال فقه حکومتی و ممکن است فقه، فقه نظام‌وار باشد اما فقه حکومتی نباشد و امکان دارد که فقه، فقه حکومتی باشد و فقه نظام‌وار نباشد.

علوم مضاف از سبک‌های جدید علمی محسوب می‌شود که فقه نظام‌وار نیز در مجموعه علوم مضاف قابل طرح و بررسی است و از دو واژه «فقه» و «نظام‌وار» ایجاد شده است. حیطة و وظیفه علم فقه تبیین و ترسیم افعال مکلفین است و هنگامی که فقه نگاه نظام‌مند به مسائل جامعه داشته باشد و مدیریت جامعه را نیز یکی از مصادیق افعال مکلفین لحاظ کند، فقه نظام شکل می‌گیرد. البته ممکن است این مدیریت در

قالب حکومت اسلامی محقق شود که تعامل بین فقه نظام‌وار و فقه حکومتی است و ممکن است مدیریت جامعه بدون وجود حکومت اسلامی محقق شود و فقه نظام‌وار و بدون حکومت اداره جامعه را بر عهده گیرد و تدبیر و مدیریت را جامعه مومنان عینیت بخشند. اگرچه مصداق اتم و اکمل فقه نظام در قالب فقه حکومتی محقق خواهد شد؛ بنابراین تعریف فقه نظام‌وار به اقسام مسائل مختلف جامعه مانند فقه نظام سیاسی، فقه نظام فرهنگی، فقه نظام اقتصادی، فقه نظام بهداشت و سلامت و ... تقسیم می‌شود.

۲. چیستی جامعه منتظر در بیان آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

عصر غیبت را می‌توان عصر تلاش، امید و نگاه به آینده نامید. به طور قطع فقدان ظاهری امام معصوم علیه‌السلام و حجت خدا در جامعه خسارتی قابل توجه است؛ اما خسارت‌بارتر از آن تلقی نادرست و غلط از مفهوم انتظار و وظایف افراد در این عصر و ویژگی‌های جامعه منتظر است که باعث می‌شود جامعه در مسیر ناامیدی و یأس حرکت کند.

برخی انتظار را به معنای خمودی و انزوا معنا می‌کنند و معتقدند که فقط باید برای تعجیل در ظهور دعا کرد و حتی برخی می‌گویند هر پرچم و حکومتی قبل از حکومت مهدوی غاصب و غیر مشروع است (سروش، ۱۳۷۸، صص ۸۳-۱۱۲).

باید گفت یکی از مسائل مهم در این بحث، مفهوم‌شناسی دقیق و درست واژه «جامعه منتظر» است و لذا علمای بزرگ شیعه در طول تاریخ متوجه این خطر و سوء برداشت از مفهوم انتظار و جامعه منتظر بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال مرحوم کلینی در کافی شریف کتاب الحجة ابوابی را با عنوان‌های «باب کراهیه التوقیت» و «باب التمهیص و الامتحان» قرار داده که در حقیقت یک نوع آسیب‌شناسی و دقت نظر در مفهوم انتظار و جامعه منتظر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، صص ۳۶۸-۳۷۰). همچنین در کتاب غیبت نعمانی، مؤلف باب دهم کتاب را با این عنوان آورده است: «ما روی فی غیبة الإمام المنتظر الثانی عشر» و در این باب به آسیب‌های احتمالی دوره انتظار و عصر غیبت پرداخته است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰). کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق هم ابواب اصلی آن به

بررسی غیبت‌های پیغمبران پیشین و غیبت‌ها و انتظاراتی که در طول تاریخ پیشگویی شده‌اند می‌پردازد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۲۰۰). این کتاب از اساس در جهت پاسخ به آسیب‌ها و سوء برداشت‌های احتمالی درباره غیبت و جامعه منتظر نوشته شده است (صدوق، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۲۰۰) و علامه مجلسی نیز ابوابی را با عنوان «ذکر المذمومین الذین ادعوا الباییه و السفاره کذباً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۳۶۷) و «عله الغیبه و کیفیه انتفاع الناس به فی غیبه صلوات الله علیه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۹۰) آورده است.

با مراجعه به منابع اصیل اسلامی در می‌یابیم که انتظار یک کنش و نه واکنش و یک عمل و نه عکس‌العمل است و وظیفه همگان است که شرایط حداکثری را برای ظهور فراهم کنند و در مسیر تحقق مقدمات ظهور از هیچ کوششی دریغ نورزند. آیت‌الله صافی گلپایگانی به‌عنوان یک مهدویت‌پژوه متبحر و صاحب رأی به شدت با رویکرد خمودی و انزوا به مفهوم انتظار مخالف است و انتظار را به‌عنوان یک مفهوم سازنده تحلیل می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «این انتظار امیدبخش، نیروبخش، حیات و نشاط و جهاد است. خمودی، خاموشی و افسردگی و ضعف و کم‌کاری و بیچارگی و سستی نیست» (صافی، بی‌تا، ص ۵۰).

انتظار در لغت از ماده «نظر» گرفته شده است که به معنای نگاه همراه با دقت و تأمل است و وقتی در مصدر باب افتعال به کار می‌رود به معنای آن است که آدمی نظر و دیدن را اختیار کرده و در این صورت توقع امری را دارد و به اصطلاح فارسی چشم‌به‌راه حادثه‌ای می‌ماند (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۱۶۸). بی‌شک کسی که منتظر یک واقعه مهم و یک حادثه عظیم است نمی‌تواند منفعل یک جا بنشیند، بلکه عقل حکم می‌کند که خود را به تکاپو اندازد تا آمادگی لازم برای درک آن حادثه بزرگ را در خود ایجاد کند و بنابراین انفعال در جامعه منتظر یک مذموم عقلی است.

ایشان بر عمل‌گرایی در عصر انتظار تأکید ویژه دارند و بر رویکرد سکوت و انزواطلبی در جامعه منتظر خط بطلان می‌کشند و می‌فرمایند: «عصر غیبت عصر امتحان، عصر عمل، عصر ثبات و استقامت و عصر پاسداری از احکام نورانی قرآن و هدایت اسلام است» (صافی، بی‌تا، ص ۱۵) و در عبارتی دیگر راضی نبودن به وضع موجود و

گام برداشتن به سوی وضع مطلوب را از خصوصیات منتظران می دانند (سخنرانی در جمع طلاب و فضلاء مشهد، نیمه شعبان ۱۴۳۳ق).

دیگر اندیشمندان مانند استاد مطهری تحلیل بالا را تصدیق می کنند و می گوید: «اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است. مردم مؤمن به عنایات الهی هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی شوند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵).

با مراجعه به روایات در می یابیم که در بحث انتظار ما با دو گونه انتظار مواجه هستیم: انتظار سازنده و انتظار مخرب و روایات اهل بیت علیهم السلام انتظار سازنده را تأیید و تشویق کرده اند. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ انتظار فرج، خود از بزرگ ترین گشایش هاست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۱۲)؛ یعنی منتظر با فعالیت های مثبت و سازنده فضای بهتری برای پیرامون خود فراهم می کند که می تواند مقدمه ظهور هم باشد. نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «لِیَعْدَنَ احَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا؛ باید هر کدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا کنید، اگر چه با تهیه یک تیر باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۶۶). همچنین در روایات در حالات یاران واقعی حضرت ولی عصر علیه السلام آمده است: «لا یکفون سیفوهم حتی یرضی الله عزوجل؛ آنان شمشیرهای خود را زمین نهند تا خدا از آنها راضی شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۸۰).

به طور کلی در جامعه منتظر دو مسئله مورد نظر قرار می گیرد: ۱. زمینه های تحقق ظهور؛ ۲. علائم و نشانه های ظهور. تفاوت این دو بدین گونه است که زمینه ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند، به گونه ای که با فراهم شدن آنها ظهور امام اتفاق خواهد افتاد؛ اما علائم و نشانه ها در وقوع ظهور نقشی ندارند، بلکه تنها نشانه هایی هستند که به وسیله آنها می توان به نزدیک بودن یا نبودن ظهور گمانه زنی کرد.

یکی از آسیب های مهم در جامعه منتظر خلط میان این دو مقوله است، یعنی امت منتظر دچار برداشت غلط می شوند و به جای فراهم کردن شرایط و زمینه های ظهور، به دنبال پی گیری علائم ظهور می باشند که تنها جنبه اعلام و کاشفیت دارند (میرتبار، ۱۳۹۰،

ص ۴۰) بنابراین آنچه دارای اهمیت و مورد توجه است تحقق زمینه‌های ظهور توسط منتظران است که در منابع دینی هم بر چنین انتظاری تأکید شده است. در اینجا به این گفتگو نیز باید پرداخت که جغرافیای جامعه منتظر از منظر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه کجاست و آیا حد و مرزی برای آن قائل است یا خیر؟ با مراجعه به آثار وی مشخص می‌شود که ایشان اصولاً یک نگاه بسته و محدود جغرافیایی به جامعه منتظر ندارد و همان‌طور که حکومت موعود، حکومت فراگیر و جهانی است، جامعه منتظر هم یک جامعه فراگیر و جهانی است و جامعه مؤمنان و حکومت اسلامی در صورت تحقق در عصر انتظار نسبت به کل جامعه منتظر جهانی مکلف و وظیفه‌مند است. البته این بحث مفروغ‌عنه می‌باشد که تکلیف دایرمدار قدرت مکلف برای اتیان مکلف به است و اگر نمی‌تواند بر کل جامعه منتظر جهانی تأثیرگذار باشد، باید در حد توان خود انجام وظیفه کند که «من لا یدرک کله، لا یترک کله».

۳. امکان‌سنجی فقه نظام‌وار در جامعه منتظر از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

با رجوع به منابع دینی اعم از آیات قرآن و روایات در می‌یابیم که اسلام نه یک دین متعلق به یک جغرافیا و زمان خاص، بلکه یک دین جهان‌شمول و فراگیر است و این توان را دارد که پاسخگوی تمامی نیازهای بشر باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند» (صف، ۹). همچنین گفتمان مهدویت و وعده تحقق حکومت موعود که جهانی و عالم‌گیر خواهد بود نیز تأییدکننده این ادعا است.

پرسش اساسی و بنیادین اینجاست که چنین دینی با این اهداف بلند و فراگیر آیا می‌تواند خالی از نظام‌سازی باشد؟ آیا فقه چنین دینی نباید به ضرورت فقه نظام‌ساز باشد؟ آیا می‌توان گفت نظام‌سازی در تاروپود دین اسلام در هم تنیده است؟ آیا اصولاً می‌توان گفت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ابتدای رسالت خود در مسیر نظام‌سازی بوده است؟ آیا

تمامی کنش و واکنش‌های حضرت حاکی از نگاه نظام‌ساز ایشان است؟

اگرچه پاسخ تفصیلی به پرسش‌های پیش گفته فرصت بسیار می‌طلبد و اصولاً از رسالت اصلی این مقاله خارج است، اما به طور مختصر می‌توان گفت تلاش پیامبر ﷺ برای کسب و تولید قدرت سیاسی و تأسیس نظام اسلامی جزء مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های پیامبر اسلام بوده و شواهد متعددی بر اثبات این امر دلالت دارد. تأکید بر جانشینی امام علی علیه السلام در واقعه انذار اقربا (شعرا، ۲۱۴) توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گرفتن تعهد توسط پیامبر صلی الله علیه و آله از سران اوس و خزرج در پیمان عقبه اول و دوم بر حمایت و کمک آنان در ایجاد یک نظام منسجم در یثرب و اصولاً فلسفه اصلی هجرت که ایجاد یک نظام مدون و مشخص بود، بهترین دلیل این مطلب است که در اسلام بحث نظام‌سازی اصولاً جزء مسائل اصلی آن است. البته نظام‌سازی و تحقق قدرت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر پایه‌های الهی است و شاهد محکم و مستحکم بر الهی‌بودن نیت پیامبر صلی الله علیه و آله در مسیر کسب قدرت سیاسی و نظام‌سازی الهی پاسخی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت ابوطالب علیه السلام عموی بزرگوار خویش داد؛ هنگامی که بزرگان قریش به ابوطالب گفتند به برادرزاده‌ات بگو اگر دست از ادعای رسالت بردارد، هر نوعی قدرت و ثروتی که می‌خواهد به او می‌دهیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عمو جان به خدا سوگند اگر خورشید را در کف راستم و ماه را در کف چپم قرار دهند که از تبلیغ آیین خود دست بردارم، هرگز دست برنخواهم داشت تا یا خداوند این دین را یاری کند و یا در راه آن جان دهم» (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۸۷۱).

این پاسخ شنیدنی و دیدنی از پیامبر صلی الله علیه و آله حاکی از این است که قدرت بدون هدف مقدس در چشم او بسیار حقیر و کوچک بود؛ بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین تغییر رویکردی که پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه ایجاد کرد، تغییر نگاه به قدرت و نظام‌سازی بود. او نشان داد قدرت‌طلب‌بودن و به دنبال ایجاد یک نظام سیاسی بودن می‌تواند یکی از بهترین کارهایی باشد که یک انسان الهی می‌تواند انجام دهد.

باید توجه داشت که منشأ مشروعیت قدرت پیامبر صلی الله علیه و آله و مشروع‌بودن نظام‌سازی ایشان بدین جهت است که از یک منبع مقدس واگذار شده و از یک مسیر اخلاقی و

انسانی تولید شده است که قرآن این قدرت مقدس را «ولایت» می‌نامد: «انما ولیکم الله ورسوله» (مائده، ۵۵) و قدرتی که از منبع نامقدس و از یک مسیر غیر اخلاقی و غیر انسانی تولید بشود را «طاغوت» نام‌گذاری می‌کند: «ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» (نحل، ۳۶). در اسلام منشأ همه قدرت‌ها قدرت الهی است؛ چه از نوع ولایت باشد و چه از نوع طاغوت که قرآن می‌فرماید: «ان القوه لله جميعا» (بقره، ۱۶۵) و «و لا قوة الا بالله» (کهف، ۳۹). با این تفاوت که ولایت، قدرت مقدس و پاک است و طاغوت، قدرت نامقدس و ناپاک. به عبارت دیگر مقوله قدرت در قرآن طولی است و نه عرضی؛ به این معنا که همه قدرت‌ها در طول قدرت خداست و از خود اصلتی ندارد و قدرت به پاک و ناپاک تقسیم می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که بن‌مایه قدرت پیامبر ﷺ از دو عنصر ولایت و اطاعت تشکیل شده است: «انما ولیکم الله ورسوله» (مائده، ۵۵) و «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول؛ ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و رسول خدا اطاعت کنید» (نساء، ۵۹) که هر دوی اینها متصف و پهلو به پهلو ولایت و اطاعت الهی است و از مجموع این عناصر یک نظام تکامل یافته توسط پیامبر اسلام ﷺ ایجاد شد.

بنابراین باید گفت رویکرد نظام‌سازی سابقه و پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام دارد. البته باید توجه داشت که هر امری را به حسب زمان و مکان آن باید تحلیل و بررسی کرد و بنابراین وقتی می‌گوییم نظام‌سازی در عصر پیامبر اسلام ﷺ، با توجه به مقتضیات و شرایط آن دوره می‌گوییم.

تاریخ اسلام نیز گواه این مطلب است که هرگاه جریان تشیع و فقه شیعه امکان عملیاتی داشته، در مسیر نظام‌سازی حرکت کرده است. البته با توجه داشت که نظام‌سازی یک مسیر تکاملی و در طول دوره‌های مختلف به مسیر رشد و تکامل خود ادامه داده است.

با دقت نظر و تحقیق در مجموعه آثار آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه به این جمع‌بندی می‌رسیم که ایشان از جمله اندیشمندانی است اگرچه معتقد به نظام‌سازی در عصر انتظار نمی‌باشد و فقه نظام را به معنای مصطلح و جدید آن قبول نمی‌کند، اما به

طور قطع از جمله فقیهانی است که رویکرد فقه نظام‌واره در عصر غیبت و جامعه منتظر را قبول دارد. ایشان می‌فرماید: «جامعه منتظر، جامعه اسلام، اسلام نظام، اسلام اندیشه و اسلام هویت است. جامعه منتظر تمدنش اسلامی و برگرفته از هدایت‌های وحیانی و قرآنی است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۶۴).

با توجه به اینکه نظام‌سازی عبارت است از طراحی و ایجاد مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها، سازوکارها، روندها، ساختارها و نهادها که حرکت بر مبنای اصول برای تحقق آرمان‌ها را سازماندهی و در نهایت تضمین می‌کند (عینی‌زاده و مؤدب، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵)، می‌توان آیت‌الله صافی را با توجه به سوابق ایشان، معتقد به چنین رویکرد نظام‌واره‌ای دانست.

نکته قابل توجه بیان بالا، اشاره و نگاه تمدنی به عصر غیبت در جامعه منتظر از طرف ایشان است که این خود حاکی از نگاه بلند و عمیق به مقوله انتظار می‌باشد و حال اگر ما تحقق تمدن اسلامی در عصر غیبت را در قالب یک پروژه معنا کنیم، به طور قطع این امر بدون یک رویکرد نظام‌واره و کار تشکیلاتی و مدون امکان‌پذیر نخواهد بود و اگر تحقق تمدن اسلامی را در قالب یک فرایند تحلیل کنیم، به خودی‌خود در سیر طبیعی خود شکل خواهد گرفت، اگرچه فقه نظام‌واره هم محقق نگردد و می‌توان گفت رویکرد آیت‌الله صافی در این مبحث بیشتر متمایل به پروسه‌بودن تحقق تمدن اسلامی است تا پروژه‌بودن.

ایشان هدف‌گذاری نظام در جامعه منتظر را مشخص می‌کنند و در این زمینه بیانی بدین شرح دارند: «جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست باشد. صداوسیما و روزنامه‌ها، مجلات، مجالس و همایش‌ها و نمایش‌ها باید در مسیر انتظار باشد. خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۶۴).

با توجه به بیان فوق از آیت‌الله صافی و یکی از تفاسیری که از نظام‌سازی فقهی مطرح است و آن را به‌مثابه کشف، ساخت و پرداخت نظام‌ها، چارچوب‌ها و ساختارهای منظم و منسجم تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره مبتنی بر قوانین استنباط‌شده الهی در علم فقه برای تنظیم و سامان‌بخشی ابعاد گوناگون زندگی انسان و

جامعه انسانی و جهت‌دهی به بشر در راستای تقرب به خداوند و دست‌یابی به خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی می‌داند (ملک‌زاده، ۱۳۹۵، ج ۲۵، ص ۱۲)، می‌توان آیت‌الله صافی را که خود جزء اصلی مهم‌ترین رکن نظام‌سازی جمهوری اسلامی یعنی خبرگان قانون اساسی و حضور هشت‌ساله در حساس‌ترین نهاد قانون‌گذرای نظام جمهوری اسلامی یعنی شورای نگهبان قانون اساسی بوده است را جزء فقهای معتقد به نظام‌سازی فقهی با تحلیل نظام‌واره‌ای قرار داد.

ایشان در یک تحلیل عمیق و دقیق رویکرد تقابلی سیاسی اهل سنت با تفکر شیعه در طول تاریخ اسلام را ناشی از تفکر نظام‌سازی شیعه برای مدیریت جامعه می‌داند و می‌نویسند: «جریان شیعه صرفاً خواهان در دست داشتن مدیریت جامعه بود و اگر اهل سنت در دیدگاه شیعه این جنبه را نمی‌دیدند با آن معارضه نمی‌کردند و در برابر آن فرقه‌ای به نام اهل سنت راه نمی‌انداختند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ «ب»، ص ۲۲).

در واقع می‌توان گفت به لحاظ تاریخی منشأ پیدایش دو جریان بزرگ فکری در جهان اسلام در قالب شیعه و سنی، نوع نگاه آنان به مقوله قدرت سیاسی بوده است که اصولاً اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان مکتب آنها مشروعیت قدرت و به تبع آن نظام‌سازی سیاسی را تفویض از طرف خدا می‌دانستند و در مقابل این نوع تفکر، اندیشه‌ای به مقابله می‌پردازد که قدرت و تأسیس نظام سیاسی را امر زمینی و واگذار شده به مردم می‌داند و همین باعث شکل‌گیری این دو جریان مهم در جهان اسلام شده است.

۴. کمیت و کیفیت فقه نظام‌واره

پرسش مهم و اساسی این است که آیا وظیفه فقیه ارائه ساختار نظام فقهی است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت با توجه به ماهیت و هویت فقه، آنچه مورد رضایت شارع مقدس است ارائه نظام‌واره فقه می‌باشد. وقتی با مراجعه به مبانی شریعت در می‌یابیم که اسلام حتی قبل از تولد انسان، برای او برنامه و دستورالعمل ارائه داد و این ارائه برنامه تا بعد از مرگ انسان هم ادامه دارد، خود حاکی از یک فقه ساختارمند و نظام‌وار است و لذا فقیه در مسیر فقاهت باید به این مهم توجه خاص و ویژه داشته باشد.

و در ادامه آن پرسش این سؤال مطرح است که ماهیت فقه نظام‌واره آیا تأسیسی است یا امضایی؟ آنچه وجود دارد احکام است و نظام را باید از عرف و بنای عقلا اخذ کرد. نظام اسلامی ضمن اینکه دارای ذاتیاتی ثابت و شامل و فراگیر است و باید آنها را کشف کرد، دارای عرضیاتی نیز هست که متغیرند و چه بسا می‌توانند از مدل‌ها و الگویی‌های بشری و عقلایی اقتباس شوند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲).

۱-۴. احکام تأسیسی و امضایی

آیت‌الله صافی در این مسئله معتقد است که زیربنای فقه نظام‌واره تأسیسی است و روبنا امضایی؛ به عبارت دیگر اصول، ارکان و مبانی نظام به طور کامل مشخص و واضح است و توسط شارع مقدس تأسیس شده و هرگونه دخل و تصرف در آن غیر مجاز و غیر شرعی است و مصداق اجتهاد در مقابل نص خواهد بود. ایشان در این زمینه می‌گویند: «قبول نظامات غیر شرعی یک نوع پرستش و عبادت غیر و مشرکانه و خلاف عقیده توحید است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۲۲). اما روبنای فقه نظام‌واره امضایی است و می‌توان تجربه‌های بشری در نظام‌سازی را با ارکان و مبانی تطبیق داد و در صورت عدم مخالفت آن را پذیرفت و اجرا کرد. ایشان تأکید می‌کنند: «تفکر شیعی یک تفکر منطقی است که زمینه و امکان پیاده‌شدن را در متن تعلیمات خود داشته است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، «ب»، ص ۴۵).

بنابر مطالب بیان‌شده از طرف آیت‌الله صافی می‌توان گفت طراحی یک نظام از جمله یک نظام فقهی از طریق دقت نظر و فهم عمیق و دقیق در منابع شریعت و آرا و دیدگاه‌های فقهی فقها صورت می‌پذیرد و با توجه به خطابات شارع مقدس و مسائل فرعی فقهی می‌توان به مبانی و مفاهیم مورد نیاز ورود و آنها را محقق کرد و در این مسیر با اتخاذ راهبرد کشف و پیدایش از سرفصل‌ها به مبانی حرکت کرد؛ به عبارت دیگر از سرشاخه‌ها به ریشه‌ها حرکت کرد؛ برای مثال نفی تبعیض و تحقق عدالت و مبارزه علیه شکل‌گیری طبقات اقتصادی به روشنی در احکام فقهی تصریح نشده است، بلکه از میان مباحث فقهی و فتاوی استنباط‌شده فقیهان می‌توان این

اصل مهم و حیاتی را کشف و بازسازی کرد و همین‌طور موارد دیگر. به تعبیر استاد مطهری از خصوصیات اسلام این است که امور متغیر را به امور ثابت متصل کرده است؛ یعنی هر حاجت متغیری وابسته به یک حاجت ثابت است؛ فقط مجتهد و متفقه می‌خواهد که این ارتباط را کشف کند و این همان قوه محرکه اسلام است (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ بنابراین نظام‌وار بودن فقه در اندیشه آیت‌الله صافی بدین شکل بود که تقریر شد.

۵. پیش‌نیازهای رویکرد فقه نظام‌واره در عصر غیبت در اندیشه آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه
 از آنجایی که فقه شیعه در طول حیات و سیر تاریخی خود بنا بر دلایلی که در جای خود روشن شد، از صحنه سیاسی و تأسیس حکومت به دور بوده، به طور قطع فقه حکمرانی مکتب شیعه شاهد رشد و بالندگی قابل انتظار نبوده است و با توجه به اینکه مراجعه مکلفین در حوزه احکام فردی تبلور بیشتری داشته، ما شاهد یک فقه قوی، متقن و مستحکم در مباحث فردی هستیم و به همین اندازه شاهد ضعف نظری در فقه حکومتی و حکمرانی می‌باشیم. به قطع و بدون شک تشکیل حکومت اسلامی بر پایه نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی رحمته‌الله علیه در ایران را می‌توان یک رستاخیز خیره‌کننده نسبت به فقه حکومتی و نظام حکمرانی مکتب شیعه دانست و اوج بالندگی مباحث حاکمیتی در فقه شیعه را با تمام وجود لمس و احساس کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که رویکرد فقه نظام‌وار در فقه شیعه رهاورد انقلاب اسلامی است که باعث جنب‌وجوش فقها در این زمینه شد و چهارچوب بحث نظام‌سازی توسط این گروه از فقیهان تبیین و ترسیم شد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه نیز با توجه به حضورش در ارکان حاکمیتی جمهوری اسلامی (خبرگان قانون اساسی و شورای نگهبان) ملاحظات قابل توجهی در مبادی و مبانی فقه نظام‌وار دارند که در قالب پیش‌نیازهای این رویکرد مطرح می‌کنیم. لازم به ذکر است که موارد پیش‌رو جزء اصلی فقه نظام‌واره نمی‌باشد؛ اما اگر فقیهی بخواهد رویکرد فقه نظام‌واره داشته باشد باید مجهز به این مقدمات شود.

۵-۱. ایمان به مکتب و شجاعت در بیان آن

واضح است در دورانی که ما در آن قرار داریم با یک جنگ تخریبی رسانه‌ای علیه اسلام و به ویژه مکتب شیعه مواجه هستیم و هدف اصلی و نهایی این جنگ، ایجاد یک اشتباه محاسباتی در میان توده‌های مردم به طور عموم و در میان نخبگان به خصوص می‌باشد. القای عقب‌مانده‌بودن و ناکارآمدن‌بودن تعالیم اسلامی یکی از موضوعاتی است که دشمن در صدد تحمیل آن بر جامعه فکری است که اسلام توان مدیریت و حکمرانی ندارد و باید به سمت جامعه سکولار و لائیک حرکت کرد؛ بنابراین در بحث رویکرد فقه نظام‌وار باید به این مهم توجه کرد که اشتباه محاسباتی رخ ندهد و مسیر به‌نوعی ترسیم و تنظیم شود که یک ایمان راسخ و قاطع در پرتو تعالیم اسلامی محقق شود و همچنین شجاعت لازم برای بیان آن مورد ملاحظه و مد نظر قرار گیرد. آیت‌الله صافی هوشمندانه به این مسئله می‌پردازد و تأکید می‌کند: «کسی که می‌خواهد مکتبی را عرضه کند لازم است اول ایمان داشته باشد به مکتب و دوم شجاعت در عرضه مکتب. یکی از اسرار موفقیت‌های مسلمانان در صدر اسلام این بود که مکتب خودشان را به دنیا عرضه کردند و تحت تأثیر مکتب‌های دیگر قرار نگرفتند» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۶۱).

ایشان در جایگاه خبرگان قانون اساسی که شاکله اصلی نظام اسلامی را تدوین کرده است و مصداق بارز نظام‌سازی است می‌گویند: «وظیفه ماست که معیارهای اسلام را در همه جای این قانون و همه اصولش منعکس سازیم و حتی لفظ اسلام را در کجا مناسب یا در معرض توهم یا سوءاستفاده در آینده بود قید کنیم و به اصطلاحات اسلامی صریحاً اعتماد کنیم و باک نداشته باشیم» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۰۷).

این صراحت کلام از ایشان در این مسئله به خوبی حاکی از اعتقاد راسخ و عمیق ایشان به اسلام و قوانین موضوعه در اسلام است که تأکید می‌کنند بدون هیچ ابایی باید قانون اساسی نظام، یک قانون کاملاً اسلامی و الهی باشد.

۵-۲. نگاه انتقادی به تمدن غرب

کینه‌ورزی و دشمنی تمدن غرب نسبت به تمدن اسلامی و به ویژه اسلام سیاسی از نوع تشیع آن، امری مسلم و غیر قابل انکار است و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهور اسلامی در ایران با توجه به اینکه منافع نظام سلطه تمدنی غرب از بین رفت و به خطر جدی افتاد، این تقابل گفتمانی و هجمه همه‌جانبه بیشتر و بیشتر شد.

امروز نظام سیاسی برآمده از تمدن غرب که همان لیبرال دموکراسی است، خود را رقیب نظام سیاسی اسلامی می‌داند و با کمال تأسف در این رقابت تعهدی به رعایت موازین اخلاقی و انسانی ندارد و از هر شیوه و روشی برای به‌حاشیه‌راندن نظام سیاسی اسلام استفاده می‌کند. بر همین اساس و به طور قطع در بحث رویکرد فقه نظام‌واره در فقه شیعه باید به این مسئله مهم توجه لازم شود و ارکان، مبادی، مبانی و مسائل نظام اسلامی با این رهیافت بررسی و پایه‌گذاری شود.

آیت‌الله صافی در مقام یک فقیه نواندیش در مکتب سیاسی قم، مسئله تقابل و دشمنی تمدن غرب و اسلام را با کلمات روشنی تبیین می‌کند: «غرب و شرق ترجیح می‌دهند رقیب هم باشند، اما رقیب اسلام نباشند. همان‌طور که کندی در کتابی که درباره چین و مقایسه‌ای که با کشورهای اسلامی کرده می‌گوید: «اگر در یک منطقه کوچکی هم اسلام احیا شود ما در مقابل آن منطقه نمی‌توانیم پایداری کنیم، درحالی که اگر چین کمونیست باشد می‌توان با آن سازش کرد و مقاصد خود را انجام دهیم» (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، صص ۵۰۶-۵۰۷).

ایشان خطر ورود مفاهیم تمدن غرب به قانون اساسی به‌عنوان اساس‌نامه نظام اسلامی را جدی می‌داند و تأکید می‌کند: «یک الفاظی را در این قانون وارد کردیم که این الفاظ در غرب یک مفاهیم خاصی دارد که با مفاهیمی که در مکتب ما است مخالف است» (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۶۲).

آیت‌الله صافی در بحث توانمندی اسلام در نظام‌سازی و عدم نیاز به مبانی غربی به وقوع انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «انقلاب ایران نشان داد که برای انقلاب

علیه استعمار، توسل به مکتب‌های دیگر و استمداد از آنها نه فقط لازم نیست، بلکه مضر و زیان‌بخش است و هدف‌های ملی و اسلامی را تأمین نخواهد کرد» (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۰۵). از این بیان سوءظن آیت‌الله صافی به تمدن غربی کاملاً آشکار و هویدا است و نشان‌دهنده نگاه منفی ایشان به جوهره و ماهیت تفکری و اندیشه‌ای تمدن غرب است، اگرچه مقوله پیشرفت‌های علمی از این بحث جدا می‌باشد.

۵-۳. نقد دموکراسی غربی، یک مصداق از رویکرد انتقادی به تمدن غرب

همان‌طور که در مطالب پیش گفته بیان شد مبنای مشروعیت قدرت در نظام سیاسی اسلام چه در عصر حضور و چه در دوران غیبت معصوم، بر پایه نصب الهی است و رأی مردم نقشی در مشروعیت‌سازی قدرت و نظام سیاسی ندارد و این مسئله به طو دقیق مقابل نظر دموکراسی غربی در بحث مشروعیت قدرت است.

آیت‌الله صافی یکی از منتقدین جدی دموکراسی است و آن را غیر قابل قبول می‌داند: «نظام دموکراسی و انتخابی به آن معنای مطلق که در غرب دارد و به قوه مقننه، قضائیه و مجریه تقسیم می‌شود و هیچ شرطی ندارد، از نظر اسلام قابل قبول نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۴۱). ایشان برای اثبات مدعی فوق استدلال می‌آورد و معایب دموکراسی را بدین شرح بیان می‌کند: ۱. چون بر مبنای اصالت رأی خود انسان و عدم تعهد دینی و عدم اعتماد به رهنمودهای الهی است، پشتوانه وجدانی و عقیدتی ندارد؛ ۲. رأی اکثریت خواه حزبی یا غیر حزبی، همیشه موافق مصلحت نیست؛ ۳. تقلب و تزویر و تبلیغ و اغفال انتخاب‌کنندگان در آن رایج است که ماجرای واترگیت یکی از نمونه‌های بارز آن است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، صص ۴۳-۴۷).

حال پرسش اساسی این است که آیا اصولاً امکان جمع بین اسلام و دموکراسی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: دموکراسی از یک منظر یک روش و مدل حکمرانی است که از این جایگاه فقط یک روش است و نه چیز دیگر که در این صورت می‌تواند مورد بحث اسلام واقع شود. اما از منظر دیگر دموکراسی یک ارزش محسوب می‌شود و

در بردارنده مبانی‌ای مانند لیبرالیسم، اومانیزم و ... است که در این صورت اصولاً جمع بین این ارزش و اسلام شدنی و عملی نیست.

اگر نظریه تحلیل گفتمان لا کلا و موف که بر خلاف سوسور، رابطه دال و مدلول ثابت نیست و هر جریانی با اتکا به آموزه‌ها و مکتب خود به نظریه پردازی درباره مفاهیم می‌پردازد را در نظر بگیریم، پس توقع معانی متعدد و متفاوت برای مفاهیم سیاسی و اجتماعی از جمله دموکراسی بیراهه نیست (خرمشاد و سرپرست سادات، ۱۳۹۳). بنابراین تحلیل، برداشت اسلام از دموکراسی مفهوم «مردم‌سالاری دینی» است که از لحاظ ماهیت و هویت متفاوت از دموکراسی است.

مردم‌سالاری دینی الگویی است که تلاش می‌کند امتیازات هر دو پایه حقوق الهی و مردمی را در خود جمع کند. از برتری فضیلت‌های انسانی و هدایت‌محوری و تدین که مربوط به حاکمیت الهی است تا انتخاب مردمی، قانون‌محوری و جلب رضایت جامعه که مربوط به حاکمیت مردمی است و از تجمیع این دو با هم آرمان‌خواهی، تکلیف‌گرایی، به کارگیری عنصر امر به معروف و نهی از منکر جهت نقد و نظارت بر قدرت در همه سطوح و پایه‌های قدرت، رعایت ملاکات انسانی در تولید قدرت، شایسته‌سالاری در توزیع قدرت، رقابت سیاسی با روش مسابقه در خیرات، تعمیق عنصر معنویت در سیاست‌ورزی و روش حکمرانی، حفظ کرامت انسانی و تجلی آزادی همراه با مسئولیت‌پذیری برابر خداوند متعال محقق خواهد شد.

۶. ساختار رویکرد فقه نظام‌واره در اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

ساختار در لغت به معنای چگونگی ساختمان یک چیز و همچنین به اجزا و بخش‌های یک جسم گفته می‌شود (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۷۸۵). این اصطلاح تا قبل از قرن هفدهم فقط در معماری کاربرد داشت، اما بعدها این واژه توسط هربرت اسپنسر از زیست‌شناسی وام گرفته شد و در علوم انسانی به کار رفت (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵).

ساختار نظام سیاسی دارای یکسری ارکان و عناصر است و کارایی این ارکان و اجزا مشروط به محقق کردن تعادل ساختاری است و شرط تحقق تعادل ساختاری این است

که این عناصر و اجزا در مسیر درست و در جای مناسب خود قرار بگیرد؛ بنابراین نظام سیاسی اسلام نیز مبتنی بر یک ساختار مشخص و منظم است که دارای اجزا و عناصر ثابتی می‌باشد. ارکان اساسی رویکرد فقه نظام‌واره بر مبنای فقه شیعه در اندیشه آیت‌الله صافی عبارت است از:

۱-۶. حاکمیت الهی در اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

آیت‌الله صافی نظام‌سازی را در چهارچوب حاکمیت الهی ترسیم و تنقیح می‌کند و اساس و پایه نظام سیاسی را توحید می‌داند. ایشان یکی از ویژگی‌های مهم حکومت موعود مهدوی را حاکمیت الهی می‌داند و در این زمینه می‌گوید: «بر حسب قرآن و کتب عهد قدیم، دنیا در آخرالزمان تحت حکومت واحده قرار می‌گیرد و اسلام شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. قانون، قانون خدا می‌شود و حاکمیت مخصوص خداوند متعال می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۴۰).

بر اساس همین تحلیل و تفسیر از ماهیت و هویت حکومت مهدوی، آیت‌الله صافی در بحث فقه نظام‌وار در دوره غیبت، مهم‌ترین فاکتور این نظام را هویت توحیدی می‌داند و می‌گوید: «قبول نظامات غیر شرعی یک نوع پرستش و عبادت غیر و مشرکانه است و خلاف عقیده توحید می‌باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۱۲).

تفاوت نظامی که مبتنی بر حاکمیت الهی است با نظام طاغوتی در روش جعل قوانین و نوع نگاه به مقوله قانون‌گذاری است. آیت‌الله صافی تأکید می‌کند در نظامی که حاکمیت الهی اصل و اساس و پایه است جعل قانون نیز از همین هویت پیروی می‌کند: «شکی نیست که جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملات، ملی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری، اجتماعی و احوال شخصی و تعلیم و تربیت و امور دیگر فقط اختصاص به حضرت حق دارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۱۱).

ایشان انگیزه افراد در فقه نظام‌وار را نیز متأثر از این نگاه توحیدی می‌داند و در این زمینه می‌فرماید: «در نظام اسلامی اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود هیچ انگیزه‌ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن بر نمی‌انگیخت» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). با

این نگاه به قبول مسئولیت کلان در نظام اسلامی بی‌شک زیرمجموعه این نظام نیز باید متأثر از نگاه توحیدی و الهی باشد که آیت‌الله صافی به این مهم اشاره می‌کند: «در این نظام در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اهل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است و با وجود اصلح، الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطا نمی‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

حال این پرسش مطرح است که قانون‌گذاری در حاکمیت الهی چگونه است؟ به عبارت دیگر مسئله اصلی و اساسی در بحث حاکمیت، حق قانون‌گذاری است که اصولاً این پرسش مطرح می‌شود که چه کسی حق قانون‌گذاری را دارد؟ بر اساس حاکمیت الهی این شأن منحصر در ذات اقدس باری تعالی است و احدی غیر از وجود خداوند متعال نمی‌تواند برای انسان به طور استقلالی قانون وضع کند.

قرآن به روشنی به این موضوع پرداخته است: «ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون؛ کسانی که بر اساس مفاد نازل شده از سوی خدا حکم نمی‌کنند پس همانا آنان از کافران هستند» (مائده، ۴۴). همچنین در آیات بسیاری هدایت تشریحی که همان وضع قانون است بیان شده است: «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا؛ ما کسی را عذاب نمی‌کنیم مگر اینکه برای او فرستاده‌ای بفرستیم» (اعراف، ۲۹).

بی‌شک وضع قانون اصلی به طور مستقل توسط بشر برای سایر انسان‌ها می‌تواند دارای ضعف‌ها و آسیب‌های جدی باشد. اغراض شخصی، امیال و وابستگی‌ها و پیوستگی‌ها از جمله آسیب‌های مهم وضع قانون به طور مستقل توسط بشر است. ژان ژاک روسو در این زمینه می‌گوید: «برای کشف بهترین قوانین که به درد ملل بخورد، یک عقل کل لازم است که تمام شهوات انسانی را ببیند، ولی خود هیچ احساسی نکند، با طبیعت هیچ رابطه‌ای نداشته باشد ولی کاملاً آن را بشناسد، سعادت او مربوط به ما نباشد، ولی حاضر باشد به سعادت ما کمک کند» (روسو، ۱۳۹۳، ص ۸۱).

بنا بر بیان این اندیشمند شهیر غربی می‌توان استدلال کرد این شرایطی که برای قانون‌گذار بیان شده، منحصر در وجود خدا است. امام خمینی علیه السلام نیز به صراحت هر چه تمام‌تر بر حاکمیت الهی صحه می‌گذارد و می‌گوید: «حکومت اسلام، حکومت قانون

است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به قانون است. حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت تام دارد» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴).

۶-۲. امامت و رهبری

از آنجایی که آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه بر اساس آیات قرآن و احادیث معتبر و متواتر مهم‌ترین رکن رکن نظام سیاسی، چه در عصر حضور معصوم و چه در عصر غیبت را حاکمیت الهی دانست، بنابراین نظام و حکومتی که باید در زمین مستقر شود به طور قطع باید از جانب خداوند باشد. تبلور این مسئله در «نظام امامت و رهبری» است. امام و امامت بر حسب لغت مشتق از «أم» به معنای هر چیزی است که چیزهای دیگر به آن ضمیمه و نسبت داده می‌شوند و یا از او پیدا می‌شود و یا الهام می‌گیرند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۸).

حال پرسش اساسی این است که بین نظام سیاسی در عصر غیبت با نظام امامت چه نسبتی برقرار است؟ بر اساس اندیشه سیاسی آیت الله صافی نظامی در عصر غیبت مشروعیت دارد که مبتنی بر نظام امامت باشد و این نظام دائمی و ابدی است: «نظام امامت و حکومت شرعی اسلام از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تا حال باقی، مستمر و برقرار است و در هیچ عصر و زمان و در هیچ نقطه و مکان منقطع نشده و نخواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۱۲).

ایشان مقایسه نظام امامت با سایر نظام‌ها را قیاس مع الفارق می‌داند و تأکید می‌کند: «نظام اسلام که همان نظام امامت و حکومت شرعی است، نه حکومت از پایین به بالاست و نه فرمانروایی از بالا به پایین، بلکه نظام خداست که همه در آن مجری احکام خدایند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۳۲). ایشان در بیانی دیگر نظام امامت را این‌گونه توصیف می‌کند: «نظام امامت برای انتقال قدرت و مقدمه انتقال به رژیم دیگر نیست، نظام امامت اول و آخر و همیشه جاودان است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۵۲). آیت الله صافی به‌عنوان یک مهدویت‌پژوه متخصص، یک نگاه خاص و ویژه به بحث

نظام‌سازی در عصر انتظار دارند و مقوم اصلی نظام‌سازی در عصر غیبت را نظام امامت می‌دانند. او می‌نویسد: «در عصر غیبت، نظام امامت نظامی است که حد و مرز ندارد و در هر کجا و هر نقطه از جهان، تحت هر رژیم و حکومت که یک مسلمان باشد، باید از این نظام تبعیت داشته باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۰۱).

بنابراین در جمع‌بندی این قسمت باید گفت بنا بر اندیشه‌های آیت‌الله صافی نظام سیاسی در عصر غیبت باید نظامی مبتنی بر نظریه امامت باشد و این نظام در حقیقت امتداد امامت در عصر غیبت و جامعه منتظر خواهد بود.

۳-۶. مشروعیت سیاسی و مردم

پرسش مهم این است که آیا مردم در مشروعیت‌سازی نظام اسلامی نیز دخیل هستند یا خیر؟ به طور طبیعی این یک بحث پدیده و مختلف‌فیه است و با توجه به اینکه موضوع این پژوهش تبیین اندیشه‌های آیت‌الله صافی در بحث نظام‌سازی است، بنابراین ما به بررسی نظرات ایشان می‌پردازیم.

ایشان همان‌طور که گفته شده نظام سیاسی را نظام امامت می‌دانند، چه در عصر حضور معصوم و چه در دوران غیبت و مشروعیت این نظام را هم منوط به جعل خداوند می‌دانند: «اصلاً امتیاز شعیه همین است که امامت را تعیین و نصب خداوند متعال می‌داند و می‌گوید باید نصب از ناحیه خداوند باشد» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

ایشان اصولاً جعل حاکم و حکومت را از افعال خداوند تلقی می‌کند و در این زمینه بیان متقن و شنیدنی دارد: «جعل امام، فعل خداست و اگر بنا باشد که جعل آن از جانب غیر خدا هم صحیح باشد، شرکت با خدا در فعل او حاصل می‌شود و منافی با توحید افعالی است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۶۱) و بر اساس این استدلال این چنین نتیجه می‌گیرد: «تمام ولایت‌ها از طرف خداوند متعال است و در عصر ائمه علیهم‌السلام نیز همین‌طور بوده است. بسیاری از افراد مثل علی بن یقظین و دیگران در دستگاه حکومت بودند، اما زیر نظر ائمه علیهم‌السلام کار می‌کردند» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

ایشان عدم تفاوت بین عصر حضور و عصر غیبت را به روشنی بیان می‌کند و در این

زمینه می‌فرماید: «در عصر غیبت نظام امامت ائمه علیهم‌السلام جاری است و این نظام تاکنون ادامه داشته و هنوز هم ادامه دارد تا اینکه حضرت ولی عصر علیه‌السلام با ظهور خود حکومت را دست بگیرند» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

ایشان قبل از اینکه وارد بحث مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت شود، بحث ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت را مطرح می‌کند و در تبیین ادله این بحث می‌گوید: «دینی که جامع تمام احکام و جهات اخروی و دنیوی است و حتی مکروهات و مستحبات خیلی جزئی را هم بیان کرده، نمی‌تواند در چنین امر مهمی (حکومت) برنامه نداده باشد» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

پیرامون نظر فقه شیعه در مورد کیفیت و چگونگی نوع حکومت در عصر غیبت می‌توان گفت اجماع فقیهان بر جایگاه برجسته «فقیه جامع‌الشرایط» در این زمینه تأکید کرده، اگرچه در حدود و ثغور بحث، اختیارات فقیه در عصر غیبت و ... اختلافاتی وجود دارد. آیت‌الله صافی از جمله فقهایی است که نظام مشروع در عصر غیبت را نظام ولایت فقیه می‌داند و تأکید می‌کند که مشروعیت این ولایت در عصر غیبت الهی و تفویض شده از طرف خداوند در قالب استمرار نظام امام در عصر غیبت است (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، صص ۱۴-۱۵).

ایشان در این زمینه می‌فرماید: «ما معتقدیم حاکم شرع و مجتهد جامع‌الشرایط این ولایت را دارد و اگر بسط ید داشت، واجب است مشغول شود و ولایتش در جای خود محفوظ است، هرچند مردم قبول نداشته باشند؛ درست مانند ولایت جد و پدر که قابل نصب و نفی نیست» (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۵). از این بیان مشخص می‌شود که ایشان جزء فقیهانی است که قائل به نظریه انتصاب در ولایت فقیه است و نظریه انتخاب را قبول ندارد.

آیت‌الله صافی یک نگاه حداکثری به ولایت فقیه دارد و در بحث نظام‌سازی تأکید می‌کند که مشروعیت ارکان نظام اسلامی در عصر غیبت وابسته و پیوسته به ولایت فقیه است. ایشان در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به این مطلب تصریح و تأکید دارد: «نقش رهبر در تعیین رئیس جمهور چه نقشی است؟ و اگر رهبر

در اینجا نقشی نداشته باشد اصلاً این نظام شرعی نیست. اگر بخواهیم نظام، نظام شرعی باشد باید در نصب، نقش فقیه معلوم بشود و فقیه باید اینجا پیاده و شروع شود و اگر نصب نباشد هر مطلب دیگری را برای فقیه در نظر بگیریم نمی‌توانیم به این نظام، نظام شرعی اطلاق کنیم» (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۶۱).

جالب است بدانیم پیشنهاد شرط تنفیذ رئیس‌جمهور منتخب توسط رهبر از طرف آیت‌الله صافی در خبرگان قانون اساسی مطرح شد و این پیشنهاد به‌عنوان قانون تصویب شد.

ایشان دخل و تصرف فقیهان در دروان مختلف را از باب اعمال ولایت می‌دانند و به برخی نمونه‌های تاریخی اشاره می‌کنند: «حضرت امام خطاب به بازرگان می‌گوید من به‌عنوان حق شرعی شما را معین می‌کنم، یا میرزای شیرازی و یا سید محمد مجاهد در جنگ با روس‌ها حضور داشتند یا حاجی محمدباقر شفتی حجت‌الاسلام در اصفهان اقامه حدود می‌کردند، تمام اینها از باب حکومت فقها است» (قاضی زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

پرسشی که پیش می‌آید این است که جایگاه و نقش مردم در نظام ولایت فقیه که مشروعیتش الهی است کجا قرار دارد؟ بی‌شک جایگاه مردم در نظام اسلامی یک جایگاه رفیع، تأثیرگذار و واقعی می‌باشد و در بحث نظام‌سازی در عصر غیبت بدون در نظر گرفتن این عنصر مهم و حیاتی اصولاً بحث از تشکیل نظام و نظام‌سازی ابتر و بیهوده خواهد بود؛ چراکه اگر حضور و حمایت مردم وجود نداشته باشد، در صحنه عملی و خارج از نظریه‌پردازی و تئوری‌سازی اصولاً اتفاقی نخواهد افتاد و واقعیتی به نام نظام اسلامی از اساس متولد نخواهد شد.

کما اینکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر ... لالقیتم حبلها الی غاربها؛ اگر نبود آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور، هر آینه مهار شتر خلافت را بر گردنش می‌انداختم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). این بیان حضرت اشاره به این مهم دارد که نقش مردم در تحقق نظام سیاسی نقشی بی‌بدیل و بی‌جانشین است.

آیت‌الله صافی نیز به این مطلب توجه دارد و در این زمینه معتقد است: «اسلام

خودش یک نظام مستقل است، نه حکومت مردم بر مردم است. نه اینکه مردم در حکومت وارد نیستند و نمی‌توانند دخالت کنند. در اسلام حکومت خدا بر مردم است؛ حکومت شرع بر مردم است» (مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۶۲).

نتیجه‌گیری

فقه شیعه به طور قطع یک فقه نظام‌مند و ساختارگراست و توان ایجاد سازمان را در درون خود دارد و اگرچه در طول تاریخ کمتر فرصت بروز و ظهور پیدا کرده است، اما مواقعی هم که امکان یافته نشان داده که بسیار هدفمند و نظام‌واره می‌تواند مسائل جامعه را رصد و مدیریت کند.

بسیاری از فقیهان شیعه در طول تاریخ فقاقت مکتب تشیع با توجه به زمان و مکان زیست خود به این مهم اشاره و مباحث و مسائل را مطرح کرده‌اند و هم‌اکنون این فرایند شکل‌گیری تفکر فقه نظام‌وار و سازمان‌گرا به اینجا رسیده است.

بی‌شک آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی نیز در سلک این فقیهان جا دارد و نقش به‌سزایی در تکمیل چرخه فقه نظام‌واره و تثبیت فقه ساختارگرا داشته است. او خود هم در مصدر فقاقت و هم در جایگاه حضور در سیر تدوین قانون‌گذاری اولین حکومت فقه در عصر غیبت، دارای جایگاه والا و بالایی قرار داشت و آنچه را از مکتب و مدرسه فقهی اهل بیت علیهم‌السلام فرا گرفته بود در مسیر تحقق وجود خارجی آن قرار داد.

کتابنامه

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة (مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
۲. ابن منظور. (۱۴۰۸ق). لسان العرب (محقق: یوسف خیاط، ج ۱۲). بیروت: نشر دار الجیل.
۳. توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی (چاپ دوم). تهران: انتشارت سمت.
۴. خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم. (۱۳۹۳). مسئله‌ها و الگوی‌های مردم‌سالاری دینی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳(۱۰)، صص ۱۲۵-۱۵۰.
۵. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه (ج ۲). تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. روسو، ژان ژاک. (۱۳۹۳). قرار داد اجتماعی (مترجم: مرتضی کلانتریان). تهران: نشر آگه.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ «الف»). تجلی توحید در نظام امامت (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ «ب»). نظام امامت و رهبری (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ «الف»). پیام‌های مهدوی (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ «ب»). گفتمان مهدویت (چاپ هشتم). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). به سوی دولت کریمه (چاپ دوم). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). امامت و مهدویت (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی علیه السلام.

۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق). سخنرانی در جمع طلاب و فضلاء مشهد در نیمه شعبان.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (بی تا). حدیث بیداری (مقاله‌ها و خطابه‌ها) (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی رحمته.
۱۵. صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳). اقتصاد ما (مترجم: سید ابوالقاسم حسینی ژرفا، ج ۲). قم: پژوهشگاه علمی-تخصصی شهید صدر.
۱۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری (ج ۳، مترجم: ابو القاسم پاینده، چاپ پنجم). تهران: اساطیر.
۱۷. عینی‌زاده، محمد؛ مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۶). «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای». دو فصلنامه علمی-پژوهشی قرآن و حدیث، ۱۱(۲۱)، صص ۱۵۳-۱۵۷.
۱۸. قاضی‌زاده، کاظم. (۱۳۷۸). امام خمینی و حکومت اسلامی (مصاحبه‌های علمی). قم: انتشارات حوزه علمیه قم.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (مصححان: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۵۱، ۵۲). بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی (ج ۱، ۲). (۱۳۶۴). تهران: انتشارات امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی.
۲۲. مصطفوی. (۱۴۱۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). قیام و انقلاب مهدی از نگاه فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). اسلام و نیازهای زمان (ج ۱). تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی (ج ۲، چاپ ششم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. ملکزاده، محمدحسین. (۱۳۹۵). دروس خارج اصول نظام‌سازی فقهی (ج ۲۵). وبسایت وسایل
- .vasael.ir

۲۷. میر تبار، سید محمد. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی جامعه منتظر. قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود علیه السلام.

۲۸. نعمانی، ابن ابی زینب. (۱۳۹۷). الغیبة (مصحح: علی‌اکبر غفاری). تهران: صدوق.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

1. *Details of the Negotiations of the Assembly of Constitutional Law Experts* (Vols. 1, 2). (1364 AP). Tehran: Publications of Cultural Affairs of the Islamic Council. [In Persian]
2. Einzadeh, M., Mawadat, S. R. (1396 AP) Systematization in the interpretive view of Ayatollah Khamenei, *Journal of Quran and Hadith*, 11(21), pp. 153-157. [In Persian]
3. Ghazizadeh, K. (1378 AP). *Imam Khomeini and the Islamic Government, Scientific Interviews*, Qom: Qom Islamic Seminary Publications. [In Persian]
4. Ibn Babewayh, M. (1395 AP). *Kamal al-Din va Tamam al-Na'ama*, (A. A. Ghafari, Ed.). (2nd ed.). Tehran: Islamia. [In Persian]
5. Ibn Manzoor. (1408 AH). *Lisan al-Arab*. (Vol. 12, Y, Khayat, Ed.). Beirut: Dar Al-Jail Publications. [In Arabic]
6. Khomeini, S. R. (1379 AP). *Velayat Faqih* (Vol. 2), Tehran: Imam's Works Publishing Institute. [In Persian]
7. Khorramshad, M. B., & Sarparast Sadat, S. E. (1393 AP). Issues and models of religious democracy, *Islamic Revolution Researches*, 3(10), pp. 125-150. [In Persian]
8. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, A. A. Ghafari., & M. Akhundi, Ed.). Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
9. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 51, 52), Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic]
10. Malekzadeh, M. H. (1395 AP). *Courses on Kharij Fiqh in jurisprudential systematization* (Vol. 25). From: vasael.ir. [In Persian]
11. Mir Tabar, S. M. (1390 AP). *Pathology of the waiting society*, Qom: Publications of Hazrat Mehdi Mow'oud Cultural Foundation. [In Persian]

12. Moein, M. (1363 AP). *The Persian Dictionary* (Vol. 2, 6th ed), Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
13. Motahari, M. (1376 AP). *Mahdi's uprising and revolution from the perspective of philosophy of history*, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
14. Motahari, M. (1382 AP). *Islam and the needs of time* (Vol. 1), Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
15. Mustafavi. (1416 AH). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. (Vol. 12), Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
16. Nomani, I. A. (1397 AP). *Al-Ghaibah, Tashih*, (A. A. Ghafari, Ed.). Tehran, Sadouq. [In Persian]
17. Rousseau, J. (1393 AP). *Social contract* (M, Kalantarian, Trans.). Tehran: Aghah Publications. [In Persian]
18. Sadr, S. M. B. (1393 AP). *Our economy* (Vol. 2; S. A. Hosseini Jarfa, Trans.). Qom: Shahid Sadr Scientific Research Institute. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Imamate and leadership system* (1st ed). Qom: Ayatollah Safi Publications Office. [In Persian]
20. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdaviat Discourse* (8th ed). Qom: Ayatollah Safi Publications Office. [In Persian]
21. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdavi's messages* (1st ed). Qom: Ayatollah Safi Publications Office. [In Persian]
22. Safi Golpayegani, L. (1394 AP). *Towards Karimeh Government* (2nd ed). Qom: Ayatollah Safi Publications Office. [In Persian]
23. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdavit* (Vol. 1, 1st ed), Qom: Ayatollah Safi Publications Office. [In Persian]
24. Safi Golpayegani, L. (1433 AP). *Speech in the gathering of students and scholars of Mashhad in the middle of Sha'ban*. [In Persian]
25. Safi Golpayegani, L. (5/2/1387 AP). *Statements in the meeting of a group of students in 2008*. [In Persian]
26. Safi Golpayegani, L. (n.d.). *Awakening Hadith (articles and speeches)* (1st ed). Qom: Publishing Office of Ayatollah Safi's works. [In Persian]

27. Tabari, M. (1375 AP) *Tarikh Tabari* (Vol. 3, 5th ed), (A, Payandeh, Trans.).
Tehran, Asatir. [In Persian]
28. Tavasoli, Q. A. (1370 AP). *Sociological theories* (2nd ed). Tehran: Samt
Publications. [In Persian]



Research Article

Ayatollah Safi Golpayegani's Perspective on the Doctrine of Intizar Faraj

Mohammad Taghi Shaker¹

Received: 20/08/2023

Accepted: 08/10/2023

Abstract

The waiting for (reappearance of Imam Mahdi) is a revelatory doctrine with a narrative origin. The issue of the waiting is an inseparable part of the issue of Mahdiyyism and one of the main keywords for understanding the religion and the fundamental, general, and social movement towards the lofty goals of Shia. Intizar Faraj (The waiting for reappearance of Imam Mahdi), like a polygonal prism with many angles, is considered the most important factor of mobility and dynamism and hope for a bright future of the world. It can also be the healer of individual and social pains of humans today. However, the important issue is the perspectives about the waiting. What is the purpose of the waiting in the epistemological system of the Imamiyah, is the main topic of the present article, which is tried to be analyzed with the analytical method. The waiting as the basis of stagnation, backwardness and escaping from responsibility and submission to extravagance and oppression or the scholarly waiting, associated with hope, belief in God and monotheism, seeking justice, fighting against corruption and oppression, sacrifice, effort and struggle. From Ayatollah Safi's point of view, the concept of waiting for the dynamic intizar faraj is manifested in two views, which in its special meaning is completely related to the theme of reappearance.

Keywords

Intizar Faraj, Hope, Ayatollah Safi, Resistance, Dynamism.

1. Graduate from Islamic Seminary of Qom and faculty member of Imam Sadegh Research Institute. mt.shaker14@gmail.com.

* Shaker, M. T. (1402 AP). Ayatollah Safi Golpayegani's Perspective on the Doctrine of Intizar Faraj *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 103-130. Doi: 10.22081/JM.2023.67187.1077



مقاله علمی - ترویجی

خوانش آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله از آموزه انتظار فرج

محمدتقی شاکر^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹



چکیده

انتظار آموزه‌ای وحیانی با خاستگاه روایی است. مسئله انتظار جزء جدانشدنی مسئله مهدویت و یکی از کلیدواژه‌های اصلی فهم مذهب و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی به سمت اهداف والای تشیع است. انتظار فرج همچون منشوری چندضلعی که دارای زاویه‌های متعددی است، مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی و امید به آینده روشن جهان به شمار می‌رود؛ همان‌گونه که می‌تواند درمانگر دردهای فردی و اجتماعی بشر امروز باشد. اما مسئله مهم خوانش از انتظار است. اینکه هدف از طرح انتظار در دستگاه معرفتی امامیه کدام‌گونه از آن است، هسته اصلی نگاشته پیش رو را شکل می‌دهد که تلاش می‌شود با روش تحلیلی پاسخ آن واکاوی شود؛ انتظار زمینه‌ساز رکود، عقب‌ماندگی و فرار از مسئولیت و تسلیم در برابر زیاده‌خواهی و ستم و یا انتظار عالمانه، قرین با امید، خدااباوری و توحیدمحوری، عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد و ظلم، ایثار، تلاش و مجاهدت. از نگاه آیت‌الله صافی رحمته‌الله مقوله انتظار فرج پویا در دو خوانش جلوه‌گر می‌شود که در معنای خاص آن با موضوع ظهور ارتباط کاملی دارد.

کلیدواژه‌ها

انتظار فرج، امید، آیت‌الله صافی رحمته‌الله، مقاومت، پویایی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق رحمته‌الله.

14mt.shaker@gmail.com

* شاکر، محمدتقی. (۱۴۰۲). خوانش آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله از آموزه انتظار فرج. دوفصلنامه علمی- ترویجی

Doi: 10.22081/JM.2023.67187.1077.

جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۱۰۳-۱۳۰.

مقدمه

آیا عدالت فراگیر، نه عدل نسبی و فردی و شخصی، بر جهان حاکم خواهد شد؟ یعنی آیا در این جهان روزی برای بشر خواهد آمد که از این ظلم‌ها، ستم‌ها، تبعیض‌ها، جنگ‌ها، نفرت‌ها، کینه‌ها، خون‌ریزی‌ها و استثمارها و لوازم اینها یعنی دروغ‌ها، نفاق‌ها، نیرنگ‌ها و در نهایت از همه مفاسدی که در میان بشر وجود دارد اثری نباشد؟ در این زمینه دو دیدگاه کلان مطرح است:

دیدگاه نخست به آینده جهان خوش‌بین نیست و آن را تاریک می‌بیند. با وجود اینکه غیر مسلمانان و پیروان ادیان دیگر می‌پذیرند که دنیا بر اساس ظلم بنا نشده و عدالت را به صورت کلی انکار نمی‌کنند، اما این فکر در میان آنان وجود دارد که دنیا آن قدر پست، ظلمانی و تاریک است که هیچ‌وقت عدل کلی، صلح و انسانیت واقعی در آن برپا نخواهد شد و روزی نخواهد آمد که افراد بشر به راستی با یکدیگر انسانی زندگی کنند. حتی گروهی مانند راسل^۱ و اینشتاین^۲ خوش‌بینی خودشان را به آینده بشریت از دست داده‌اند و معتقدند بشریت با گوری که خود برای خود کنده است، چند گام بیشتر فاصله ندارد و فشار چند دکمه کافی است تا کار یک‌سره شود.

بدینی به آینده بشر تا آنجا پیش رفت که از سال ۱۹۴۷ میلادی، ایده و تصویر سرنوشت بشر^۳ در قالب ساعت تصویرسازی‌شده روز محشر، توسط بولتن علم و امنیت شورای دانشمندان اتمی عرضه شده و در آن برآورد احتمالی فاجعه جهانی در هر لحظه ارائه شده است. استاد مطهری در این باره می‌گوید: «انصافاً اگر تنها بخواهیم از زاویه علل و عوامل مادی و ظاهری ببینیم، دلایل زیادی بر این بدبینی وجود دارد. تنها ایمان به امدادهای غیبی است که جلوی این را می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص ۱۵۲-۱۵۳).

دیدگاه دوم معتقد است که سیر تکاملی انسان و یا قوه و قدرت امداد غیبی، آرمان سعادت فراگیر بشر را عملی می‌کند. از نگاه استاد مطهری دیدگاه دوم از امتیازات

1. Russell

2. Einstein

3. Bulletin of the Atomic Scientists

اساسی باورهای اسلامی و به ویژه نگرش شیعی است که دورهٔ ظلم، جنگ، اختلاف، فساد اخلاق و دورهٔ سیاهی و ظلمت دوره‌ای موقت است و آیندهٔ بشریت در همین دنیا، نیکی و رخت‌برستن ظلم و آمدن عدالت و نورانیت است. وی باورمند است که این نگاه در ادیان دیگر به روشنی مذهب شیعه وجود ندارد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص ۱۵۲-۱۵۳). از نظر اسلام ما باید معتقد و خوش‌بین باشیم و خود را در دورهٔ طفولیت بشر بینیم. عصر کامل صلح و صفا و تحول و دگرگونی عجیبی که یک‌باره تغییرات و دگرگونی‌های کمی تبدیل به تغییر کیفی می‌شود و بشر از حال سبعت خارج می‌شود، دوره‌ای است که در زبان دین، بعد از ظهور مهدی علیه السلام شناخته شده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۷۳). در تبیین ارتباط پایان تاریخ با آغاز آن با نگاهی به قرآن می‌توان گفت که آیهٔ کریمه «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات، ۱۷۱-۱۷۳) اثبات می‌کند که در نهایت تاریخ بشریت، دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران، آرمان پیامبران و رسولان الهی محقق خواهد شد. کلمه، سنت، قانون و حکم بی‌تخلف الهی از پیش برای بندگان مرسل صادر شده است؛ یعنی یک قانون الهی که کلمات خدا تغییر نمی‌پذیرد و در قرآن هم آمده «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» (انعام، ۳۴) این است که در نهایت پیامبران پیروز خواهند شد. این سلسله‌ای که در تاریخ به نام سلسلهٔ نبوت‌ها می‌شناسیم و انگارهایی می‌پندارد که انبیای الهی در دنیا ناکام شده‌اند، پیوسته و قدم‌به‌قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که در نهایت به پیروزی کامل خواهد رسید.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه با معرفی امام به‌عنوان جانشین الهی و مظهر تمام‌نمای عدل و قسط اسلام،^۱ در این زمینه معتقد است که مؤمنان به آن ظهور و وعدهٔ الهی، مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی‌شوند و با قاطعیت به سوی جلو گام بر می‌دارند و بر

۱. آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه با استناد به جملهٔ مشهور خلیل بن احمد فراهیدی جایگاه امامت را ترسیم می‌کند. خلیل می‌گوید: «افتقار الكل الیه و استغناؤه عن الكل ینبث انه امام الكل فی الكل» (نک: صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۲۱).

اقدام و تلاش و کوشش خود می‌افزایند (نک: صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۴).

بر همین اساس مهدویت باوری است که هسته مرکزی آن تأکید بر حقوق انسان‌ها بر محور عدالت و جایگزینی آمریت خدا به جای آمریت بشری است. یکی از مهم‌ترین مضامین نظری و عملی مهدویت که مستقیم به سرنوشت بشریت مرتبط است، طرحی دانسته شده که مهدویت برای تاریخ جهانی صورت‌بندی می‌کند و اشاره به نوعی جهان‌وطنی و عدالت جهانی برای انسان جهانی دارد. این طرح به این معناست که در کنار همه این ستم‌ها، حماقت‌ها و شرارت‌هایی که در جامعه انسانی اتفاق می‌افتد، باورمند باشیم که یک دینامیزم (قدرت و پویندگی) باشعوری در نبض تاریخ تعبیه شده است که عاقبت همه چیز را جبران می‌کند و با استقرار دولت عدل جهانی، دیگر جز شهروند جهانی نخواهیم داشت. بر این اساس خداوند انسان را فراموش نکرده و این گونه نیست که خدا، آدم و فرزندانش را از بهشت بیرون کرده باشد و بعد آنها را رها کرده و نمی‌داند آنها در دنیا چه می‌کنند. با این رستخیز عدل گستر قبل از قیامت، تبعیض‌های نژادی، قومی و ملیت‌ها پایان می‌یابد.

برخی این حرکت را جهانی شدن^۱ مهدوی نامیده‌اند که به نفی استبداد جهانی از نوع فردی و جمعی می‌پردازد. طراح این طرح بزرگ خداوند است و مهدی عجله الله تعالی فرجه از ابتدا جزو طرح خدا و جمله نهایی طرح خدا بود. این حرکت در مقابل جهانی‌سازی سرمایه‌داری طبقاتی است که امروزه در جهان تبلیغ و حکم فرماست. این جهانی‌شدن بر خلاف جهانی‌سازی به سبک آمریکایی و غربی است که در آن همه جهان در خدمت سرمایه‌داری صهیونیستی غرب و آمریکا قرار می‌گیرد (نک: شاکر، ۱۴۰۱، ص ۱۲۰). البته باید اذعان کرد که در میان مذاهب اسلامی، این ویژگی در شیعه نمود بیشتری یافته؛ چراکه در برخی روایات منابع اهل سنت، نگاه منفی به روزگار پیش روی بشریت و تأکید بر افزون‌شدن بدی‌ها به چشم می‌خورد؛ همانند روایت «لایأتی علیکم زمان الا الذی بعده شر منه حتی تلقوا ربکم؛ بر شما زمانی نمی‌گذرد، مگر این که بعد از آن زمان بدتری

1. globalization

خواهد آمد و این تا قیامت ادامه خواهد یافت» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۱۲) که به نقل از پیامبر ﷺ نقل شده است و نیز «امس خیر من الیوم و الیوم خیر من غد و كذلك حتی تقوم الساعة؛ دیروز بهتر از امروز است و امروز بهتر از فرداست و این فرآیند تا قیامت ادامه پیدا خواهد کرد» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۵۴). آیت الله صافی رحمته الله علیه اهمیت این شناخت را کمک به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان می‌داند (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵).

۱. مفهوم‌شناسی انتظار فرج

آیت الله صافی رحمته الله علیه با ضروری دانستن شناخت صحیح و تفسیر دقیق و واقعی واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی و اثرگذاری آن در منظومه فکری و رفتاری اهل ایمان، این امر را مانع از برخی برداشت‌های نادرست برون‌دینی درباره دین و مقاصد آن می‌داند و موجب کارکرد شایسته هدف‌های واقعی و مقاصد حقیقی دین معرفی می‌کند. از جمله واژگان مورد تأکید ایشان، انتظار فرج است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۱۱-۱۵)؛ چرا که برداشت بیشتر جامعه از آن سازنده و مثبت نیست. ایشان لازمه رفع هرگونه سوء تفاهم، درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، حرکت‌های اجتماعی و سیاسی، تقویت اراده و تربیت افراد شکست‌ناپذیر را در درک مفهوم صحیح انتظار می‌دانند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۱۵-۱۶).

واژه انتظار فرج از دو کلمه انتظار و فرج تشکیل شده است که نخست به واژه پژوهشی هریک از این دو و سپس معنای ترکیبی آن پرداخته می‌شود.

واژه‌پژوهی انتظار

ریشه واژه «انتظار» «ن - ظ - ر» است که به باب افتعال رفته و معنای غالب این باب، مطاوعه است. مطاوعه از ماده «ط - و - ع» به معنای فرمان‌برداری است. مراد از معنای مطاوعه در یک فعل عبارت از پذیرفتن اثر فعل و فاعل دیگری توسط فاعل این فعل یا قبول کردن اثر فاعل است؛ از این رو اثرپذیری و رابطه تأثیر و تأثر در باب افتعال نمود

دارد. «انتظار» به معنای چشم‌داشت و توقع، حالتی است میان منتظر و منتظر که در آن آثار و پیامدهای این حالت وجود دارد. متعلق انتظار، تفسیرکننده چستی و چگونگی این حالت است (شاکر، ۱۴۰۱ق، ص ۸).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله انتظار را حالتی برخاسته از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه‌السلام، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فاسد و تباهی که ایجادکننده انواع دگرگونی‌ها در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله تأکید دارند که انتظار، پیوند و ارتباط برجسته‌ای با حرکت دارد. حرکت از برآیندهای انتظار و انتظار از جهت‌دهنده‌های آن است. ایشان تصریح دارد که حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار علت حرکت و تحریک‌بخش است.

در واقع انتظار، ارزش فرهنگی است که رفتار فرهنگی معینی از آن سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس این مفهوم فرهنگی در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی منتظر در زمان حال و آینده تأثیرگذار است.

اگر انتظار به مفهومی برای سست کردن و مانعی برای حرکت تبدیل شود، انتظار منفی است و اگر عاملی برای حرکت، قیام و انگیزش در زندگی باشد، انتظار مثبت است (آصفی، ۱۳۸۹، صص ۱۸-۲۳).

واژه‌پژوهی فرج

«فَرَج» به معنای گشایش و از بین رفتن غم و سختی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۰۹؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۸۹). انتظار فردایی بهتر و نکوتر، مطلوب فطری و خواست و نیاز مشترک تمامی انسان‌هاست. این مسئله زمان و مکان نمی‌شناسد و به هیچ گروهی اختصاص ندارد و آن را می‌توان در هر جا و در میان همه اقوام و ملل مشاهده کرد. آیت‌الله

صافی رحمته الله علیه به صراحت فرج را فتح و گشایش معرفی می‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۸).
 با واژه پژوهشی انتظار و فرج می‌توان به مفهوم انتظار فرج نزدیک‌تر شد. آیت‌الله صافی رحمته الله علیه در تعریف اصطلاحی انتظار فرج آن را در مقابل انفعال قرار داده و می‌نویسد: «معنای صحیح انتظار این است که باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در جامعه دوران ظهور سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه طرد می‌شود ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه‌ای خود را بسازیم و تلاش کنیم» (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵).

بر این اساس انتظار فرج مهدی رحمته الله علیه یعنی امید و آرزوی تحقق پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایدئال و اجرای این مهم توسط شخصیتی مقدس به نام مهدی، در زبان روایات، «انتظار فرج» خوانده شده است. در این معنا، انتظار فرج به مسئله مهدویت و ظهور تعلق می‌گیرد و منتظر، چشم‌به‌راه فرارسیدن منجی موعود در آخرالزمان است.

۲. ابعاد انتظار فرج

با توجه به آنچه گذشت در نگاهی کلان انتظار فرج را می‌توان به دو دسته اصلی «انتظار عام» و «انتظار خاص» تقسیم کرد. انتظاری که شامل امید به گشایش در هر سختی باشد، انتظار عام خوانده می‌شود؛ بنابراین اهل سنت نیز واژه‌های انتظار فرج را در معنای عام آن به کار برده‌اند؛ چنانکه گفته شده است: «انتظار فرج یعنی چشم‌داشتن به از میان رفتن سختی» (مبارکفوری أبو العلاء، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱). انتظار عام، مبتنی بر این قاعده کلی است که خداوند در ورای هر سختی، راحتی و گشایش قطعی قرار داده است؛ «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح، ۵ و ۶). آیت‌الله صافی رحمته الله علیه همان‌گونه که اشاره شد انتظار را فراگیر و مفهومی جهان‌شمول معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار به معنای گسترده آن است. به گونه‌ای که اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال و گذشت زمان

است از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی‌لذت و بی‌معنی است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۶-۸۷).

وی پس از اشاره برون‌دینی به ارزش‌گذاری مقوله انتظار، نگاه دین اسلام به این مفهوم را این‌گونه توصیف می‌کند: «اسلام که تعلیمات و هدایت‌هایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را پشتوانه بقای جامعه‌ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده‌بهرتر و عصرفتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۱) وی آن‌گاه به روایت مشهور نبوی «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۴) اشاره می‌کند و پیامد اجتماعی این انتظار را این‌گونه توصیف می‌کند: «انتظار یکی از پایه‌های مهم و زنده مبارزه علیه فساد در جامعه اسلام بوده که آن را باید سرچشمه مقاومت‌ها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حق با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچ‌گاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شده نخواهد دانست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۶)؛ سپس ایشان در گام نهایی به نگاه تشیع به مقوله انتظار فرج می‌پردازد؛ از این رو می‌توان آیت‌الله صافی رحمته‌الله را جزو محققانی دانست که به هر دو معنای کلان انتظار فرج یعنی مطلق گشایش و ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی توجه می‌دهد؛ از این رو وی با تأکید بر فراگیری مفهوم انتظار در میان بشر در شکل‌های متفاوت، بر این اندیشه‌اند که اصل انتظار به صورت‌های گوناگون در بین ملت‌های مختلف همواره محفوظ بوده و آینده‌نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته و برگشتن به عقب و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنت‌های عالم خلقت است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷۱).

۳. آموزه انتظار فرج در شیعه و اهل سنت

در تمام نقل‌ها در منابع شیعی و سنی، ترکیب «انتظار الفرج» به‌مثابه عنصری مشترک دیده می‌شود و گاه پیش و گاه پس از این ترکیب، عباراتی دال بر ستوده‌بودن و برتری «انتظار الفرج» نسبت به سایر اعمال یا عبادات وجود دارد. قدر مطلق تمام نقل‌های

مختلف روایت آن است که «انتظار فرج» امری ممدوح و مورد پسند یا ممدوح‌ترین کنش است. روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» یکی از روایاتی است که نقل‌های گوناگونی از آن در منابع مختلف روایی شیعی و سنی بازتاب یافته است. پس از بررسی‌ها منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، همه فهم‌های ارائه‌شده از این روایت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

فهم اول: فهمی که مقصود از این روایت را انتظار گشایش و رفع سختی در زندگی می‌داند. بر اساس این فهم، انتظار گشایش دشواری‌ها و سختی‌های زندگی از بهترین کارهاست. این فهم در میان اهل سنت رواج تام دارد. بر این اساس مقصود از انتظار در روایات اهل سنت، انتظار عام است؛ یعنی انتظاری مطلق و کلی که شامل امید به گشایش در هر گونه مشکل و سختی، اعم از دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و فردی و اجتماعی می‌باشد.

از نگاه تفاسیر و روایات اهل سنت، تعبیر «انتظار فرج» عنوانی فراگیر است که به معنای امیدداشتن به رحمت، لطف و گشایش الهی در تمامی مشکلات و سختی‌هاست؛ از این رو انتظار فرج به معنای عام آن، تنها به معنای انتظار فرج نهایی نیست، بلکه به این معناست که در زندگی انسان مؤمن، هر بن‌بستی قابل گشوده‌شدن است و او باید در مشکلات و ناملازمات، به رحمت و فرج الهی امید داشته باشد و نباید از گشایش امور ناامید باشد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه در این زمینه می‌نویسد: «تعلیمات و هدایت‌های اسلام بر اساس فلسفه عمیق و صحیح اجتماعی است، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را پشتوانه بقای جامعه مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است و انتظار آینده بهتر و گشایش را برترین اعمال شمرده و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»؛ انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی کرده است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۷-۸۹). وی با شواهدی از صدر اسلام دلیل موفقیت‌های چشم‌گیر آن عصر را انتظار و ایمان به این وعده الهی معرفی می‌کند که در انتظار روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ پشت سر گذاشته شد. وی آیه ۵۴

سوره مائده را یکی از آیات امیدآفرین که مسلمانان را به انتظار آینده بهتر نوید می‌دهد معرفی می‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۸۹).

فهم دوم: فهمی است که انتظار فرج را متعین در انتظار ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه می‌داند. بر این اساس انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از پسندیده‌ترین کارها برای مؤمن است. این فهم را تنها در آثار روایی شیعی می‌توان دید و بر اساس آن، بارزترین و مهم‌ترین و گاه تنها مصداق عنوان انتظار فرج، انتظار گشایش در امر ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه است. در این معنا انتظار فرج به مسئله مهدویت و ظهور تعلق می‌گیرد و منتظر، چشم‌به‌راه فرارسیدن منجی موعود در آخرالزمان است؛ به بیان دیگر انتظار فرج یعنی آمادگی روحی و رفتاری برای ظهور و یاری‌رساندن به آن حضرت و دوری از عملکردی که با این آمادگی و انتظار در منافات و تضاد می‌باشد. به تعبیر برخی محققان «انتظار فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه سنتز تضاد میان واقعیت و حقیقت است؛ واقعیت آنچه هست و حقیقت آنچه نیست، ولی باید باشد» (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

این خوانش از آموزه مهدویت و انتظار تنها در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام قابل مشاهده است و چنین خوانشی را در سایر فرقه‌ها و حتی سایر مکاتب نمی‌توان یافت. شاهد این سخن آنکه در طول تاریخ تفکر اهل سنت و در حیات فردی و جمعی آنان، اثری از این آموزه مشاهده نمی‌شود و حرکت یا تحول اجتماعی ویژه‌ای که برآمده از این نگرش باشد به چشم نمی‌خورد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آیین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است ظاهر کرده و گسترش دهد و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم‌صدا، هم‌قدم و به هم پیوسته سازد» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۹۵).

سخن از مهدویت و انتظار فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه، سخن از حدسیات، استقراء، پیش‌گویی عادی و تفریحی، آرزوی شکست‌خورده‌ها، رؤیای بردگان و یا آرزوی کودکانه‌ای که

هدفش فقط انتقام باشد نیست، بلکه یک فلسفه بزرگ جهانی مبتنی بر موارد ذیل است:

الف. خوش بینی به زندگانی بشر و نابودنشدن دنیا و به عبارت دیگر خوش بینی به اینکه بشر دوره عمر را به پایان می‌رساند و به پیری و کمال می‌رسد.

ب. پیروزی و حکومت عقل و سقوط حکومت خشم و شهوت.

ج. اعتقاد به اینکه پیروزی نهایی از آن عدل و حق است، نه ظلم و باطل و از آن صالحان و متقیان و مستضعفان است، نه زورمندان و فاسدان.

آیاتی از قرآن نیز به صراحت پایان زندگی در دنیا را قرین توحید و سعادت می‌داند و به آینده روشن نوید می‌دهد. استاد مطهری درباره آیه ۵۵ سوره نور می‌گوید: «وعده می‌دهد به اهل ایمان و مردمی که عمل‌شان صالح و شایسته است که عاقبت دنیا به دست اینهاست؛ آن که در نهایت امر بر دنیا حکومت می‌کند، دین الهی و معنویت و لا إله الا الله است؛ مادی‌گری‌ها و ماده‌پرستی‌ها و خودخواهی‌ها از بین خواهد رفت؛ عاقبت دنیا امنیت است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ عاقبت دنیا به تمام مراتب، خود توحید است» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۱۵۴).

۴. رویکردها به آموزه انتظار فرج

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله جایگاه و ارزش انتظار را فراگیر دانسته و معتقد است بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون انتظار است و انتظار مفهوم و هدف زندگی انسان را بنیان می‌نهد (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۸۵). اما واکاوی تاریخ تشیع و خوانش‌ها از آموزه انتظار فرج، نمایان‌کننده رویکردها و در نتیجه برون‌دادهای گوناگونی از این مقوله است که این امر بر اهمیت آن گواهی می‌دهد. اکنون به شرح سه رویکرد نسبت به این آموزه می‌پردازیم.

۴-۱. نظریه‌ای برآمده از واپس‌زدگی تاریخی تشیع

برخی مستشرقان و روشنفکران، اندیشه مهدویت و انتظار ظهور را بر اساس سرکوب خواسته‌های انسانی و اجتماعی تحلیل می‌کنند و آن را برآمده از واپس‌زدن خواسته‌ها،

امیال و آرزوهای درونی در طول تاریخ می‌دانند. اینان بر این انگاره‌اند که اعتقاد به مهدویت نتیجه فشارهای سیاسی بوده که بر مستضعفان جامعه اسلامی وارد می‌شده است؛ به‌عنوان نمونه فان فلوتن^۱ می‌گوید: «جور و ستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن، کمتر از دولت امویان نبوده است. این جور و ستم‌ها به حدی بود که مستضعفان و مظلومان را بر این داشت که خود را امیدوار کنند؛ لذا چاره‌ای جز این ندیدند که به عقیده مهدویت و انتظار ظهور منجی دل ببندند تا بتوانند از شدت تألمات روحی خود بکاهند» (نک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۱). دونالدسن^۲ می‌گوید: «این احتمال جدی است که اختناق و فشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی‌امیه پدید آمده، از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخرالزمان بوده است» (نک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۱). احمد امین مصری از اندیشمندان روشنگر در حوزه تاریخ می‌گوید: «عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه و اصرار بر آن، فشارهای سیاسی و مصائبی بود که بعد از شهادت امام علی علیه السلام و به حکومت رسیدن معاویه با آن روبه‌رو شدند. این مصائب با بیعت با حسن بن علی علیه السلام و پس از آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و ازهم پاشیدن حرکت‌های ضد اموی و قوت گرفتن حکومت امویان شدت گرفت؛ لذا در صدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده، از دعوت آشکار صرف نظر کرده و به دعوت سرّی برای ریشه‌کن کردن ظلم روی آورند» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

محمد عبدالکریم عتوم^۳ می‌گوید: «واقع آن است که عقیده به مهدی علیه السلام قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده و پرورش پیدا کرد و این به صورت دقیق بعد از واقعه کربلا و تفرق شیعه از سوی دولت اموی بوده است. این وضعیت ناهنجار برای شیعه، زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم ساخت تا آنان را از وضعیت موجود نجات دهد. در

1. Gerlof van Vloten

2. Donaldson

۳. از نویسندگان عرب و صاحب کتاب‌هایی از جمله: النظرية السياسية المعاصرة للشیعة و الأنموذج الإسلامي للتربية السياسية المعاصرة؛ تحلیل و مقارنۀ للتربية السياسية عند السنة والشیعة می‌باشد.

نتیجه مهدویت آرزویی شیعی بود که اثری منفی بر زندگی شیعیان داشت، اگرچه آنان را از وضعیت موجود نجات داد» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

این تحلیل‌های بدون پشتوانه متون دینی و تاریخ، تحلیل‌های ناقصی هستند که در آنها تلاش می‌شود آموزه‌های اسلامی و شیعی بر معضلات و پیچیدگی‌های اقتضایی سایر ادیان تطبیق شود. آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه در پاسخ به نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اعتقاد به مهدویت و ظهور می‌نگارد: «از دیدگاه جهان‌بینی الحادی همه امور و حوادث را باید به علل تاریخی و مادی نسبت داد؛ اما از دیدگاه جهان‌بینی دینی آنچه اصیل و حق است منبع آن وحی و دعوت انبیا و درک فطری بشر است و تاریخ و گذشت زمان و علم بشر و علل مادی آنها را به وجود نمی‌آورد. در پیدایش اعتقاد به ظهور مهدی عجل‌الله‌فرجه نیز هیچ عامل اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی موثر نبوده است و منشأ آن اخبار انبیا و رهنمودهای پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد» (صافی، ۱۳۹۲، «ج»، صص ۱۰۶-۱۰۷). وی در بررسی و شناخت یک فکر، معقول بودن و خردپسند بودن را شرط می‌داند؛ به این معنا که عقل امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور قطعی انکار کند و قبول امکان آن را غیر عقلایی بداند؛ آن‌گاه دلایل گوناگون عقلی، نقلی، فطری و تجربی عقیده به مهدویت و ظهور را به تفصیل مطرح می‌کند (صافی، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۰۸؛ صافی، ۱۳۹۲، «د»، صص ۱۰۴-۱۱۲).

۲-۴. انتظار مقوله‌ای غیر اجتماعی

در این میان تفسیرهای سکولار از آموزه مهدویت و انتظار نیز جلوه گر است. برخی دگراندیشان دارای اندیشه سکولاریسم اسلامی، برای انتظار در ترسیم ارزش‌های حیات اجتماعی جایگاه قائل‌اند؛ اما مرجعیت انتظار را در تنظیم قوانین حاکم بر جامعه انکار می‌کنند. این گروه انتظار را به مثابه ارزش می‌پذیرند، ولی آن را به مثابه قانون قبول ندارند و انتظار منجی موعود را ناظر به ابعاد اجتماعی نمی‌دانند. به نظر می‌رسد این خوانش از مهدویت و انتظار یکی از تهدیدهای جدی گفتمان انتظار به شمار می‌رود (نک: شاهرخی و عباسی، ۱۳۹۹، صص ۲۸۵-۲۸۶).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله باور به مقوله انتظار و امید را از نظر اجتماعی بسیار مهم و مفهومی انقلابی و مترقی توصیف می‌کند که پیامد آن تشویق مردم به تلاش، نهضت و فعالیت است و از سستی، ترک وظایف، تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد (صافی، ۱۳۹۲ «د»، ص ۶۱). وی باورمند است که بشر در زندگی اجتماعی و فردی مرهون نعمت انتظار است.

۳-۴. استمرار هدایت الهی و امید به اصلاح فراگیر

نگاه دیگر در این باره برگرفته از اصل هدایت و نمایان‌ساختن اراده الهی در فراهم‌ساختن زمینه هدایت بشریت است. آیت‌الله صافی رحمته‌الله نظام امامت را نظامی الهی می‌داند که انقطاع‌پذیر نیست و دوره فترت ندارد و تا دنیا باقی است، پابرجا است؛ چنانکه امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود: «البتّه زمین از کسی که حجّت‌های خدا را برپا دارد - آشکار و سرشناس یا پیمناک و گمنام - خالی نمی‌ماند تا که حجّت‌ها و برهان‌های خداوند از بین نرود» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ صافی، ۱۳۹۰، ص ۹).

هانری کربن دین‌پژوه غربی در تبیین نگاه شیعه به مسئله مهدویت و مقایسه آن با سایر مکاتب معتقد است:

مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق همیشه زنده نگه داشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را پابرجا می‌داند. یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت کلیم ختم کرد و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اذعان نکرد و آن را قطع کرد. مسیحیان هم در حضرت عیسی متوقف شدند و اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توقف کردند و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق ندیدند. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم شده می‌داند؛ ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکامل است، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی حکایت می‌کند. با وجود دعوت‌های دینی قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد و بعد از آن حضرت با همین رابطه ولایت، جانشین وی

زنده بوده و هست و خواهد بود و این حقیقتی است زنده که هرگز با نظر علمی نمی‌توان آن را از خرافات شمرد و از لیست حقایق حذف کرد. همه ادیان ... یک حقیقت زنده را دنبال می‌کنند و همه ادیان در اثبات وجود این حقیقت زنده مشترک‌اند. تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانده است (شاهرخی و عباسی، ۱۳۹۹، صص ۳۶-۳۷).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله با مقایسه انتظار در اسلام با انتظار در سایر نگاه‌ها، انتظار در شرق و غرب را تسخیر جهان بر اساس برده‌داری نوین و بی‌هدفی یا هوا و هوس معرفی می‌کند؛ درحالی‌که اسلام سخن از انتظار جهانی‌شدن عدالت، حقیقت و آزادی و همچنین ریشه‌کن‌شدن نادانی، فقر و ذلت می‌گوید (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۹۷-۹۹).

۵. برون‌دادها از آموزه انتظار فرج

اکنون می‌توان به برون‌دادها از رویکردهای مطرح‌شده نسبت به آموزه انتظار اشاره داشت. دو برون‌داد انتقاد واپس‌گرایانه و اقدام زمینه‌ساز را می‌توان در نگاهی کلان در این مقوله واکاوی کرد.

۵-۱. انتقاد واپس‌گرایانه

علت به‌درازا کشیدن انتظار و محقق‌نشدن ظهور و فرج، گاه فراگیرنشدن فساد و ظلم در جهان بیان می‌شود و گاه نبود یاور و نیروی مورد نیاز برای این انقلاب بزرگ. در نگاه نخست انتظار به مترصدبودن معنا می‌شود و بر اساس آن، مقابله با ظلم و فساد و تباهی به دلیل کمک به طولانی‌شدن غیبت اقدامی نادرست است؛ پس باید منتظر بود تا با گسترش ظلم در سطوح مختلف زندگی فردی و اجتماعی و به‌کمال‌رسیدن آن، زمینه ظهور و فرج فراهم شود و انقلاب مهدوی در برابر ستم‌گران و در حمایت از مظلومان رخ دهد.

در هر دو صورت، این فراگیری مخالف طبع و فطرت است و منجر به انزجار فراگیر و تمایل به رهایی از این پدیده می‌شود. این امر موجب اراده و خواست اجتماع بشری

برای روی گردانی از ستم و ایجاد تغییر و زمینه‌سازی برای ظهور عدل گستر فراگیر به جای ستم گران بی‌پروا می‌شود؛ از این رو در روایات مشاهده می‌کنیم که سخن از گسترش عدالت است، همان‌گونه که ظلم گسترش یافته، نه بعد از گسترش ظلم؛ یعنی گسترش ظلم، نقطه اتکای ظهور عدالت نیست، بلکه گسترش عدالت، وابسته به احساس نیاز به عدالت و حرکت به سمت مطالبه آن است که منجر به ظهور محقق‌کننده عدالت می‌شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مهدی ائمت من، کسی است که هنگام پرشدن زمین از بیداد و ظلم، آن را پر از قسط و عدل خواهد کرد» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۱۰).

۵-۲. اقدام زمینه‌ساز

در نگاه دوم سبب تأخیر، نبود یار کمی و کیفی برای قیام فراگیر و تکیه‌گاه برای انقلاب جهانی است. بر اساس این نگاه، تنها مسیر گذار از انتظار و تحقق ظهور، اقدام و تجهیز می‌باشد. در نتیجه انتظار به معنای مترصدبودن نیست؛ بلکه به معنای حرکت و اقدام برای شکل‌گیری حق در ساحت‌های مختلف آن است.

اگرچه امداد غیبی از سنت‌های الهی است و آیاتی از قرآن بر آن دلالت دارد، اما فراهم کردن تجهیزات نیز از دستورها و سنت‌های الهی است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰). مراحل نبرد در زمانه رسول خدا ﷺ هم بر اساس سنت‌های الهی در تاریخ و جامعه پیش می‌رفت؛ از این رو گاه پیروزی به دست نمی‌آمد. تدارک نقشه جنگ، استفاده از شیوه‌های گوناگون جنگی، استفاده از امکانات مالی و سلاح‌های جنگی و تقسیم‌بندی وظایف، هیچ‌کدام منافاتی با تحقق وعده نصرت الهی و امداد غیبی خدا ندارد.

در میان روایات مهدویت، روایات زمینه‌سازان ظهور، این خوانش درباره دوره انتظار و زمانه قیام و انقلاب مهدوی را تأیید می‌کنند. نقش آخرالزمانی گروهی به نام «موطنان» یا زمینه‌سازان ظهور که آماده‌کنندگان شرایط ظهور در زمین‌اند، در روایات شیعه و اهل سنت انعکاس یافته است. این زمینه‌سازان با توجه به ویژگی‌های مطرح‌شده برای آنان در روایات نمی‌توانند از دشمنان مهدویت یا غیرمنتظران ظهور باشند؛ به‌عنوان نمونه

در منابع اهل سنت به نقل از رسول خدا ﷺ آمده است: «ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را به جای دنیا برایمان برگزید. پس از من، خانواده‌ام گرفتار بلا و آوارگی و تبعید خواهند شد تا آن که مردمی از این جا - با دستش به مشرق اشاره کرد - با پرچم‌های سیاه قیام کنند که حق را طلب می‌کنند، اما به آنان نمی‌دهند؛ دوباره حق را می‌طلبند، اما باز به آنان نمی‌دهند؛ پس دست به جنگ و مقاومت می‌زنند تا آن که خواسته آنان را می‌دهند، اما ایشان نمی‌پذیرند تا آن را به مردی از خاندان من دهند که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنانکه آکنده از انحراف و بی‌عدالتی شده بود. هر کس این مردم را درک کند، حتی اگر شده با خریدن بر روی برف به آنان بیوندد» (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ق، ج ۸، ص ۲۳۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۰؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸).

مطالبهٔ حق و واگذاری قدرت به مردی از خاندان رسالت که عدل‌گستر خواهد بود، گویای باورمندی این مردمان به مهدویت می‌باشد؛ همچنانکه مقاومت در مسیر حق خواهی جز با انتظار امکان‌پذیر نمی‌باشد.

برخی از محققان مهدویت گفته‌اند بسیاری از اهل سنت و شیعه این روایت را نقل کرده‌اند. روایات رایج سود (پرچم‌های سیاه) در اثر کثرت و استفاضه و قوت متن، نیازی به بررسی سندی ندارد؛ همان‌گونه که انگیزه بر جعل این روایت بسیار کم است، هر چند بنی‌عباس از این روایات سوءاستفاده‌هایی کرده‌اند؛ اما همین سوءاستفاده‌ها بیان‌گر آن است که این روایات پیش از زمینهٔ سوءاستفاده موجود بوده است (طبری، ۱۳۸۹/۰۷/۱۷).

در منابع شیعه نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «گویا می‌بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند و به ایشان داده نمی‌شود؛ لکن از پای نمی‌نشینند؛ از این رو سلاح برمی‌گیرند و در نتیجه آنچه می‌خواستند به ایشان داده می‌شود، اما نمی‌پذیرند تا آنکه قیام می‌کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر علیه السلام) تحویل نمی‌دهند. کشته‌شدگان از آنان شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می‌کردم» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳).

علاوه بر این روایات فراوانی دربارهٔ نقش مردمانی از یمن و سایر نقاط نیز وجود

دارد؛ به‌عنوان نمونه دربارهٔ پرچم‌های یمانی گفته شده که از پرچم‌های هدایت است و به سوی حق و صاحب الزمان عجل الله فرجه فرا می‌خواند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶). امام صادق علیه السلام ذیل آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» (اسراء، ۵) می‌فرماید: «قوم یبعثهم الله قبل خروج القائم لا يدعون وتراً لآل محمد إلا حرقوه؛ گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم برمی‌انگیزاند. آنان هیچ ستم‌کننده‌ای به خاندان محمد را رها نمی‌کنند، جز آن‌که او را از بین می‌برند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۸۱).^۱

آیت‌الله صافی رحمته الله در این زمینه معتقدند: «از اینکه فاصله ما و جامعه ما با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود که از او دور شویم، باید به شدت پرهیز کنیم» (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۵). وی راهکار این مسئله را شناخت و ویژگی‌های ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می‌شود معرفی می‌کند و آن را راهنما، خط‌دهنده، بازدارنده از خطا و اخلاق ناپسند و تشویق‌کننده به کار نیک، عدالت، التزام و احترام به نظام‌های شرعی می‌داند (صافی، ۱۳۹۲ «ب»، ص ۱۷).

۶. ارکان انتظار پویا

با آنچه گذشت دانسته شد انتظار علاوه بر ساحت فردی، بعد اجتماعی نیز دارد؛ از این رو دارای پیوستگی باور و عمل در دو سطح فرد و اجتماع می‌باشد. ارکان و بنیان‌های تحقق انتظار فرج پویا را می‌توان این‌گونه بر شمرد:

۶-۱. نفی وضعیت موجود

گام نخست احساس وجود یک فروبستگی، گره و مشکل است. با وجود این درک، احتیاج به گره‌گشا پیدا می‌شود. از سوی دیگر منتظر تمام خیر و نیکی موجود را ناکافی و کم می‌داند و انتظار دارد تا ظرفیت نیکی عالم، کامل و پر شود؛ از این رو نفی وضعیت موجود یا همان مبارزه و جهاد از ارکان انتظار می‌باشد. روح انتظار به انسان تعلیم

۱. در برخی منابع «الاقتلوه» آمده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۶).

می‌دهد که در راه خیر و صلاح مبارزه کند؛ نتیجه این مؤلفه، ترک هرگونه همراهی و هماهنگی با عوامل فساد و ستم است.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه با اشاره به اهداف اسلام و برشمردن آزاد کردن انسان‌ها، خاتمه‌دادن به شرک و بت‌پرستی و فساد، برجیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد کردن و پاک‌سازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادی، مبارزه با جهل و نادانی، تقسیم عدالت و امنیت، بهره‌برداری عموم از نعمت‌های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق، فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادی و اقتصادی برای همه این پرسش را مطرح می‌کند که چرا چنین نشد و اسلام در نیمه راه متوقف شد؟ وی پاسخ این پرسش را در رأس جامعه اسلامی جستجو می‌کند و از استقرار حاکمان جاهل و استثمارگر و عیاش که مسیر واقعی اسلام را تغییر دادند به عنوان عامل اصلی سخن می‌گوید؛ حاکمانی که همان مظاهری که اسلام با آن مبارزه کرده بود را به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتحاد اسلام دوباره زنده کردند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۱-۴۲). ایشان می‌نگارد: «غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گراییده و همان اساس گذشته را که اسلام به آن مبارزه دارد، داغ‌تر و ظالمانه‌تر تجدید کردند. مطالعه سرگذشت دستگاه‌های جبار بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویان اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکمان مسلمان در هند، ماوراءالنهر، ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا، آفریقا و اروپا مسلط شدند نشان می‌دهد چه وضع ناامیدکننده‌ای پیش آمد و هدف‌های واقعی و اصولی اسلام از رسمیت افتاد و مطرح نبود» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۳-۴۵).

ایشان با توجه‌دادن به سوءاستفاده از این آموزه توسط دشمنان دین می‌نویسد: «انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده، بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها و مخالف با تحول و تکامل انقلاب اسلام است که این انتظار، انتظاری که در قرآن و در احادیث و روایات دستور داده شده نیست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۳۳-۳۵).

آیت‌الله صافی رحمته‌الله درباره چشم‌انداز نگاه به دوره ظهور بیان می‌دارد که مسلمان همواره به سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه به نسبت خوب و عادلانه باشد او را قانع نمی‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۰). این بدین معنا است که مسلمانان با هموارساختن شرایط دوره ظهور، به آنچه در زمانه پیش از ظهور به دست می‌آید رضایت نمی‌دهند و نگاهی فراگیر به تحقق توحید و عدالت در سرتاسر کره خاکی دارند.

۶-۲. هم‌افزایی و اتحاد منتظران ظهور

گام دوم، فاصله گرفتن از نگاه فردی و دست‌یابی به نگاه کلان است. در انتظار مطلوب، بایسته است انسان سر در پیله خود نداشته باشد و تنها به زندگی خود دل خوش نباشد؛ از این رو انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد؛ نتیجه این مؤلفه کسب آمادگی در ابعاد گوناگون برای برقراری عدالت جهانی است.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله با اشاره به رنج مسلمانان در سراسر گیتی، داشتن روح امید در کنار اقدام جمعی را روزه‌های شکل‌گیری زمینه‌های ظهور می‌داند و بیان می‌کند: «مسئله‌ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلاب‌های علیه نظام‌های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۵). وی با مروری بر جنایات صورت گرفته علیه مستضعفان و ناامیدنشان ایشان برای جابه‌جایی صفحات تاریخ می‌افزاید: «با اینکه زورمندان و استضعاف گران مخالفان رژیم خود را می‌کوبند، به زندان می‌اندازند و در خاک و خون می‌کشند، باز هم استضعاف‌شدگان به پا می‌خیزند و مسیر تاریخ را عوض می‌کنند؛ باز هم سیاه‌پوست آمریکایی و آفریقایی قیام می‌کنند و فلسطینی‌های آواره و از خانه و وطن رانده شده می‌کوشند تا روزگار اسرائیل و رژیم فاسد نژادپرست صهیونیسم را سیاه نمایند و او را از اراضی مقدسه و سرزمین‌هایی که غصب کرده بیرون برانند» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۵-۵۶).

وی ریشه همه این مجاهدت‌ها و مبارزات را امید دانسته و می‌نویسد: «مسلمانان و به ویژه شیعیان در طول تاریخ با وجود همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد سنگر مبارزه را رها نکرده و همواره به تلاش خود ادامه داده‌اند. کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می‌کنند، اگر فاقد تمام وسائل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارد و قطعاً در مبارزه نهایی پیروزی با آنهاست» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۵۷-۵۸). بر این اساس این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل، صفوف طرفداران حق را فشرده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند و آنها را به یاری خدا و فتح و پیروزی نوید می‌دهد.

ایشان انتظار را مکتب زنده و پوینده می‌داند و تصریح دارد: «انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عذر کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد و سکوت و بی‌حرکتی و بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی‌توان توجیه کرد. این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است» (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۷۹).

۳-۶. مبارزه برای فراهم ساختن دوران ظهور

گام سوم، اعتماد و امید به آینده و مأیوس نبودن از چشم‌انداز روشن زندگی بشر و پایان ظلم و ستم است. این روح انتظار به انسان یاد می‌دهد در راه خیر و صلاح مبارزه کند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنا ندارد و اگر اعتماد به آینده نباشد، انتظار بی‌معنا خواهد بود؛ به دیگر بیان قانع نشدن به وضع موجود و تلاش فزاینده و مستمر برای انجام اعمال نیک به همراه امید به آینده روشن و حاکمیت تفکر الهی بر سراسر زندگی بشر از ارکان انتظار است و از آنجا که انتظار فرج را بهترین اعمال دانسته‌اند، معلوم می‌شود که انتظار یک عمل است، نه بی‌عملی؛ از این رو انتظار حرکت است، نه سکون و رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله با نگاهی واقع‌بینانه به طول تاریخ حوادث بشریت و نقش سنت‌های الهی^۱ در آن معتقد است اگرچه جهان و اوضاع آن در مسیر هواوهوس و آرزوهای زورمندان و طبقه حاکمه علیه ضعیفان و زیردستان است و اگرچه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی و محروم از حداقل زندگی یک انسان باشند، با این حال تاریخ بر مبنای سنت‌های الهی و وعده خدایی سرانجام به نقطه‌ای می‌رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است و به سویی می‌رود که تمام رنگ‌ها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسان‌ها فقط بر اساس تقوا باشد (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، ص ۵۷).

وی با برشمردن انتظار به‌عنوان عامل پایداری در برابر رهبری‌های فاسد تصریح می‌کند که یگانه یا مهم‌ترین عاملی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی شجاع و دلیر کرد، وعده‌های قرآن و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است؛ اسلام عالم‌گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز در خواهد آمد. این وعده‌ها که واقعیت آن را حقایق مسلم دینی و تاریخ صددرصد ثابت کرده است، همواره به مسلمانان نوید می‌داد که روزگار اسلام به پایان نمی‌رسد و باید در انتظار آینده بود و عقب‌نشینی نکرد؛ از مرزها و سنگرها حمایت و حافظت کرد تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد. همین نگاه بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز و بالأخره استعمار قرن اخیر، پایدار و شکستناک داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۴۸-۵۰).

بر اساس گام‌های سه‌گانه گفته‌شده، انتظار فرج آن‌گاه معنا می‌یابد که مؤمن وضعیت دنیای واقعی را عقده و گره در زندگی بشر بشناسد. نظم بشری غیر عادلانه‌ای

۱. همانند داستان استعلا و گردن‌کشی فرعون در سوره قصص و سنت الهی در این زمینه و با داستان خطبه حضرت زینب رضی‌الله‌عنها در کاخ یزید (نک: صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۶۳-۶۴).

که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند و دل‌های بی‌شماری گمراه می‌گردند و انسان‌های بسیاری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد قبول منتظر ظهور نیست. او وضعیتی را که بر اثر جهالت انسان‌ها و اغراض بشر بر جهان حاکم شده رد می‌کند و با اعتماد و اطمینان به آمدن عدالت گسترتری که این فضا را دگرگون کند، شکسته شدن غلبه ظلم و جور و حاکمیت عدالت را انتظار می‌کشد. این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا تحقق پیدا خواهد کرد و این نیاز همیشگی انسان زنده و آگاه است و می‌طلبد تا برای آن شرایط مجاهدت شود؛ نتیجه چنین نگاهی امید به آینده روشن و حرکت با شوق و امید است.

نبود هر یک از ارکان سه‌گانه انتظار مطلوب، آن را به حالت نادرست و نامطلوب سوق می‌دهد؛ از این رو انتظار مطلوب با نشستن، دست به کاری نزدن، هیچ اصلاحی را و جهت همت خود نکردن و فقط دل خوش کردن سازگار نیست. انتظار فرج لزوماً به ظهور امام عصر عجل الله فرجه منتهی نمی‌شود، بلکه راهبردی کلان برای خروج از بن‌بست‌ها و مشکلات عصر غیبت است؛ از این رو در روایات آمده است: «اَنْتَظَرُ الْفَرَجِ مِنْ اَعْظَمِ الْفَرَجِ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۰). بر همین اساس می‌توان انتظار را مقوله‌ای دارای مراتب و مشکک دانست که با تلقی و رفتار فردی آغاز می‌شود و پس از تکثیر و جمعی شدن و تحقق گام‌های پیش‌گفته، زمینه فراگیری و گسترش جغرافیایی و سپس جهانی شدن بستر تحقق حکومت جهانی مهدوی را فراهم می‌سازد.

آیت‌الله صافی رحمه الله باور دارد اگر چه دنیای مادی امروز از اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت دور شده و طغیان و ظلم و بیدادگری با جلوه‌های نو در جهان رایج شده و هر چند الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات و بشردوستی در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار برده می‌شوند، اما این توحش تا هر کجا برود، چون خلاف خواست‌های واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی‌شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه‌کن خواهد شد؛ چراکه این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، جهل، شرک و فسادانگیز پایدار نگاه

می‌دارد و بر امید و مقاومت‌ها می‌افزاید و شور و نشاط در انجام وظایف ایجاد می‌کند (صافی، ۱۳۹۲ «الف»، صص ۷۰-۸۰).

نتیجه‌گیری

از نگاه آیت‌الله صافی رحمته‌الله:

۱. فلسفه انتظار در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز موجودیت آنان بوده است.
۲. انتظار مصلح آخرالزمان، علاوه بر ریشه‌های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی‌ترین فلسفه اجتماعی است.
۳. انتظار به مفهوم ضعف و مسامحه در انجام وظایف تعریف نمی‌شود و بهانه‌طلبی برای ترک مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد.
۴. حرکت و انتظار در کنار یکدیگرند و سکوت، بی‌تفاوتی و تسلیم‌شدن در برابر وضع موجود و ناامیدی را نمی‌توان با آموزه انتظار توجیه کرد.
۵. انتظار یکی از پایه‌های مهم و زنده مبارزه علیه فساد در جامعه اسلام بوده و این آموزه سرچشمه مقاومت و منبع تحرک و مبارزه اهل حق با اهل باطل می‌باشد.
۶. عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطمات پرورش داد و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.
۷. فلسفه غیبت حجت الهی را می‌توان در شکل‌گیری این مقاومت، حرکت و تربیت در سطح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادها جستجو کرد.

کتابنامه

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. آصفی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). انتظار پویا (مترجم: تقی متقی). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
۲. ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال. (۱۴۲۰ق). الزهد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری (ج ۱۱). قاهره: وزارة الاوقاف.
۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۳۵ق). المستدرک علی الصحیحین (ج ۸). بیروت: دار التناصیل.
۵. رحیم پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۷). مهدی ده انقلاب در یک انقلاب. تهران: سروش.
۶. سبحانی نیا، محمد. (۱۳۹۶). مهدویت و آرامش روان. قم: انتشارات کتاب جمکران.
۷. شاکر، محمد تقی. (۱۴۰۱ق). انتظار فرج. قم: زمزم هدایت.
۸. شاهرخی، حامد؛ عباسی، ابراهیم. (۱۳۹۹). نظریه انتظار. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (ج ۷). بیروت: عالم الکتاب.
۱۰. صافی، لطف الله. (۱۳۹۰). پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۱. صافی، لطف الله. (۱۳۹۲ «الف»). انتظار عامل مقاومت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۲. صافی، لطف الله. (۱۳۹۲ «ب»). به سوی دولت کریمه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.

۱۳. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج «د»). گفتمان مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۴. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج «د»). نظام امامت و رهبری. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۵. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). اصالت مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة (ج ۱، ۲). تهران: اسلامیه.
۱۷. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۱۵ق). المعجم الاوسط (ج ۶، ۹). قاهره: دارالحرمین.
۱۸. طبسی، نجم‌الدین. (۱۳۸۹/۷/۱۷). برگرفته از سایت مدرسه فقاهت به آدرس:
 B2n.ir/s38928
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی (ج ۲). تهران: المطبعة العلمیه.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۶). قم: الهادی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مبارکفوری أبو العلاء، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم. (بی تا). تحفة الأhoodی بشرح جامع الترمذی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۳. مروزی، أبی عبد الله نعیم بن حماد. (۱۴۱۴ق). کتاب الفتن (ج ۱). بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری (ج ۹). تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار (ج ۱۸). تهران: صدرا.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغیبة. تهران: صدوق.
۲۷. هلالی، سلیم بن سلیم. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس هلالی (ج ۲). قم: الهادی.

References

* The Holy Quran

1. Ahmad bin Hanbal (1420 AH). *Al-Zuhd*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
2. Asefi, M. M. (1389 AP). *Dynamic Waiting* (T. Motaqi, Trans.). Qom: Hazrat Mahdi Mououd Cultural Foundation. [In Persian]
3. Ayashi, M. (1380 AP). *Tafsir Al-Ayashi* (Vol. 2). Tehran: Al-Matb'ah Al-Ilmiya. [In Persian]
4. Bukhari, M. (1410 AP). *Sahih al-Bukhari* (Vol. 11). Cairo: Wizarah al-Awqaf. [In Persian]
5. Farahidi, K. (1409 AH). *Kitab Al-Ain* (Vol. 6). Qom: Al-Hadi. [In Persian]
6. Hakem Neishaburi, M. (1435 AH). *Al-Mustadrak ala al-Sahihayn* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Taseel. [In Arabic]
7. Helali, S. (1405 AH). *Kitab Salim bin Qais Helali* (Vol. 2). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
8. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 8). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
9. Marwazi, A. (1414 AH). *Kitab al-Fitan* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr le Tab'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
10. Motahari, M. (1378 AP). *Professor Motahari's notes* (Vol. 9). Tehran: Sadra. [In Persian]
11. Motahari, M. (1389 AP). *Collection of works* (Vol. 18). Tehran: Sadra. [In Persian]
12. Mubarakfoury Abu Al-Ala, M. (n.d.). *Tuhfah al-Ahuzi be Sharh Jame al-Tirmidhi*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
13. Nu'mani, M. (1397 AP). *Al-Ghaibah*. Tehran, Sadouq. [In Persian]
14. Rahimpour Azghadi. (1397 AP). *Hassan, Mahdi, ten revolutions in one revolution*. Tehran: Soroush. [In Persian]
15. Sadouq, M. (1395 AP). *Kamal al-Din va Tamam Al-Na'amah* (Vols. 1, 2). Tehran: Islamiah. [In Persian]

16. Safi, L. (1393 AP). *Originality of Mahdavit*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
17. Safi, L. (1390 AP). *Answers to ten questions about the Imamate, characteristics and attributes of Hazrat Mahdi*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
18. Safi, L. (1392 AP). *Mahdavit Discourse*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
19. Safi, L. (1392 AP). *System of Imamate and Leadership*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Safi, L. (1392 AP). *Towards Karimeh government*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
21. Safi, L. (1392 AP). *Waiting for the resistance factor*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
22. Sahib bin Ibad, I. (1414 AH). *Al-Muhit fi al-Lugha* (Vol. 7). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
23. Shahrokhi, H., & Abbasi, E. (1399 AP). *Theory of Waiting*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
24. Shaker, M. T. (1401 AP). *Waiting for Faraj*. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian]
25. Sobhaninia, M. (1396 AP). *Mahdism and mental peace*. Qom: Jamkaran Book Publications. [In Persian]
26. Tabarani, S. (1415 AP). *Al-Mu'jam al-Awsat* (Vols. 6, 9). Cairo: Dar al-Haramain.
27. Tabasi, N. (1389/7/17 AP). From: B2n.ir/s38928. [In Persian]



Research Article

An Examination of the Content of *Muntakhab al-Athar* and Its Place in Contemporary Mahdiyyism Studies

Khodamorad Salimian¹

Received: 21/08/2023

Accepted: 08/10/2023

Abstract

A content analysis of the book "*Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar*" written by Ayatollah Lotfollah Safi Golpayegani can introduce an outstanding work in this field to those interested in Mahdiyyism. This book, in various editions, has narrated different numbers of Mahdiyyism narratives. In the one-volume edition of 830 narratives, the three-volume edition of 1287 narratives with Persian translation and the six-volume edition of 1301 narratives have been narrated from about three hundred Sunni and Shiite sources in Mahdiyyism. The present article aims to answer this basic question, what is the most prominent feature of this work, which has led to serious attention in Mahdiyyism studies in the past seven decades? The finding suggests that this work has played a prominent role in Mahdiyyism studies after it, due to the inclusion of narratives in most Mahdiyyism topics with a new arrangement and relevant analyses. The hadiths of this book are arranged in ten chapters in various topics. What makes this work stand out from other hadith books is the significant number of analyses that the author has expressed in the footnotes about some hadiths. In this book, instead of repeating each hadith in each chapter, at the end of each chapter, the hadith that was mentioned before is referred to by citing its position and number.

Keywords

Lotfollah Safi Golpayegani, *Muntakhab al-Athar*, Mahdiyyism, The Twelfth Imam of Shia Muslim, Mahdiyyism studies.

1. Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. kh.salimian@isca.ac.ir.

* Salimian, K. (1402 AP). An Examination of the Content of *Muntakhab al-Athar* and Its Place in Contemporary Mahdiyyism Studies. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 132-156.

Doi: 10.22081/JM.2023.67188.1079.



جامعه‌شناسی

EISSN: ۲۷۱۷-۳۱۱۹
ISSN: ۲۷۱۷-۳۱۰۰

دوفصلنامه علمی - ترویجی
سال چهارم • شماره یکم • بهار و تابستان ۱۴۰۲ • شماره پیاپی ۷

مقاله علمی - ترویجی

بررسی محتوایی منتخب الأثر و جایگاه آن در مهدویت‌نگاری معاصر

خداامراد سلیمیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰



چکیده

بررسی محتوایی منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام نوشته آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله می‌تواند علاقه‌مندان به آموزه مهدویت را با اثری برجسته در این زمینه آشنا سازد. این کتاب در چاپ‌های گوناگون، شمار متفاوتی از روایات مهدویت را نقل کرده است. در چاپ یک‌جلدی ۸۳۰ روایت، دوره ۳ جلدی ۱۲۸۷ روایت و فارسی شده است و دوره ۶ جلدی ۱۳۰۱ روایت از حدود سیصد منبع سنی و شیعه در مهدویت نقل شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش بنیادین است که برجسته‌ترین ویژگی این اثر که سبب شده در هفت دهه گذشته در مهدویت‌نگاری مورد توجه جدی قرار گیرد چیست؟ نتیجه به‌دست آمده این است که این اثر به دلیل فراگیری نقل روایات در بیشتر مباحث مهدوی با چینی نوین و تحلیل‌های درخور، نقش برجسته‌ای در مهدویت‌نگاری پس از خود داشته است. احادیث این کتاب در ده فصل در مباحث گوناگون سامان یافته است. آنچه که این اثر را از کتاب‌های حدیثی دیگر برجسته ساخته، شمار قابل توجهی از تحلیل‌هایی است که نویسندگان در پانوشته درباره برخی روایات بیان کرده است. در این کتاب به جای آوردن دوباره هر حدیث در هر باب، در آخر هر باب به حدیثی که پیش از آن ذکر شده با یادکرد از جایگاه و شماره اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها

لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله، منتخب الأثر، مهدویت، امام دوازدهم، مهدویت‌نگاری.

kh.salimian@isca.ac.ir

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* سلیمیان، خداامراد. (۱۴۰۲). بررسی محتوایی منتخب الأثر و جایگاه آن در مهدویت‌نگاری معاصر. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۱۳۲-۱۵۶.

Doi: 10.22081/JM.2023.67188.1079.

مقدمه

درباره مهدویت در عصرها و قرن‌های گذشته، آثار گران‌سنگ پرشماری به قلم دانشمندان بزرگ شیعه نگاشته شده است. از سه کتاب الغیبه نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق و کتاب الغیبه شیخ طوسی تا نگاشته‌های دیگر پس از آن، هریک با ویژگی‌های خاص خود، نقشی برجسته در معارف مهدوی ایفا کرده‌اند.

در این میان یکی از برجسته‌ترین منابع روایی معاصر که حدود هفتاد سال نقش ویژه‌ای در مباحث مهدویت و مهدویت‌نگاری داشته، کتاب گران‌سنگ منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام نوشته آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه است. این نوشته افزون بر اینکه کتابی اطمینان‌بخش برای نقل روایات مهدویت می‌باشد، منبعی ارزشمند برای برخی از تحلیل‌ها و بحث‌های روایی مهدویت و مهدویت‌نگاری‌های پس از خود به شمار می‌آید. نگارنده اثر با توانمندی علمی بالا و با روشی مناسب به گزینش روایات از منابع فریقین مبادرت کرده و آن را به سبکی قابل استفاده برای همگان به‌ویژه اندیشوران سامان داده است.

نظر به توانمندی علمی آیت‌الله صافی رحمته الله علیه که زمان قابل توجهی عضو شورای استفتای آیت‌الله بروجردی رحمته الله علیه بود، پاسخ‌گویی به پرسش‌های برجسته و ویژه از فقه و کلام شیعی و نیز نگارش کتاب ارزشمندی درباره مهدویت که منتخب الأثر نام گرفت، به ایشان سپرده شد.

از ایشان افزون بر کتاب منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام دست کم هشتاد اثر فارسی و عربی در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی (فقه، کلام، سیره‌پژوهی، حدیث، علوم قرآنی، امام‌شناسی، نهج البلاغه و ...) به زیور چاپ آراسته شده است.

آثار وی در عین ژرفای علمی و معرفتی، با بیانی ساده و قابل فهم برای همگان به نگارش درآمده است که استقبال فراگیر در کنار بهره‌های وافر اهل دانش درده‌های گذشته، خود گویای این واقعیت است.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا به روش توصیفی-تحلیلی این اثر ارزشمند جهت بهره‌مندی هرچه افزون‌تر برای دوستداران بازنمایی شود.

۱. روش‌شناسی نگارش کتاب

در این کتاب نویسنده به قصد گردآوری روایات مربوط به امام عصر علیه السلام، روایات پرشماری دربارهٔ بشارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین علیهم السلام به آمدن منجی آخر الزمان که از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است را با دقت گزینش و گردآوری کرده که نتیجهٔ این تلاش و کوشش و اشراف گسترده بر منابع روایی شیعی و سنی، دستاوردی ارزنده برای مهدوی‌پژوهی در پی داشته است.

اگرچه ایشان در میان نقل روایات دیدگاه یا سخنی از خود نیاورده، اما به مناسبت شماری از روایات، در پانوشت و پایان هر باب تحلیل‌های ارزشمندی را ارائه کرده است.

روش نگارنده در نقل احادیث این گونه است که پس از گزینش روایت از منابع فریقین بر پایهٔ مبانی اعتبارسنجی خود، هر روایت را به گونه‌ای کامل با ذکر سلسله اسناد و ذکر منبع در سرآغاز روایت آورده است. روایات هر باب، هر کدام جداگانه شماره‌گذاری شده که می‌توان به آسانی همهٔ روایات کتاب را شمارش کرد.

گزینش زیرکانهٔ روایات از منابع فریقین در بیشتر مباحث بنیادین مهدویت و نیز فراوانی نقل روایات در این کتاب‌ها، نکتهٔ برجستهٔ این اثر روایی است که به روشنی در گستردگی روایات در هر باب می‌توان آن را کشف کرد.

از دیگر برجستگی‌های این کتاب که آن را بر دیگر مهدویت‌نگاری‌ها ممتاز ساخته این است که نویسنده هنگام نقل هر حدیث فرازهای گوناگون آن را بررسی کرده؛ سپس یکی از آنها را که گویاتر، رساتر و برجسته‌تر دانسته برگزیده و متن حدیث را به طور کامل در بابتی که پیوند بیشتری با محتوای آن فراز حدیث دارد نگاشته است و سند، متن و منبع آن را در آنجا یاد کرده است؛ آن‌گاه فرازهای دیگر هر حدیث را با باب‌های صدگانهٔ کتاب منظور کرده و در پایان هر بابی یادآور شده که در فلان فصل و در فلان باب نیز بر این موضوع دلالت می‌کند. این شیوه سبب شده کتاب از آسیب تقطیع حدیث در امان بماند و صفحه‌های کتاب نیز افزایش نیابد.

البته بررسی مبانی رجالی آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در گزینش روایات مهدوی

سخن بسیار می‌طلبد و نیازمند نوشته‌ای جداگانه است و در حوصله این نوشتار نیست. ناگفته نماند گزارش همه این فرازها در همه کتاب افزون بر شش هزار شده است و این خود سبب شده تا کسانی به خطا با این شمارش، شمار احادیث مهدویت را بیش از شش هزار بپندارند (صدر، ۱۳۷۹، صص ۹۶، ۴۳؛ رضوی، ۱۳۸۴، ص ۳۸؛ هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۶۹؛ نک: اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

۲. محتوای‌شناسی داده‌های روایی کتاب

در کتاب‌شناسی بیشتر به آخرین نسخه ویرایش شده استناد می‌شود، اما از آنجایی که هر چاپ این کتاب ویژگی‌های خاص خود را دارد، مناسب است تا به هر سه چاپ این کتاب به صورت گذرا اشاره شود.

با توجه به اینکه کتاب نخست در یک جلد، سپس در سه جلد و سرانجام با ترجمه فارسی و افزودن برخی مطالب در شش جلد منتشر شده، هر سه چاپ کتاب محتوای‌شناسی می‌شود:

۱-۲. یک جلدی

این چاپ از کتاب که شمار روایات آن حدود ۸۳۰ حدیث است، در ۱۰ فصل، ۱۰۰ باب و ۶۶۱ صفحه سامان یافته است که هر فصل از آن ممکن است دارای چندین باب در موضوعات گوناگون باشد.

فصل نخست این اثر دربردارنده ۸ باب و ۲۴۳ حدیث است و به ۶۶۳ فراز از فرازهای دیگر احادیث ارجاع داده است که به روشنی شمار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را دوازده نفر بیان و تصریح کرده است امامان معصوم علیهم‌السلام به شمار نقبای بنی‌اسرائیل دوازده تن بودند که نخستین آنان امیرمؤمنان علیه‌السلام و پایان‌بخش آنها حضرت مهدی علیه‌السلام است.

فصل دوم در ۴۹ باب و نقل ۲۵۲ حدیث و ارجاع به ۴۰۷۶ فراز از فرازهای یادشده در دیگر فصل‌ها، به مباحثی چون نوید به قیام آخرین مصلح غیبی از اهل بیت پیامبر

اکرم علیه السلام، ذریه فاطمه زهرا علیها السلام، نسل امیرمؤمنان علیه السلام، فرزندان امام حسین علیه السلام و فرزند امام عسکری علیه السلام پرداخته است.

فصل سوم کتاب در ۳ باب و با نقل ۳۴ حدیث تنظیم شده و به ۱۰۸ حدیث از باب‌های دیگر ارجاع شده است. در باب نخست این فصل درباره چگونگی ولادت امام زمان علیه السلام، زمان آن و ویژگی‌های مادر آن حضرت روایت‌هایی نقل شده است؛ در باب دوم به کرامت‌های امام علیه السلام در زمان پدرشان اشاره شده است؛ باب سوم نیز به معرفی کسانی که آن حضرت را در زمان پدر بزرگوارشان دیده‌اند اختصاص یافته است.

فصل چهارم نیز در ۳ باب سامان یافته که در آن ۵۳ حدیث نقل و به ۲۱ حدیث دیگر ارجاع شده است. حدیث‌های این ابواب درباره غیبت صغرا، کرامت‌های آن حضرت در دوران غیبت صغرا، زندگانی نائبان خاص و دیدارکنندگان آن حضرت در این دوران می‌باشد.

فصل پنجم دارای ۲ باب است که در آن دو ۱۶ حدیث نقل و به ۹ حدیث دیگر ارجاع شده است. مضمون این حدیث‌ها بیشتر درباره کرامت‌های آن حضرت در غیبت کبرا و نیز معرفی کسانی که در این دوره با امام علیه السلام دیدار کرده‌اند می‌باشد.

فصل ششم در ۱۱ باب با نقل ۱۲۸ حدیث تدوین شده و به ۹۲ حدیث دیگر ارجاع شده است. در مجموع محتوای این ۱۱ باب در موضوعاتی چون چگونگی ظهور، نشانه‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور و به طور ویژه خروج سفیانی، خروج دجال، سال و مکان ظهور و چگونگی بیعت مردم با امام علیه السلام سامان یافته است.

فصل هفتم ۳۷ حدیث را در ۱۲ باب تنظیم کرده و به ۲۰۹ حدیث ارجاع داده است و به موضوعاتی مانند پیروزی‌ها، آشکارشدن گنج‌های زیرزمین، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، کشتن دجال، پیکار با سفیانی، تکامل عقل‌ها، آبادانی جهان و پرشدن زمین با عدل و داد پرداخته است.

فصل هشتم با نقل ۹ حدیث در ۲ باب همراه با ۱۰ ارجاع به حدیث‌های دیگر شکل گرفته است. مباحث این فصل به طور عمده در بیان ویژگی‌ها و برجستگی‌های یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام است که ذیل دو عنوان برتری‌های یاران و سپس

توانایی و شجاعت یاران امام علیه السلام نگارش یافته است.

فصل نهم در ۳ باب تنظیم شده و به ۲۲ حدیث دیگر ارجاع داده است. مباحث این فصل به بازه زمانی حکومت، چگونگی زندگی شخصی و عملکرد امام علیه السلام، روش سیره، خوراک، پوشاک و شیوه زندگی آن حضرت و نیز برنامه حکومتی حضرت علیه السلام اشاره کرده است.

و سرانجام در فصل دهم با نقل ۵۱ روایت در ۷ باب و ارجاع به ۷۷ حدیث به انتظار فرج، وظایف شیعیان در دوران غیبت، فضیلت درک محضر امام علیه السلام، فضیلت پیروی و باورمندی به امام در دوران غیبت، حرام بودن انکار آن حضرت و شماری از دعاهای صادر شده از ناحیه مقدسه اشاره شده است.

لازم به ذکر می‌باشد که نویسنده در مقدمه و پاورقی‌ها، مطالب ارزشمند فراوانی نگاشته است؛ مانند:

نهادینه‌سازی باورداشت مهدویت شخصی: از تحلیل‌های بنیادین در مقوله مهدویت اثبات مهدویت شخصیه و نفی ادعای مهدویت نوعیه است که آیت‌الله صافی رحمته الله علیه به مناسبت‌های گوناگون بدان پرداخته است؛ مانند بحث اثبات عدم انطباق احادیث خلفای دوازده گانه جز بر پیشوایان معصوم علیهم السلام (صافی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۹، پانوش ۱) «اعلم ان هذه الاحادیث لاتنطبق الا علی مذهب الشیعه الامامیه...». البته این نهادینه‌سازی افزون بر نقل روایات و تحلیل مناسب با پاسخ به دیدگاه‌های معارض تقویت و تکمیل شده است که در ادامه خواهد آمد.

بهره‌مندی از اعترافات اهل سنت در اثبات مهدی موعود علیه السلام: افزون بر نقل شمار قابل توجهی از روایات اهل سنت در برخی تحلیل‌ها، گزارش‌های قابل توجهی از اهتمام آنها به مهدویت آورده و تحلیل شده است؛ مانند اثبات تواتر احادیث مهدویت به نقل از بزرگان اهل سنت همچون ابن ابی الحدید، ابوالحسین آبری، شوکانی، ابن حجر، ابن صبان، زینی دحلان، سویی، شبلنجی، برزنجی، گنجی شافعی و ... (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۴-۳۷، پانوش) یا نقل نام‌های بسیاری از بزرگان اهل سنت که احادیث حضرت مهدی علیه السلام را در کتاب‌های حدیث آورده‌اند (صافی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۸) و سرانجام

نقل اعترافات ۶۵ نفر از بزرگان اهل سنت بر وجود حضرت بقیة الله عجل الله فرجه و اینکه او فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۹۸-۴۲۷).

پاسخ به شبهات و پرسش‌های اساسی در آموزه مهدویت: در کنار نقل روایات که بیشتر جنبه اثباتی در مباحث مهدویت دارد، پاسخ به شبهات امری بایسته می‌نماید. این مهم به مناسبت نقل برخی روایات مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند:

۱. رد مهدویت نوعی و اثبات مهدویت شخصی (صافی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۱)؛
۲. نقد و رد دیدگاه کج‌اندیشانی چون ابن خلدون و احمد امین مصری (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۷-۳۸، پانوش)؛

۳. رازهای غیبت (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۳۰-۳۳۴)؛

۴. راز همانندی آن حضرت در عصر غیبت به خورشید پشت ابر (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۳۶-۳۳۷)؛

۵. رد استبعاد طول عمر (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۳۹-۳۵۰) «اعلم انه استبعد طول عمره بعض من العامه حتى عاب الشيعة على قولهم ببقائه عليه السلام و قال: ...»؛

۶. رازهای پنهان بودن ولادت (صافی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۳) «السر في خفاء ولادته هو ان بنی العباس لما علموا من الاخبار المرويه عن النبي والائمة من اهل البيت عليهم السلام ...»؛

۷. تحلیلی درباره نیابت خاص و نیابت عام (صافی، ۱۴۱۹ق، صص ۴۴۵-۴۴۷ و ۴۴۸-۴۸۷)؛

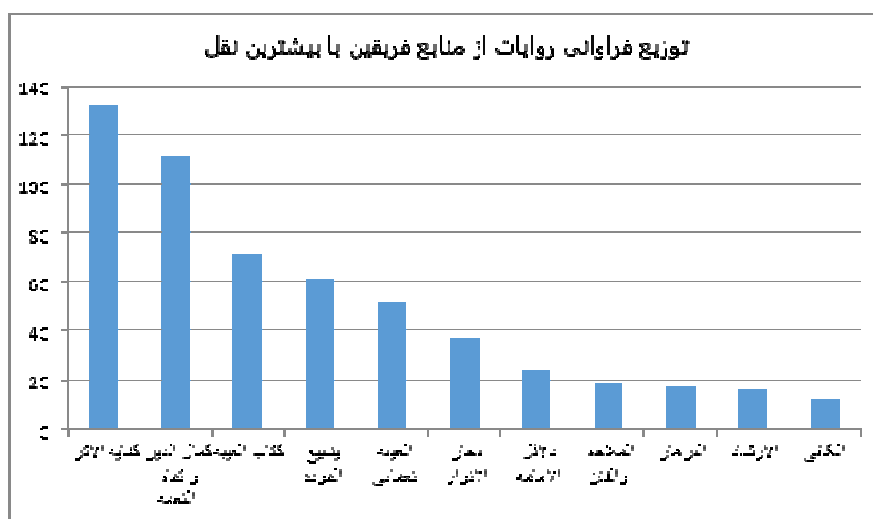
۸. نقد و رد نسبت افسانه سرداب به شیعیان (صافی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۶۱).

نکته دیگر اینکه توزیع فراوانی نقل روایات از منابع منتخب الأثر یک جلدی گوناگون است.

با توجه به عناوین یادشده و شمار نقل روایات ذیل هر عنوان به نظر می‌رسد مؤلف اهتمام ویژه‌ای به نقل روایاتی داشته که به نوعی ناظر بر پاسخ‌گویی برخی پرسش‌های بنیادین و نیز شبهات مطرح در مباحث مهدویت است؛ از جمله این عنوان‌ها رد مهدویت نوعیه، رد بعیددانستن طول عمر، رد افسانه سرداب و مانند آن می‌باشد.

از حدود ۱۶۸ منبع، در ۱۵۰ منبع کمتر از ۱۰ روایت نقل شده است که در اینجا به ده منبع با بالاترین شمار استفاده اشاره می‌شود: ۱. کفایة الاثر با ۱۳۲ روایت (حدود یک

ششم کل روایات کتاب؛ ۲. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق با ۱۱۱ روایت (حدود یک هشتم روایات کتاب)؛ ۳. کتاب الغیبه شیخ طوسی با ۷۱ روایت؛ ۴. ینابیع الموده قندوزی با ۶۱ روایت؛ ۵. الغیبه نعمانی با ۵۲ روایت؛ ۶. بحار الانوار مجلسی با ۳۷ روایت؛ ۷. دلائل الامامه طبری با ۲۴ روایت؛ ۸. الملاحم والفتن با ۱۸ روایت؛ ۹. البرهان با ۱۷ روایت؛ الارشاد شیخ مفید با ۱۶ روایت؛ ۱۰. الکافی کلینی با ۱۲ روایت.



نکته درخور تأمل اینکه از این ۸۳۰ حدیث برخی به طور مستقیم درباره امام مهدی علیه السلام است. شماری نیز اگرچه مربوط به حضرت است، ولی به صورت غیر مستقیم و با واسطه و اینکه کسانی شمارگان احادیث مهدویت را به استاد این کتاب ۶۰۰۰ روایت دانسته اند غیر قابل قبول است؛ به عنوان مثال روایات باب نخست گرچه مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است، اما درباره آن حضرت نیست و نیز روایاتی مانند خروج دجال؛ نزول حضرت عیسی علیه السلام و ... با این توضیح شمار روایات این اثر که به طور مستقیم مربوط به آن حضرت است کمتر از مجموع کل روایات کتاب خواهد بود.

پس از استقبال فراوان از کتاب یادشده نویسنده با افزوده‌هایی آن را در ۳ مجلد

نگارش و عرضه کرد که برجسته‌ترین تغییرات آن بدین قرارند:

- شمار روایات از ۸۳۰ روایت در یک جلدی به ۱۲۸۷ حدیث و دعا (بر اساس شماره‌گذاری کتاب) افزایش یافته است (صافی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۵۸).

- افزایش برخی از باب‌ها در این دوره.

- بهره‌گیری از منابعی معتبر افزون بر منابع یک جلدی؛ به گونه‌ای که شمار منابع از حدود ۱۶۸ منبع (۶۷ منبع عامه و ۱۰۱ منبع شیعی) به ۳۹۰ منبع افزایش یافته است.

- افزودن برخی تبیهاات و تحقیقات علمی درباره شماری از احادیث از نظر سند و لفظ و مضمون و نیز برخی جابه‌جایی‌های مطالب؛ به عنوان نمونه بحث مفصلی درباره انطباق روایات اثنی عشر خلیفه بر ادعای امامیه که در چاپ یک جلدی، در پاورقی و پس از ذکر ۱۴ روایت از منابع اهل سنت آورده شده (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۹، پاورقی)؛ در حالی که در دوره ۳ جلدی ذیل عنوان «المقام الثانی فی تعیین من تنطبق علیه الأحادیث و معرفة هؤلاء الاثنی عشر بأشخاصهم» در متن کتاب به صورت مفصل آورده شده است (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴).

- برخی از بحث‌های رجالی و طبقات حدیث در شماری از احادیث (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۷).

- و در آخر اینکه تقسیم در کتاب یک جلدی بر اساس فصل و زیرشاخه‌ها با عنوان باب تنظیم شده؛ در حالی که در دوره ۳ جلدی برعکس شده و در باب تنظیم و زیرشاخه‌ها فصل شده است.

۲-۲. دوره سه جلدی

این چاپ که با برخی افزوده‌ها نسبت به چاپ یک جلدی پیشین سامان یافت، نخستین بار در سال ۱۳۸۰ منتشر شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. در این دوره سه جلدی، نویسنده پس از مقدمه‌ای کوتاه بحث را با عنوان «أحادیث الخلفاء الاثنی عشر» آغاز کرده و مطالب کوتاهی را برای ورود به باب نخست کتاب آورده است؛ بایی که با عنوان «الأحادیث الناصّة علی الخلفاء الاثنی عشر بالعدد و بأنهم عدّة نقباء بنی

إسرائيل و حواری عیسی» نگاشته است. این باب ۸۴ صفحه را به خود اختصاص داده و ۱۴۸ روایت را در بر دارد. بخش قابل توجهی از روایات این باب از منابع روایی اهل سنت مانند مسند الطیالسی (۲ روایت)، الفتن (۲ روایت)، مسند أحمد (۱۴ روایت)، صحیح البخاری، صحیح مسلم (۶ روایت)، سنن أبی داود، سنن الترمذی، المعجم الكبير (۱۷ روایت)، المعجم الأوسط، الملاحم لابن المنادی، المستدرک علی الصحیحین، نهاية البداية و النهاية (۲ روایت)، المستدرک علی الصحیحین، تیسیر الوصول، ینابیع المودة، تاریخ الخلفاء، الجمع بین الصحیحین، فردوس الأخبار، کنز العمال، الملاحم ابن منادی، الغیبة نعمانی (۵ روایت)، کفایة الاثر خزاز قمی (۴۲ روایت)، کمال الدین و تمام النعمة (۱۲ روایت)، مقتضب الاثر (۴ روایت)، الابانة، المناقب (۷ روایت)، شرح غایة الأحکام، الکافی (۵ روایت)، المناقب، فرائد السمطین، دلائل الامامة، إثبات الرجعة، الغیبة شیخ طوسی (۲ روایت)، الخصال (۲ روایت)، إعلام الوری، الرد علی الزیدية (۲ روایت)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، الطرائف، بصائر الدرجات، من لا یحضره الفقیه، الهدایة، الإقبال، الکافی فی الفقه و تقرب المعارف (۱ روایت) نقل شده است.

در این باب از کتابهای کفایة الاثر خزاز قمی با ۴۲ حدیث، معجم الكبير طبرانی با ۱۷ روایت، مسند احمد با ۱۴ روایت و کمال الدین و تمام النعمة شیخ صدوق با ۱۲ حدیث به ترتیب بیشترین شمار روایات نقل شده است.

نویسنده در پایان این باب تحلیل مفصلی درباره روایات و موضوع آنها ارائه کرده است و در ادامه این بحث با عنوان «الباب الثانی الأحادیث الناصّة علی الاثنی عشر و المفسرة للأحادیث المخزجة فی الباب الأول» مباحث تکمیلی را مطرح و ۱۶۲ روایت دیگر را از منابع شیعه و اهل سنت مانند ینابیع المودة قندوزی (۴ روایت)، مقتضب الاثر جوهری (۷ روایت)، الإرشاد شیخ مفید، کتاب سلیم بن قیس هلالی (۴ روایت)، فرائد السمطین حمونبی (۶ روایت)، کمال الدین شیخ صدوق (۱۶ روایت)، الأمالی شیخ صدوق (۳ روایت)، مائة منقبة ابن شاذان القمی (۳ روایت)، الاختصاص شیخ مفید، الغیبة نعمانی (۲ روایت)، شرح غایة الأحکام الازهری، روض الجنان فی تفسیر القرآن ابوالفتح رازی، المناقب ابن شهر آشوب (۵ روایت)، کفایة الاثر خزاز قمی (۶۰ روایت)،

الأمالی شیخ مفید، المسائل الجارودية شیخ مفید، إثبات الهداة شیخ حر عاملی، الکافی کلینی (۴ روایت)، مقتل الحسین خواریزمی، الاختصاص شیخ مفید، الغيبة فضل بن شاذان، كشف اليقين، النکت الاعتقادية، الفضائل، الغيبة شیخ طوسی (۲ روایت)، الخصال شیخ صدوق، دلائل الإمامة طبری، تأویل الآيات الظاهرة، من لا یحضره الفقیه، عیون أخبار الرضا (۲ روایت)، کتاب الفضل بن شاذان (۴ روایت)، مصباح المتهجد شیخ طوسی (۷ روایت)، مهج الدعوات، جمال الاسبوع، الاقبال و الصراط المستقیم نقل کرده است. در این باب بیشترین شمار روایات از کتاب‌های کفایة الاثر با ۶۰ روایت و کمال الدین و تمام النعمه با ۱۶ روایت است؛ ضمن اینکه تمام منابع در این باب، غیر از دو کتاب، همه از منابع شیعی است.

نویسنده پس از این باب با عنوان «ملحق الباب الثاني من هم الخلفاء الاثنا عشر» در این باره که این دوازده نفر چه کسانی می‌باشند تحلیل‌هایی را ارائه کرده است. وی نخست در این بخش با عنوان «المقام الأول فی بیان أمور تستفاد من هذه الأحادیث» به توضیحاتی پرداخته است و با بهره‌گیری از برخی منابع لغت و از گمانی چون «الخلیفة» و «الإمام» و «الولی» را بررسی کرده است؛ سپس در مقام دوم با عنوان «المقام الثاني فی تعیین من تنطبق علیه الأحادیث و معرفة هؤلاء الاثني عشر بأشخاصهم» به بحث مفصلی درباره تطبیق ائمه اثنا عشر بر امامان شیعه پرداخته است (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴) و در ادامه به سخنانی اشاره کرده که این شمار را بر کسان دیگری منطبق کرده‌اند (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۹): نخست کسانی که این شمار را بر خلفای بنی‌امیه منطبق کرده‌اند (أحدھا: [أَنَّ قوله «اثنا عشر» إشارة إلى من بعد الصحابة من خلفاء بنی امیة]) (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۹)؛ دیگر کسانی که این شمار را مربوط به دوازده نفری دانسته‌اند که پس از مهدی خواهند آمد (ثانیها: أَنَّهُ بعد وفاة المهدي عليه السلام يملك اثنا عشر) (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۱)؛ سوم کسانی که مردم بر آنها اتفاق نظر پیدا کنند (ثالثها: [هذا فيمن اجتمع عليه الناس]) (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸)؛ چهارم دوازده نفری که تا قیامت خواهند آمد، اگرچه به هم پیوسته نباشند (الرابع: [هم الخلفاء إلى يوم القيامة و إن لم تتوال أيامهم]) (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۸۷)؛ پنجم دوازده نفر در یک زمان واحد ([الخامس وجود هذا العدد في زمان واحد]) (صافی،

۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ششم دوازده نفری که در امت پراکنده هستند و تا قیامت خواهند آمد
[السادس: أنَّهم يكونون مفرّقين في الأمة لا تقوم الساعة حتى يوجدوا] (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱،
ص ۲۹۰) و هفتم دوازده نفری که در خلفا، بنی امیه و بنی عباس بروز کرده اند [السابع: هم
المتفرقون في الخلفاء الراشدين و بنی امیه بنی العباس و...] (صافی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۱).

پس از این بحث که به صورت مفصل آمده جلد نخست با عنوان «تنبيه مهم» به پایان
می‌رسد. در این تنبیه به نقش کتاب و آثار و برکات آن اشاره شده است.

اما جلد دوم با باب سوم با عنوان «الباب الثالث فيما يدلّ علی ظهور المهدي و أسمائه
و أوصافه و خصائصه و شمائله و البشارة به ﷺ» شروع شده که مؤلف آن را در ۵۱
فصل سامان داده است (صافی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۹).

در این باب ۴۷۳ حدیث نقل شده است که سبب شده تا این باب از جهت شمارگان
روایت بیشترین حدیث را در خود گنجانده باشد و از جهت منبع نیز بیشترین منابع را به
خود اختصاص داده است. از آنجایی که نام بردن همه منابع این باب موجب طولانی شدن
نوشته خواهد شد، به ده منبعی که بیشترین روایت از آنها نقل شده اشاره می‌شود:

کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق (با نقل ۶۸ حدیث)؛ الفتن نعیم بن حماد (با
نقل ۱۱ حدیث)؛ الغیبه نعمانی (با نقل ۳۱ حدیث)؛ الکافی کلینی (با نقل ۲۴ حدیث)؛
الغیبه شیخ طوسی (با نقل ۱۹ حدیث)؛ نهج البلاغه (با نقل ۱۵ حدیث)؛ عقد الدرر (با
نقل ۱۴ حدیث)؛ دلائل الامامه طبری (با نقل ۱۱ حدیث)؛ امالی (با نقل ۱۰ حدیث)

پس از آن باب چهارم با عنوان «فی ولادة المهدي ﷺ و کیفیتها و تاریخها و بعض
حالات ائمه و اسمها و معجزاته» دربردارنده ۳۶ حدیث در مباحث مربوط به ولادت و مادر آن
حضرت است. روایات این باب از کتاب‌هایی مانند کتاب فضل بن شاذان (با نقل ۳ حدیث)؛
کمال الدین و تمام النعمه (با نقل ۱۸ حدیث)؛ غیبت فضل بن شاذان؛ تاریخ الائمه؛ کتاب
الغیبه شیخ طوسی (با نقل ۲ حدیث)؛ اثبات الوصیه و الکافی (با نقل ۸ حدیث) می‌باشد.

باب پنجم با عنوان «فی حالاته و معجزاته [و ذکر من تشرف بمقام السفارة] فی الغیبه
الصغری» با نقل ۶۰ حدیث سامان یافته است. این احادیث از کتاب کمال الدین و تمام
النعمه با نقل بیشترین حدیث (۲۳ حدیث)، کافی کلینی (با نقل ۸ حدیث)، کتاب الغیبه

شیخ طوسی (با نقل ۱۵ حدیث)، دلائل الامامه طبری (با نقل ۵ حدیث) و کتاب‌های هدایة الكبرى، مهج الدعوات، الخرائج والجرائح، فرج المهموم و رجال کشی هر کدام یک حدیث نقل شده است.

باب ششم که آخرین باب جلد دوم به شمار می‌آید، با عنوان «فی حالاته و معجزاته فی الغیبة الكبرى و ذکر بعض من تشرف بزیارته» با نقل ۱۹ حدیث و حکایت از کشف الغمه (با نقل ۲ حدیث)، جنه الوأوی (با نقل ۳ حکایت)، تنبیه الخواطر، السلطان المفرج، قبس المصباح، کشف الاستار، اثبات الهداه، الامامه والمهدویه (با نقل ۲ حکایت)، الانوار النعمانیة، بحار الانوار، الخرائج والجرائح، مهج الدعوات و دارالسلام دلائل فراهم شده است. نکته درخور توجه اینکه با توجه به عنوان باب جز مواردی اندک همه نقل‌ها حکایت ملاقات و از کتاب‌های غیر حدیثی است.

باب هفتم به عنوان نخستین باب جلد سوم با نام «فی علائم ظهوره و ما یکون قبله» نوشته شده است. در این باب با نقل ۲۱۹ حدیث بحث نشانه‌های ظهور را سامان داده است که از نظر شمار روایت دومین یا پُر روایت محسوب می‌شود که از منابع کنز العمال، سنن دانی، کفایة الاثر، الغیبة نعمانی، الفتن، عقد الدرر، قرب الاسناد، کمال الدین و تمام النعمة، العدد القویة، الملاحم والفتن، سنن ترمذی، سنن ابی داود، تاریخ ابن عساکر، سنن دارقطنی، معجم الاوسط، المصنف و صحیح مسلم بهره برده است.

همان‌گونه که دیده می‌شود شمار روایات نقل شده از منابع اهل سنت در این باب به نسبت دیگر باب‌های این کتاب چشمگیر است. این نکته را می‌توان در اهتمام شمار فراوانی از منابع اهل سنت به نقل روایات نشانه‌های ظهور تحلیل کرد.

باب هشتم این کتاب با عنوان «فیما یکون بعد خروجه» با نقل ۶۸ روایت به مباحث پس از خروج آن حضرت پرداخته است. این روایات از منابع عقد الدرر، تأویل الآیات الظاهرة، تفسیر عیاشی، الفتن، المستدرک، مجمع الزوائد، المصنف، الخصال، الغیبة نعمانی، کمال الدین و تمام النعمة، تفسیر عیاشی و ... که اغلب از منابع معتبر و شناخته‌شده فریقین است آورده شده است.

اما نهمین باب کتاب با عنوان «فی حالات أصحابه و أنصاره» با نقل ۸ حدیث به ویژگی‌ها

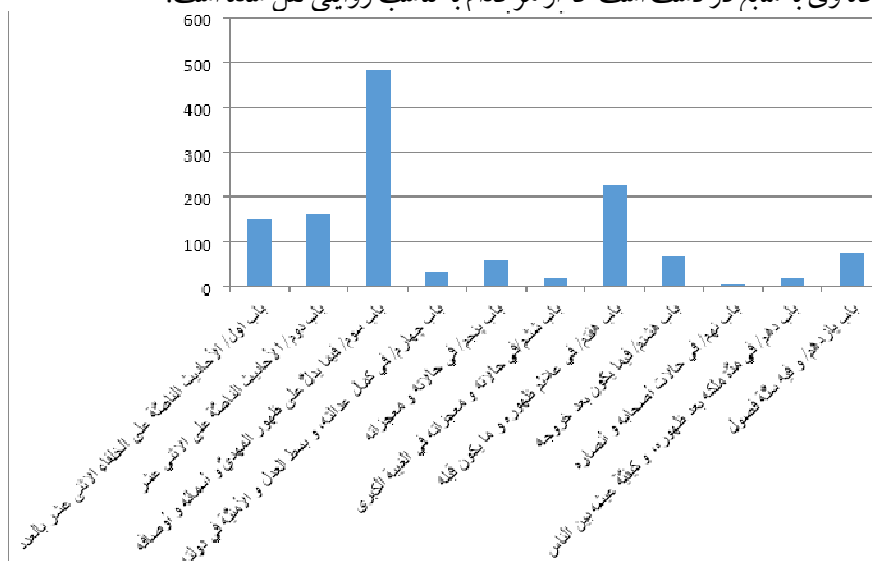
و حالات یاران و یاوران امام مهدی علیه السلام پرداخته است. این روایات به طور مشخص از امالی طوسی، کنز العمال، کتاب الغیبة طوسی، دلائل الامامة، تاریخ قم، الدرالمنتور، الفتن و دلائل الامامة است که اغلب از کتاب‌های معتبر فریقین به شمار می‌آید.

دهمین باب کتاب با عنوان «فی مدّة ملكه بعد ظهوره و كيفية عيشه بين الناس و ما يعمل به و يدعو إليه» در ۲۰ روایت به مباحث عصر حکومت حضرت پرداخته است. این روایات نیز از منابعی چون الفتن، الاحتجاج، جواهر العقدين، عقد الدرر، اعیان الشیعه، الغیبة نعمانی، الارشاد، الکافی و الفتوحات المکیه ذکر شده است.

سرانجام آخرین باب کتاب که در ۶ فصل با ۶۲ حدیث تنظیم شده، از آثاری چون الاحتجاج، الفتن، جواهر العقدين، عقد الدرر، اعیان الشیعه، الغیبة نعمانی، الارشاد، الکافی، دعوات راوندی، الفتوحات المکیه، فوائد الاخبار، کمال الدین صدوق، محاسن، الخصال، فوائد السمطین، مجمع البیان، الذریعه، الزام الناصب و الکلم الطیب بهره برده است.

نقل روایات از کتاب‌هایی مانند کافی کلینی، الغیبة نعمانی، محاسن برقی و خصال صدوق حکایت از اهتمام ویژه نویسندگان به نقل از آثار مشهور و معتبر دارد. به علاوه فراوانی بهره از منابع گسترده شیعه و اهل سنت ضمن اثبات نگاه جامع نویسندگان به همه مباحث مهدویت، گویای

نگاه وی به منابع در دست است که از هر کدام به تناسب روایتی نقل شده است.



۲-۳. دوره شش جلدی

کتاب منتخب الأثر در ارائه شش جلدی در واقع متن دوره سه جلدی همراه با ترجمه و برخی اضافات از مقاله و شماری ادعیه است. این ترجمه به قلم شیخ محسن احمدی و در سال ۱۳۹۳ در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. افزون بر ترجمه متون عربی دوره سه جلدی که برجسته‌ترین ویژگی این دوره است، مطالبی نیز در جلد ششم آورده شده است که فهرست آنها از این قرار است:

نخست بحثی پیرامون اختلاف روایات در مورد مدت حکومت امام زمان علیه السلام و مقدار بقای آن حضرت پس از ظهور انجام شده است. پس از آن بحثی پیرامون روایاتی که در مورد دجال وارد شده و در ادامه درباره زنده‌بودن حضرت عیسی علیه السلام و نزول آن حضرت از آسمان در آخرالزمان مطالبی آورده شده است. در ادامه بحث گسترده‌ای درباره ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام طرح شده که به‌طور عمده با عنوان «نقدهایی ظریف بر کتاب الأخبار الدخیلة» تحلیل شده است.

ایشان در تحلیل و نقد دیدگاه‌های کتاب الاخبار الدخیله حدیث‌ها و حکایت‌هایی را مانند حدیث سعدبن عبدالله اشعری قمی و تشریف او به محضر امام عصر علیه السلام به نقل از کمال الدین، احادیث سه‌گانه پیرامون تشریف پسر مهزیار به محضر امام عصر علیه السلام به نقل از کمال الدین، کتاب الغیبة شیخ طوسی و دلایل الامامة و نیز سه حدیث دیگر در مورد تشریف به محضر امام عصر علیه السلام از محمد بن زید بن مروان (یکی از مشایخ زیدیه) به نقل از کتاب الغیبة شیخ طوسی و در پایان دو حدیث که یکی در مورد تشریف به محضر امام عصر علیه السلام از احمد بن علی رازی به نقل از کتاب الغیبة شیخ طوسی و دیگری حدیث تشریف شیخ حسن عراقی به محضر امام عصر علیه السلام به نقل از کشف الاستار مرحوم محدث نوری نقل و تبیین کرده است.

درباره بحث محوری این جلد یعنی «نقد کتاب الاخبار الدخیله» لازم به ذکر است که آیت‌الله صافی رحمته الله نخست با اشاره به کتاب یادشده، از نویسنده آن به‌عنوان یکی از بزرگان و نویسندگان معاصر - که خدا عمر او را طولانی و گام‌هایش را استوار بدارد - یاد کرده است که کتابی به نام الأخبار الدخیلة (اخبار دستکاری‌شده) را منتشر کرده و

در آن روایاتی را که به گمان وی در آن‌ها خللی همچون تحریف یا جعل وجود داشته گردآوری کرده است. وی سپس دربارهٔ انگیزهٔ نقد آن اثر می‌افزاید: «این جانب هنگامی که در اخبار رسیده در باب مولایمان امام مهدی علیه السلام تجدید نظر می‌کردم توفیقی دست داد تا به کتاب ایشان و مطالبی که پیرامون برخی از این احادیث شریفه اظهار نموده مراجعه کنم، اما با کمال تعجب دیدم که نویسندهٔ این کتاب برخی از روایاتی را که شیخ صدوق در کتاب ارزشمند کمال الدین و شیخ طوسی در کتاب غیبت و بزرگان دیگر در کتاب‌هایشان ذکر کرده‌اند، جعلی دانسته و با پافشاری بر این ادعا بر ادله‌ای ضعیف و شواهدی سست اعتماد کرده است» (صافی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۶۷). ایشان در ادامه به طور مفصل برخی روایات این کتاب را بررسی و نقد کرده است.

تأکید بر نقش شخصیت‌های بزرگی چون شیخ صدوق و شیخ طوسی در اعتبار روایات را می‌توان نمودی از مبنای رجالی ایشان در باب اعتبار روایت مهدویت دانست.

نکتهٔ قابل توجه اینکه آیت‌الله صافی رحمته الله علیه در این بخش ناظر بر هر یک از بحث‌های مرحوم تستری، تحلیل‌های ارزنده‌ای را ارائه کرده است.

در مجموع می‌توان برخی از برجستگی‌های این کتاب را در هر سه چاپ این‌گونه برشمرد:

۱. پس از نقل احادیث و طبقه‌بندی آن‌ها توضیحی دربارهٔ هر دسته ارائه شده است؛ آن‌گاه حدیثی که گویاتر، رساتر و مهم‌تر تشخیص داده انتخاب و متن کامل آن نقل شده است. پس از آن سند و متن و منبع حدیث نیز ذکر شده است؛
۲. در پایان هر باب، احادیث مرتبط با باب در فصل‌های دیگر مشخص شده است؛
۳. کتاب در کل دارای بیش از ۶۲۰۰ عنوان است که این نشانگر جامعیت کم‌نظیر آن است؛
۴. فراوانی منابع حدیثی شیعه و اهل سنت استفاده‌شده در این اثر گویای گستردگی نگاه نویسنده به منابع در دست است؛

۵. بهره مستقیم نویسنده از منابع موردنظر و تطبیق نقل قول دیگران بر منبع اصلی و گاه تصحیح و تکمیل آن؛
۶. اشاره به عبارت‌های نسخه‌های گوناگون هنگام برخورد به اختلاف واژه‌های احادیث؛
۷. دیدن نسخه‌های خطی موجود افزون بر کتاب‌های چاپ‌شده؛
۸. توضیح عبارت‌های مشکل احادیث در مواردی که نیاز بوده است (در پاورقی)؛
۹. توضیحاتی درباره لغت‌ها، نکات ادبی، تفسیری و رجالی در پاورقی.
- با این ویژگی‌ها و مانند آن، این کتاب طی دهه‌های گذشته در شمار کتاب‌های مرجع در زمینه معارف مهدویت قرار گرفته و به‌عنوان یک منبع سترگ مورد استفاده پژوهشگران واقع شده است.

۳. شمارگان حدیث از هر یک از معصومان علیهم‌السلام

- بر اساس آنچه در آخرین جلد از دوره شش جلدی این اثر آمده، شمار احادیث هر یک از معصومان علیهم‌السلام در کتاب منتخب الأثر بدین قرار است:
- از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۳۶۵ حدیث نقل شده است. از این تعداد ۴ روایت را فاطمه زهرا علیها‌السلام از آن حضرت نقل کرده است؛
 - از امیرمؤمنان علیه‌السلام ۱۲۵ حدیث نقل شده است که تعداد ۲۴ حدیث از آن یا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده و یا شبیه سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛
 - از امام مجتبی علیه‌السلام ۸ روایت نقل شده است که ۳ روایت آن از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ۱ روایت از پدر بزرگوارشان است؛
 - از امام حسین علیه‌السلام ۱۹ روایت نقل شده که ۴ روایت آن به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛
 - از امام سجاد علیه‌السلام ۳۳ روایت نقل شده که ۷ حدیث آن به واسطه پدرانشان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است؛
 - از امام باقر علیه‌السلام ۱۴۱ روایت نقل شده است که شماری از آنها به واسطه پدرانشان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علیه‌السلام نقل شده است؛

- از امام صادق علیه السلام ۲۶۱ روایت نقل شده که شمار قابل توجهی از آنها از پدرانشان نقل شده است؛

- از امام کاظم علیه السلام ۱۲ روایت که یکی از آنها به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

- از امام رضا علیه السلام ۳۲ روایت که برخی از پیامبر صلی الله علیه و آله و یا امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است؛

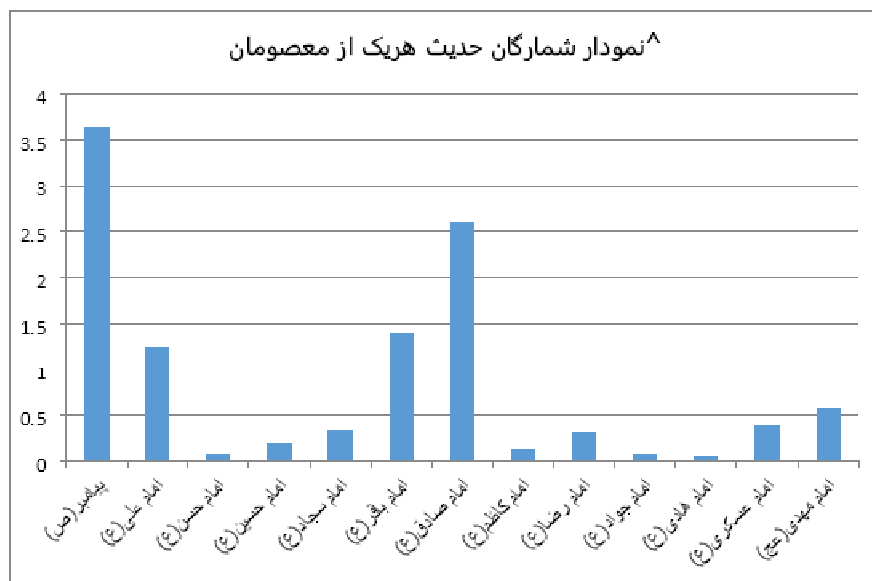
- از امام جواد علیه السلام ۸ روایت که ۲ روایت از حضرت علی علیه السلام و ۱ روایت آن از پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

- از امام هادی علیه السلام ۶ روایت که ۱ روایت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

- از امام عسکری علیه السلام ۳۹ روایت که ۲ روایت آن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است؛

- و سرانجام از امام مهدی علیه السلام ۵۸ حدیث، توفیق و دعا نقل شده است.

اگرچه در این شمارش بالاترین تعداد حدیث مربوط به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، اما با توجه به اینکه بیشتر فرمایشات آن حضرت در این احادیث مربوط به شمار امامان و بحث‌های مربوط است، بالاترین تعداد روایات مهدویت را می‌توان از آن امامین صادقین علیهم السلام دانست.



این کتاب افزون بر فارسی به زبان‌های اردو و انگلیسی نیز ترجمه شده است. ترجمه اردوی این کتاب با عنوان «جمال منتظر» توسط نثار احمد زین‌پوری ترجمه و به همت انتشارات امام المنتظر علیه السلام منتشر شده است. ترجمه انگلیسی این کتاب با عنوان «ترجمه انگلیسی منتخب الأثر» توسط شیب رضوی ترجمه و به همت انتشارات نبأ منتشر شده است.

۴. منتخب الأثر از نگاه اندیشوران

از آنجایی که ویژگی‌ها و برجستگی‌های اثر در اقبال بدان از سوی علاقه‌مندان و به ویژه اندیشوران و نخبگان نقشی کلیدی دارد، ستایش از این اثر را می‌توان حاکی از این برجستگی‌ها دانست؛ برجستگی‌هایی که نه فقط در خلاقیت‌های ظاهری، بلکه در تحلیل‌ها، روش رجالی در گزینش روایات، حل تعارض میان برخی روایات و بهره‌گیری از منابع گسترده و به نسبت معتبر می‌توان آنها را جستجو کرد.

در مروری کوتاه بر آثار منتشرشده در هفتاد سال گذشته می‌توان اذعان داشت که بسیاری از دانشمندان بزرگ جهان اسلام در آثار خود درباره کتاب منتخب الأثر سخن گفته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

– علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در موسوعه بزرگ خود به نام الذریعة پس از معرفی کتاب و مؤلف می‌نویسد: «این کتاب در ۱۰ فصل تنظیم شده؛ هر فصلی در چند باب و هر بابی شامل چند حدیث به نیکوترین ترتیب و زیباترین اسلوب از کتب عامه و خاصه به رشته تحریر درآمده است» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲۲، ص ۳۶۷).

– محمدجواد مغنیه در تفسیر کاشف پس از اشاره به اینکه کتابی درباره مهدویت به نام المهدی المنتظر و العقل نوشته و در آن احادیث فراوانی از طریق اهل تسنن و تشیع نقل کرده، از کتاب منتخب الأثر یاد کرده و می‌نویسد: «جامع‌ترین کتابی که در این موضوع خواندم کتاب منتخب الأثر فی الامام الاثنی عشر نوشته آقای لطف‌الله صافی است که در قطعی بزرگ چاپ شده و تعداد صفحاتش بیش از پانصد صفحه است. این کتاب بهترین منبع در این موضوع است» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

همچنین محمدجواد مغنیه در هفت جا از آثار خود از کتاب منتخب الأثر بهره برده است.

- استاد مرتضی مطهری نیز در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام فصلی را به معرفی کتاب منتخب الأثر اختصاص داده است و پس از ستایش از کتاب و مؤلف آن، ضمن اظهار خوشبختی از نگارش کتاب به زبان فارسی، مطالعه آن را به همگان توصیه کرده است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۱۶۹).

- حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی در این رابطه می فرماید: «ستایش این کتاب به علمای شیعه اختصاص ندارد، بلکه گروهی از علمای اهل سنت و بعضی از خاورشناسان نیز زبان به ستایش آن گشوده‌اند و این کتاب مرجع و منبع هر قلم به دستی است که بخواهد پیرامون حضرت ولی عصر علیه السلام مطلب بنویسد؛ زیرا مؤلف بزرگوار همه روایات مربوط به آن حضرت را یک جا گرد آورده و در تبویب و تنظیم آن حسن سلیقه به کار بسته است» (<https://saafi.com/news/98>).

۵. بازتاب روایات منتخب الأثر در مهدویت‌نگاری‌های پس از آن

بی‌گمان کتاب منتخب الأثر در کنار آثار گران‌سنگی از علمای پیشین چون الغیبه نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه صدوق، و کتاب الغیبه شیخ طوسی، از تأثیرگذارترین آثار در کتاب‌های پس از خود است.

این کتاب از اندک آثاری است که تأثیر شگرف و چشمگیری در نگارش‌های مهدوی پس از خود (اعم از نگاشته‌های پس از آن و یا کتاب‌های پیش از آن که پس از منتخب الأثر تحقیق و پژوهش شده‌اند) در بیش از نیم قرن گذشته در حوزه مهدویت داشت.

اهتمام ویژه نویسنده بر گزینش روایات همراه با برخی تحلیل‌ها سبب شده تا بسیاری از پژوهشگران با وجود دسترسی به آثار پیشینیان و منابع نخستین برای نقل روایات مهدویت همچنان ارجاع به این کتاب را نیز مد نظر قرار دهند و از این رو از این اثر ارجمند به نیکی یاد کنند.

بر پایه آنچه در نرم افزار مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری آمده، وی بیش از ده نوبت از کتاب منتخب الأثر استفاده کرده است. همچنین با مروری بر نرم افزار مجموعه آثار سید جعفر مرتضی عاملی، محقق و نویسنده برجسته معاصر، به دست می آید که وی در مجموع ۳۴ بار از کتاب منتخب الأثر در آثار خود بهره برده است و نیز بر اساس نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی، صاحب المیزان، ایشان در این کتاب دوازده نوبت به منتخب الأثر استاد کرده است.

در اینجا با بهره مندی از نرم افزار کتابخانه مهدویت محصول مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور به برخی از کتاب ها و شمار استناد روایات و بحث های خود به آن کتاب سترگ اشاره می شود:

- فرائد فوائد الفكر فی الإمام المهدی المنتظر علیه السلام اثر سامی غیری با حدود ۵۸ استناد؛
- مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم علیه السلام نوشته محمد تقی اصفهانی با حدود ۱۳۰ ارجاع؛
- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، اثر شیخ حر عاملی با ۱۰ استناد در تحقیق اثر؛
- حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام از هاشم بن سلیمان بحرانی با حدود ۲۰ استناد در پژوهش کتاب؛
- مهدی منتظر علیه السلام اثر محمد جواد خراسانی با حدود ۵۰ استناد؛
- تاریخ غیبت کبری نوشته سید محمد صدر با حدود ۲۹ استناد؛
- تاریخ الغیبة الصغری نوشته سید محمد صدر با حدود ۳۹ استناد؛
- تا ظهور اثر نجم الدین طوسی با حدود ۱۸ استناد؛
- حکومت جهانی مهدی علیه السلام نوشته ناصر مکارم شیرازی با ۱۲ استناد؛
- تاریخ عصر غیبت نوشته مسعود پورسید آقایی و دیگران با حدود ۳۰ استناد؛
- پرتویی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث اثر خیر الله مردانی با حدود ۴۴ استناد؛
- آینده جهان نوشته رحیم کارگر با حدود ۶۵ استناد؛
- بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت نوشته مهدی اکبرنژاد با حدود ۲۰ استناد؛

– چشم به راه مهدی علیه السلام نوشته گروهی از نویسندگان با حدود ۳۴ استناد؛
 – ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان نوشته اسدالله هاشمی شهیدی با حدود ۹۶ استناد و ده‌ها کتاب و صدها مقاله دیگر که ذکر همه آنها در حوصله این نوشتار نخواهد بود.
 البته فراوانی نقل روایت و استناد به کتاب لزوماً به معنای بیان جایگاه آن اثر نیست، اما اینکه با وجود برخی منابع اولیه در دسترس، استناد به این کتاب از سوی نویسندگان و محققان می‌تواند نشانه اهتمام آنان به این اثر روایی باشد قابل تأمل است.
 در پایان لازم به یادآوری است که یافته‌های این مقاله فرصتی را مهیا می‌کند تا پژوهشگران عرصه مهدویت هرچه بهتر و بیشتر از این اثر گران‌سنگ در ترویج معارف مهدوی بهره برده و ضمن نقل روایات با بهره‌گیری از تحلیل‌های این کتاب پاسخ‌هایی درخور به پرسش‌ها و شبهات فراهم کنند.

نتیجه‌گیری

در گذر اعصار و قرون اسلامی همواره پیشوایان معصوم علیهم السلام و بزرگان شیعه اهتمام ویژه‌ای به روایات مهدویت داشته و دارند. این اهتمام و جدیت سبب شده تا امروزه به پشتوانه این آثار و سخنان، پاسخگویی مناسبی در مبحث مهدویت به نیازهای علاقه‌مندان صورت بگیرد؛ میراث گران‌سنگی که گاهی به صورت کتاب ویژه مانند سه کتاب الغیبة نعمانی، کمال‌الدین صدوق و کتاب الغیبة شیخ طوسی و گاهی نیز در کنار دیگر روایات در موضوعات اسلامی در منابع عمومی نقل شده است.

یکی از این آثار کتاب منتخب الآثار است که به سفارش مرجع عالی‌قدر جهان تشیع آیت‌الله بروجردی علیه السلام نگاشته شد. این اثر به سبب ویژگی‌های برجسته نقش به‌سزایی در بیشتر آثار مهدوی پس از خود داشت و مورد تعظیم، تمجید و بهره‌برداری از بزرگان قرار گرفته است.

این کتاب که در سه دوره به اقتضای شرایط به سه نوع متفاوت در اختیار علاقه‌مندان

قرار گرفته، همچنان مورد استفاده عموم و فرهیختگان قرار دارد و البته نیازمند شناساندن بیشتر به علاقه‌مندان است.

از ویژگی‌های برجسته این کتاب نقل روایت برای عموم مباحث لازم، بهره‌گیری از منابع شناخته‌شده روایی فریقین، استفاده از برخی منابع غیرروایی به مناسبت برخی از بحث‌ها، ارجاع موضوعی بحث‌ها به فرازهای روایات مورد نظر و سرانجام تحلیل‌های علمی مناسب هر گروه از آیات و بحث‌ها به‌ویژه مباحث چالشی می‌باشد.

کتابنامه

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). الذریعه الى تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
۲. اکبر نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت. قم: بوستان کتاب قم.
۳. رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۶). دفاع از مهدویت. قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. رضوی، رسول. (۱۳۸۴). امام مهدی علیه السلام. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳). ترجمه منتخب الأثر (مترجم: محسن احمدی، ج ۶). تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۹ق). منتخب الأثر (یک جلدی). قم: مؤسسه السیده المعصومه علیها السلام.
۷. صافی الکلیپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۰). منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر علیه السلام (ج ۱، ۲) (۳ جلدی). قم: مکتبه آیه الله العظمی الصافی علیه السلام.
۸. صدر، محمد باقر. (۱۳۷۹). رهبری بر فراز قرون. تهران: موعود عصر علیه السلام.
۹. مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۰. مجموعه آثار سید جعفر مرتضی عاملی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱. مجموعه آثار علامه طباطبایی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۱۸). تهران: صدرا.
۱۳. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر کاشف (ج ۱). قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۴. هاشمی شهیدی، اسد الله. (۱۳۸۷). ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان. قم: مسجد جمکران.
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله صافی <https://saafi.com/news/98>

References

1. *A collection of works of Allameh Tabatabaei*. Islamic Sciences Computer Research Center.
2. *A collection of works of Professor Shahid Morteza Motahari*, Islamic Sciences Computer Research Center.
3. *A collection of works of Seyyed Jafar Morteza Ameli*, Islamic Sciences Computer Research Center.
4. Akbarnejad, M. (1388 AP). *A comparative study of Mahdiism in Shia and Sunni traditions*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
5. Hashemi Shahidi, A. (1387 AP). *The reappearance of Hazrat Mahdi from the perspective of Islam, religions and nations of the world*. Qom: Jamkaran Mosque. [In Persian]
6. Motahari, M. (1384 AP). *Collection of Shahid Motahari's works* (Vol. 18). Tehran: Sadra. [In Persian]
7. Mughniyeh, M. J. (1424 AH). *Tafsir Kashif* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
8. *Muhaddith Jazaeri software*, Islamic Sciences Computer Research Center.
9. Razavi, R. (1384 AP). *Imam Mahdi (AS)*, Qom: Management Center of Qom Seminary. [In Persian]
10. Rezvani, A. A. (1386 AP). *Defense of Mahdiism*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
11. Sadr, M. B. (1379 AP). *Leadership over the ages*, Sharare. Tehran: Mow'oud Asr. [In Persian]
12. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani al-Ashar* (Vol. 1, 2), 3 Vols. Qom: Ayatollah Al-Safi School. [In Persian]
13. Safi Golpayegani, L. (1393 AP), *Translation of Muntakhab al-Athar* (Vol. 6, M. Ahmadi, Trans.). Tehran: Munir Publishing Cultural Center. [In Persian]
14. Safi Golpayegani, L. (1419 AH), *Muntakhab al-Athar* (one volume). Qom: Al-Sayedeh Al-Masouma Institute. [In Arabic]
15. Tehrani, Aghabozorg, M. M. (1403 AH). *Al-Dhariyyah ila Tasanif al-Shia*. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]



Research Article

The Originality of the Belief in Mahdiism from the Viewpoint of Ayatollah Safi Golpayegani

Ghanbar Ali Samadi¹

Received: 16/05/2023

Accepted: 08/10/2023

Abstract

One of the important and key issues regarding Mahdiism is the originality of the belief in Mahdiism and the examination of its evidential principles. What is meant by the "originality of Mahdiism" is the validity and definitive proof of this Islamic and divine teaching based on intellectual, narrative, and historical reasons. Dealing with this issue is necessary because this discussion is considered the basis of many issues related to Mahdiism in Islamic thought. For this reason, the originality of Mahdiism has always been the concern of Islamic thinkers. Ayatollah Safi Golpayegani was one of the Mahdavi thinkers in the contemporary era who paid attention to this issue, wrote numerous scientific works about Mahdiism, and examined the religious, intellectual, Qur'anic and narrative dimensions of this area in detail. The present article examines this issue in a descriptive and analytical method. The findings of the study suggest that Ayatollah Safi Golpayegani has examined the originality of Mahdiism in the religious attitude from two general and special perspectives. He has stated preaching religions, alignment with the goal of religion and harmony with the traditions of history among the principles of the originality of Mahdiism in religious thought. In the specific Islamic attitude, he considered the adherence of Mahdism doctrine to the rational, Quranic, narrative and consensus of Muslims as one of the foundations of the originality of Mahdiism thought in Islam.

Keywords

Mahdiism, originality, beliefs, principles, religions, goals, Islamic thought, Safi.

1. Professor, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran. samadi313@gmail.com.

* Samadi, G. A. (1402 AP). The Originality of the Belief in Mahdiism from the Viewpoint of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 158-181. Doi: 10.22081/JM.2023.66489.1072.

مقاله علمی - ترویجی

اصالت باورداشت مهدویت از دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه!!

قنبرعلی صمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

چکیده

یکی از مسائل مهم و کلیدی در باب مهدویت، بحث پیرامون اصالت باور به مهدویت و بررسی مبانی اثباتی آن است. مراد از «اصالت مهدویت» اعتبار و اثبات قطعی این آموزه اسلامی و الهی بر پایه دلایل عقلی، نقلی و تاریخی است. پرداختن به این موضوع بدین جهت ضرورت دارد که این بحث مبنای بسیاری از مسائل مربوط به مهدویت در تفکر اسلامی شمرده می‌شود؛ به همین دلیل مسئله اصالت مهدویت همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. مرحوم آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه از جمله اندیشمندان مهدوی در دوران معاصر است که به این موضوع اهتمام ورزیده و آثار علمی متعددی پیرامون مهدویت به رشته تحریر در آورده و ابعاد دینی، عقلانی، قرآنی و روایی این بحث را با ژرف‌نگری خاصی مورد بررسی قرار داده است. مقاله حاضر باروش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه اصالت مهدویت در نگرش دینی را از دو منظر عام و خاص مورد تأمل قرار داده و بشارت‌های ادیان، همسویی با غایت دین و هماهنگی با سنت‌های تاریخ را از جمله مبانی اصالت مهدویت در تفکر دینی بیان کرده است و در حوزه نگرش خاص اسلامی نیز بناکردن آموزه مهدویت به مبانی عقلی، قرآنی، روایی و اجماع مسلمین را از بنیادهای اصالت اندیشه مهدویت در اسلام بر شمرده است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، اصالت، باورداشت، مبانی، ادیان، غایت، تفکر اسلامی، صافی گلپایگانی.

samadi313@gmail.com

۱. استاد همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قم، ایران.

* صمدی، قنبرعلی. (۱۴۰۲). اصالت باورداشت مهدویت از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۷)، صص ۱۵۸-۱۸۱.

Doi: 10.22081/JM.2023.66489.1072.



مقدمه

مهدویت یک آموزه اصیل اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. بررسی اصالت باورداشت مهدویت و جایگاه ویژه آن در تفکر اسلامی، نیازمند تأمل در مبانی عقلی، نقلی و تاریخی این آموزه دینی است. مرحوم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه از جمله مهدی پژوهان معاصری است که با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی خاصی به این موضوع پرداخته و ابعاد مختلف اصالت باور به مهدویت را از جهت معقول‌بودن و اتکا بر مبانی منطقی، موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت، ابتدا بر بشارت‌های دینی و نصوص قرآنی و حدیثی و نقش آن در برقراری عدالت مورد بررسی قرار داده است.

عنوان «مهدویت» در فرهنگ شیعی ناظر به مجموعه مسائل مربوط به حیات، ولادت، امامت، غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله از خاندان اهل بیت علیهم السلام است که هم‌اکنون از انظار عمومی غائب است و در آخرالزمان ظهور و جهان را پر از عدالت داد خواهد کرد.

آیت الله صافی رحمته الله علیه «مهدویت» را به معنای اعتقاد به ظهور آخرین منجی موعود الهی در اسلام دانسته و این مفهوم را تنها با مهدویت شخصی قابل استناد می‌داند؛ چراکه معتقد است مهدویت به مفهوم نوعیه، از هیچ‌یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام قابل استفاده نمی‌باشد. ایشان معتقد است کلمه «مهدی» به معنای هدایت شده، اگرچه به حسب مفهوم لغوی دارای معنای عام است و به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد اطلاق می‌شود، اما در کاربرد احادیث، «مهدی» یک عنوان و لقب خاصی است که بر شخص خاص با اوصاف و ویژگی‌های ویژه اطلاق شده و مقصود از آن شخص معین و فوق‌العاده عزیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور او بشارت داده است؛ مانند «المهدی من ولدی» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۰۹) یا «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۰۲) یا «المهدی من ولدک» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۷۸). بر اساس اخبار معتبر «مهدی» لقب همان موعود آخرالزمان است که حتی نسب و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است که آن جز بر امام دوازدهم فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بر هیچ کس قابل تطبیق نیست و لقب «مهدی»

اولین بار در مورد آن حضرت به کار رفته و این کار در زمان خود پیامبر ﷺ توسط شخص آن حضرت انجام گرفته است (صافی، ۱۳۸۷، صص ۱۰۰-۱۰۲)؛ بنابراین مبنای پیدایش این عقیده، بشارت‌ها و نصوص دینی در عصر رسالت بوده است و رویدادهای تاریخی پس از پیامبر ﷺ در پیدایش آن نقشی نداشته است.

نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین جایگاه مهدویت در اندیشه دینی و اسلامی پرداخته و با استناد به بشارت‌های ادیان الهی، بنیادهای عقلانی، شواهد قرآنی-حدیثی و اجماع امت اسلامی، مسئله اصالت باوردداشت مهدویت را از منظر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

۱. اصالت باوردداشت مهدویت در تفکر دینی

اعتقاد به مهدویت دارای ابعاد تاریخی، عقلی و نقلی است. آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه اصالت اندیشه مهدویت در تفکر دینی را از منظرهای مختلف مورد توجه قرار داده است که در اینجا به برخی موارد اشاره می‌شود.

۱-۱. باوردداشت مهدویت و بشارت‌های ادیان

اصل باور به مهدویت و منجی موعود یک آموزه فراگیر در میان همه پیروان ادیان الهی است و در تمامی آموزه‌های ادیان - به ویژه ادیان ابراهیمی - به این موضوع بشارت داده شده است. در این زمینه آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه معتقد است که اصالت مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان در بین ملت‌ها و امت‌های دیگر نیز مسلم و ثابت بوده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷). درباره اصل باور به منجی موعود و ظهور یک شخصیت روحانی برای اصلاح جهان و خاتمه دادن به ظلم و جنگ و فساد و خرابکاری و نجات ضعفا و مظلومین، دیگر ملت‌ها و معتقدین به ادیان معروف نیز با مسلمانان همراه و متفق‌اند و بشارت‌هایی که در کتاب‌هایشان به آن‌ها داده شده، به حضرت صاحب الزمان عجل‌الله‌فرجه منطبق می‌شود (صافی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). این موعود عزیز برحسب استوارترین و صحیح‌ترین مصادر اسلامی، خلیفه دوازدهم حضرت خاتم‌الانبیا محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دوازدهمین

رهبر و امام بعد از آن حضرت و هم‌نام و هم‌کنیه ایشان است.^۱ در کتاب‌های سایر ادیان مانند زند، جاماسب، شاکمونی، جوک، دید، باسک، پاتیکل، دادنگ، اصفنیا، اشعیا، مکاشفات یوحنا، دانیال، اناجیل اربعه و ... این بشارت‌ها با عبارات و مضامینی که همه اصالت عقیده مهدویت را تأیید و آن را یک اصل عام مورد قبول همه ملت‌ها، امت‌ها، انبیا و ادیان معرفی می‌کنند آمده است و به بعضی صفات و علایمی که در احادیث و بشارت‌های اسلامی برای این ظهور و صاحب آن حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری علیه السلام بیان شده اشاره یا صراحت دارند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹)؛ بنابراین از منظر دینی اصل باور به منجی موعود یک آموزه مشترک بین‌الادیانی است که همه ادیان الهی به پیروان خود عصر درخشان و پرخیر و برکتی را نوید داده‌اند؛ با این تفاوت که در اسلام مختصات آن نیز بیان شده است.

۲-۱. باورداشت مهدویت و غایت دین

هدف و غایت دین و ارسال کتاب‌های آسمانی، تعلیم، تربیت و تکامل جامعه انسانی در پرتو ایمان به خدا و تشکیل جامعه توحیدی است و در حقیقت غایت دین معطوف به غایت مندی خلقت انسان‌هاست. در آیات قرآن غایت خلقت انسان، کمال و تقرب الهی از رهگذر عبودیت بیان شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند» (ذاریات، ۵۶).

از آنجایی که غایت دین و تشکیل جامعه توحیدی در نظام نبوت و امامت قابل تحقق است و جلوه‌های کامل آموزه‌های تعالی‌بخش دین نیز در عصر ظهور عینیت می‌یابد، لذا تحقق جامعه آرمانی مهدوی، تبلور کامل جامعه توحیدی و غایت دین شمرده می‌شود.

بر این اساس آیت‌الله صافی علیه السلام هسته مرکزی و محور اصلی تمام مسائل اعتقادی و

۱. در کتاب نجم الثاقب و سایر کتاب‌هایی که القاب و نام‌های حضرت مهدی علیه السلام را بر شمرده‌اند، بیش از ۱۸۰ اسم برای آن حضرت ذکر شده است (محدث نوری، ۱۳۷۵، صص ۵۵-۱۳۲، باب ۲).

برنامه‌های تربیتی، سیاسی و اجتماعی دین را ایمان به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال می‌داند و معتقد است که حق تعیین و نصب حاکم، ولی، امام، تشریح، فرمان، امر و نهی، تکلیف، الزام و ولایت مطلق بر همهٔ امور مختص به اوست. هر حاکمیت و ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و طغیان و استبداد است. قبول و التزام و الزام به نظام‌ها و قوانینی که منبع و مبنای شرعی و اعتبار الهی ندارد، خواه در امور عبادی، سیاسی، مالی و سایر امور باشد، پرستش شیطان و شخص و مقام و هیئت و جامعه‌ای است که آن قوانین را وضع کند و وضع این قوانین، اظهار شرکت با خدا و تصرف در شئون خداست (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۱).

در نگرش آیت‌الله صافی رحمته‌الله اساس عقیده به مهدویت و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا به حاکمیت اسلام و یگانه شدن قوانین و نظام‌های موجود برای نجات بشر از ذلت بندگی غیر خداست که در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمهٔ اخلاص به ودیعت نهاده شده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۳۳). از منظر وی نظام‌های غیرالهی تحت هر رژیم و نظامی که باشد، غیر شرعی بوده و واجب‌الاطاعه نیست، خواه استبدادی باشد یا دموکراسی یا به صورت‌های دیگر. دعوت همهٔ انبیا برای تحقق حکومت خداوند در زمین و لغو حکومت‌های دیگر است. حکومت «الله»، حکومت برای همه است که در آن هیچ رنگ و نژاد و زبان و منطقه‌ای مطرح نیست و همان‌طور که خدای تعالی حکومت تکوینی دارد، در امور اختیاری و تشریحی نیز کسی که حق حکم و فرمان دارد، خدای تعالی است و هر حکومتی که به غیر اذن خدا و خودسرانه و خارج از محدودهٔ حکومت الهی باشد، حکومت جاهلیت بوده و اصالت ندارد ... نظام‌ها اگر اضافه به خدا نداشته باشند، اصالت نداشته و محترم نیستند. فقط او اصل است و همهٔ اصالت‌ها فرع او و قائم به مشیت و ارادهٔ او می‌باشند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ به همین دلیل در تمام دوره‌های غیبت و قبل از آن، حکومت‌هایی که زمام امور مسلمانان را به غضب و قهر به دست گرفتند و اعمال و روش‌هایی داشتند که هرگز با دعوت اسلام و عدالت اسلام قابل تطبیق و تصحیح نبود، از نظر شیعه حکومت ظلمه خوانده می‌شدند و از یاری و اعانت آنها جز در حدودی که حفظ مصالح کلی و اساس اسلام و دفاع از

هجوم و تسلط کفار بر آن توقف داشت خودداری می کردند و شیعیان متعهد در امور خود، به فقیهان عادل هر دوره رجوع می کردند و حتی علاوه بر مالیات‌های رسمی که به دولت‌های غاصب می‌دادند، وجوه شرعی خود را که به آنها تعلق می‌گرفت به فقیهان می‌رساندند که اگرچه در ظاهر تحت رژیم و نظام حکومت جبار بودند، اما تابعیت واقعی آنها، تابعیت از نظام امامت بوده و هست. این از ویژگی‌های مذهب شیعه است که در برابر حکومت‌های ظالم و غیرمشمروع، همواره موضع عدم قبول و همکاری‌نداشتن داشته است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۹۷). اینجاست که تلقی موحد از نظام سیاست و حکومت معنایی متفاوت پیدا می‌کند و اصالت و ارتباط عقیده به مهدویت با نظام توحیدی به خوبی آشکار می‌شود.

۳-۱. باورداشت مهدویت و سنت‌های تاریخ

یکی از وجوه بارز مهدویت در تفکر دینی، هماهنگی اندیشه مهدویت با سنت‌های حاکم بر جامعه و سیر حرکت تاریخ است. تاریخ با محوریت انسان معنا پیدا می‌کند و حرکت تاریخ دارای مبدأ و مقصدی است که با سکان‌داری انسان به سوی مقصدی پیش می‌رود.

با این نگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله به تحلیل فرایند حرکت تاریخ و ارتباط آن با مهدویت پرداخته و معتقد است که اندیشه مهدویت و فرجام نیک تاریخ با سنت‌های الهی و نوامیس هستی و سیر تکاملی بشر موافق و به اسماء الله الحسنى مانند «الحاکم»، «العادل»، «الظاهر» و «الغالب» مؤید است. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ و طریقه خدا هرگز مبدل نخواهد شد و طریقه حق هرگز تغییر نمی‌پذیرد» (فاطر، ۴۳) (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۱۵).

این سخن مبنای قرآنی دارد؛ زیرا قرآن بر قانون‌مندی حرکت تاریخ تأکید کرده است. از دیدگاه قرآن کریم رویدادهای تاریخی، کورکورانه و محصول تصادف نیست، بلکه در این سیر همه رخدادها و پدیده‌های اجتماعی قانون‌مند بوده و بی‌مقدمه نیست. مراد از «قانون‌مندی» نظام‌مند بودن وقایع و رخدادهای اجتماعی بر اساس روابط

قطعی و استثنانپذیری است که میان پدیده‌های اجتماعی و عوامل آن وجود دارد. وجود این رابطه علی و معلولی، وقوع این دگرگونی‌ها و حوادث اجتناب‌ناپذیر را ضابطه‌مند می‌کند؛ گرچه این قطعیت و تخلف‌ناپذیری نسبت به عوامل غیرطبیعی و مافوق لحاظ نشده است. همان‌گونه که کشف این قواعد علمی و قانون‌مندی‌ها از راه مطالعه سنت‌های الهی برای ما میسر است، تحلیل و تفسیر جریان تاریخ نیز تنها با شیوه‌ای علمی و پیروی از این قوانین و سنت‌های الهی امکان‌پذیر است.

مجموعه آیاتی که به صورت‌های مختلف بر قانون‌مندی تاریخ و دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی دلالت دارد فراوان است؛ مانند آیاتی که از عوامل رشد و ترقی و رازورمز پیدایش تمدن‌ها و پیشرفت‌ها و شکوفایی‌های جوامع سخن می‌گویند و یا از عوامل سقوط و عقب‌ماندگی و فروپاشی نظام‌ها و حکومت‌ها و دگرگونی جوامع پرده برمی‌دارد؛ به‌عنوان مثال در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) و نیز آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال، ۵۳-۵۴)، سنت الهی درباره تأثیر مستقیم چگونگی حالات روحی و درون‌مایه‌های انسان بر دگرگونی محیط زندگی وی بیان شده است؛ بدین معنا که ظواهر و شئون و احوال یک جامعه وقتی متحول خواهد شد که وضع نفسانی انسان‌ها تغییر کند. در آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم، ۳۹) رابطه مستقیم اراده و تلاش انسان با نتیجه مطلوب وی را بیان کرده و ایجاد هرگونه تحول و بهره‌مندی انسان را در گرو سعی و کوشش او دانسته است. همچنین آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶) بیانگر رابطه قطعی میان عنصر ایمان و تقوای پیشگی مردم با تغییر در اوضاع آنان است.

از دیدگاه قرآن تاریخ دارای سیر تکاملی است که جوامع بشری را به سوی اهداف و ایده‌های بلندی سوق می‌دهد و مرحله کامل آن در ایده مهدویت تجلی یافته است. آیات متعددی به فرجام نیک تاریخ دلالت دارد. برخی آیات از تشکیل حکومت جهانی اسلام، غلبه دین اسلام بر تمامی ادیان و زمامداری صالحان در آینده خبر داده و این روند را سنت حتمی الهی در فردای تاریخ ذکر کرده است؛ مانند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

رَسُولُهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او است خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد» (توبه، ۳۳)؛ «وَا يَرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يَّحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَايِرَ الْكَافِرِيْنَ؛ و خدا می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانده و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند» (انفال، ۷)؛ «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَ اِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ؛ همانا عهد ما دربارهٔ بندگانمانی که به رسالت فرستادیم سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند و سپاهیان ما غالب‌اند» (غافر، ۵۱).

این آیات بر حتمی بودن غلبه انبیا و اهل حق بر جریان باطل دلالت دارند و این نصرت و غلبه بر اساس ظاهر آیات مقید به مرتبه‌ای نیست، بلکه نصرت و غلبه مطلق است. معنای غلبه حق بر باطل به طور اطلاق هم غیر از این نیست که به تمام معنی حق بر باطل پیروز شود و اگر از جهت حجت و برهان غالب باشد، ولی در ظاهر غالب نباشد، غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است (صافی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). این گونه آیات بیانگر سنت قطعی الهی بر پیروزی دین حق و تحول بی سابقه در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۲. اصالت باوردانست مهدویت در اسلام

یکی از باورهای اصیل اسلامی که عموم پیروان دین مقدس اسلام بدان اعتقاد داشته و در میان شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، عقیده به ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخر الزمان است. این عقیده بر مبانی عقلانی و مستندات قرآنی و روایی استوار است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این زمینه می گوید «عقاید شیعه همه از عقل و قرآن مجید و احادیث اهل بیت عترت علیهم السلام گرفته شده» (صافی، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۱۲۳) و معتقد است که برنامه تشکیل امت نوین جهانی که باید منتهی به گسترش عدالت و حاکمیت توحید شود، از متن تعالیم اسلام استفاده می شود؛ زیرا قرآن کریم در چند سوره آن را اعلام کرده است و صدها روایت نبوی از جهانی شدن اسلام و حکومت

عدل و استقرار امنیت کامل در زمین پس از ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه که از دودمان رسالت و فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد خبر داده است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۷). بر این اساس آیت الله صافی رحمته الله در تبیین اصالت باورداشت مهدویت به دلایل عقلی، نصوص قرآنی، حدیثی و اجماع امت اسلامی استدلال کرده است.

۱-۲. اصالت باورداشت مهدویت از جهت مبتنی بودن به عقل و منطقی

یکی از وجوه اصالت باورداشت مهدویت، معقول بودن و اثبات پذیری آن است. بدون شک آنچه در بررسی و شناخت یک فکر، اصل و آغاز کار است، منطقی بودن، خردپذیری و توجیه عقلانی آن است؛ بدین معنا که عقل امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور جزم انکار کند و قبول آن را غیر عقلایی بداند. در تمام مسائل علمی و غیر علمی این قانون جریان دارد که اول باید امکان آن پذیرفته شود و احتمال واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن آن در نظر عقل مردود نباشد (صافی، ۱۳۹۳، ص ۱۷). این روش به طور کامل منطقی و خردپذیر است و تخلف از آن خلاف عقل و مخالفت با شیوه عقلاست.

از دیدگاه آیت الله صافی رحمته الله اصالت عقیده به مهدویت از این جهت محتاج هیچ بیانی نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می کند و هیچ خردمندی آن را رد نمی کند و اظهار شک و تردید را در آن جایز نمی داند و لذا از قرن دوم به بعد که بعضی مجادلات و بحث ها در بین مسلمانان رواج گرفت و پیرامون بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته و رد و قبول داشتند، این موضوع هرگز مورد شبهه و ایرادی قرار نگرفت؛ چون به هیچ وجه شبهه یا آنچه شبهه شبهه باشد، در آن راه ندارد؛ پس اصالت مهدویت از این جهت صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷).

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله با استناد به قاعده لطف نه تنها امکان، بلکه ضرورت مسئله مهدویت را یک امر عقلی و اقتضای حکمت الهی می داند و معتقد است که وجود امام مطلقاً لطف است، خواه در ظاهر باشد یا غایب شود و این یک اصلی

است که بر حسب فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرمایند: «ثَلَا تَبْطَل حَجَّجَ اللهُ و بیناته» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۸)، حجت‌ها و نشانه‌های خدا با وجود امام، چه ظاهر باشد یا پنهان، حفظ می‌شود، ثابت شده است؛ بنابراین نصب امام و تعیین او از جانب خدا لطف است و لطف هم بر خدا واجب است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

ایشان پس از تبیین وجوه عقلی و امکان‌پذیر بودن مسئله مهدویت، به بررسی واقعیت داشتن وجود حضرت مهدی علیه السلام، غیبت آن حضرت، واقعیت یافتن ظهور آن حضرت، تشکیل حکومت جهانی اسلام، سعادت عمومی و برقرار شدن نظام عدل پرداخته و معتقد است که بررسی کتاب‌ها و اصولی که از قرن اول هجرت تا حال در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تألیف شده، مبتنی بودن این عقیده را بر مبانی صحیح و معقول و مصادر اصیل اسلامی روشن می‌سازد و مصونیت این عقیده را از هرگونه تشکیک تضمین می‌کند؛ به گونه‌ای که کسی نمی‌تواند اصل عقیده مهدویت را رد کند؛ چرا که انکار اصل مهدویت مستلزم انکار مبانی و مآخذ محکم اصول و فروع اسلامی آن خواهد بود (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۷)؛ بنابراین اندیشه مهدویت هم به لحاظ ثبوت یک امر معقول و منطقی است و هم به لحاظ اثبات دارای دلایل متقن و پذیرفته شده است.

۲-۲. اصالت باورداشت مهدویت از جهت اتکا به آیات و احادیث

یکی دیگر از وجوه اصالت عقیده به مهدویت در تفکر اسلامی مبتنی بودن آن به نصوص قرآنی و احادیث متواتری است که در این زمینه وارد شده است. از این نظر اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برنامه تشکیل جامعه توحیدی که منتهی به گسترش عدالت و حاکمیت دین حق شود مطلبی است که در آیات متعددی مطرح شده و در نصوص حدیثی به طور متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام این واقعه بزرگ، یعنی ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان و جهانی شدن اسلام و استقرار عدل و امنیت کامل در زمین گزارش شده است.

بر این اساس آیت‌الله صافی رحمته الله علیه برای اثبات اصالت عقیده به مهدویت، علاوه بر دلائل عقلی، به دلائل نقلی و مستندات قرآنی و حدیثی در این زمینه استدلال کرده و می‌گوید

بر اساس آیه قرآن کریم امامت منصبی است که به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام پس از آن آزمایش بزرگ - ابتلای به کلمات - اعطا شده است (بقره، ۱۲۴) و بر اساس روایات متواتر که شیعه و سنی آنها را نقل کرده‌اند، این منصب در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شده است و آنان به این موهبت بزرگ الهی اختصاص یافته‌اند. بر این اساس مقرر شده است که در هر عصری فردی از این خاندان که برخوردار از صلاحیت‌های لازم از جمله علم و عصمت است، عهده‌دار منصب امامت و رهبری باشد. چنین شخصی حجت خدا و عدل قرآن و راهنمای مردم و نگهبان دین و شریعت است (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۶). در اینجا به برخی شواهد قرآنی و مستندات روایی باورد داشت مهدویت اشاره می‌شود:

۲-۱. شواهد قرآنی

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که در آن غلبه جریان حق بر باطل و فراگیر شدن دین اسلام در جهان نوید داده شده است.^۱ این بشارت‌های کلی قرآن درباره حاکمیت جهانی دین اسلام و غلبه صالحان در فردای تاریخ تنها بر مسئله مهدویت قابل تطبیق است. برخی از بشارت‌های قرآنی که آیت‌الله صافی رحمته الله علیه بدان استناد کرده است عبارت‌اند از:

۱. آیه ۵ سوره قصص: از جمله آیاتی که بر اساس تفاسیر و احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام و زمامداری جهانی آن حضرت را بشارت داده این آیه است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین ضعیف و ذلیل نگه داشته شده‌اند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم».

در این آیه کلمه «نرید» بیانگر سنت حتمی الهی است بر امتنان بر بندگان مستضعف و چون این کلمه با فعل مضارع به کار رفته است، استمرار این منت و سنت الهی را

۱. این گونه آیات که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است، متجاوز از یکصد آیه است و صاحب کتاب المحجة فیما نزل فی القائم الحجة همه آنها را گردآوری کرده است.

دلالت دارد؛ زیرا صیغه مضارع «نرید» بیانگر سنت الهی به عنوان یک قانون مستمر در طول تاریخ است که در هر عصری این سنت الهی در مقیاس‌های متفاوتی تحقق می‌یابد که در نهایت به چیرگی مطلق صالحان خواهد انجامید؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَتُعْطَيْنَ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ دنیا بعد از خودداری و تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع و راه ما خواهد شد؛ مانند ناقة سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطوفت دارد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۶)؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد. حضرت علی علیه السلام با این کلمات امیدوارکننده و انتظاربخش دل‌های مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف‌ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفری که حزب خدا و حامیان حق در پیش دارند نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق کرده است (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۷). این بازگشت آگاهانه بشر به آستان اهل بیت علیهم السلام نتیجه تجربه‌های تلخ و عبرت‌آموزی است که از حاکمان ظلم و جور و نظام‌های غیر الهی چشیده‌اند.

۲. از دیگر آیاتی که به روشنی بر خلافت و حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح دلالت دارد و در احادیث به دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده، آیه ۵۵ سوره نور است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و ترسشان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند؛ آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت».

دلالت این آیه بر غلبه دین اسلام بر تمام ادیان، تنها در عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام مصداق می‌یابد و جز جامعه آرمانی مهدوی دوران ظهور بر هیچ مصداق دیگری انطباق ندارد. تعبیرها و فrazهای آیه درباره وعده تمکین و استقرار دین و

برقراری کامل امنیت و آرامش و عبادت خالص و بی‌شائبه، دلالت دارد بر اینکه قوم موعود در این آیه حضرت ولی عصر علیه السلام و یاوران ایشان‌اند؛ چراکه این وعده الهی تنها در عصر حکومت موعود حضرت مهدی علیه السلام به صورت کامل تحقق خواهد یافت؛ چنانکه در روایات تفسیری نیز شأن نزول این آیه، دوران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در عصر ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام ذکر شده (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵۰) و شأن نزول این آیه، حکومت جهانی مهدی علیه السلام در آخرالزمان بیان شده است؛ لذا وقتی ابو بصیر از امام صادق علیه السلام درباره معنای این آیه سؤال می‌کند حضرت می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ؛ این آیه درباره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است» (نعمانی ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۰).

۳. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و همانا در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند». این آیه شریفه حامل پیام مهمی است که در آن از پایان خوش تاریخ سخن به میان آمده و طبقه صالحان را وارثان همه زمین و حاکمان مطلق جهان در پایان تاریخ معرفی کرده است. نوید وراثت زمین در این آیه ناظر به امت‌های گذشته نبوده، بلکه این بشارت مختص امت اسلامی و مربوط به آینده تاریخ است که روزی تحقق خواهند یافت. وراثت و آبادانی زمین و ایجاد زندگی برخوردار از مواهب مادی و معنوی حیات، روح امید و سرزندگی را در جامعه احیا می‌کند؛ زیرا این عقیده از نظر اجتماعی بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می‌کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۶).

۴. آیه ۳۳ سوره توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ آن خدا کسی است که خود را با هدایت و راهنمایی و دین حق (دین اسلام) فرستاد تا آن دین را بر همه دین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

این آیه شریفه دقیقاً در سوره مبارک صف آیه ۹ آمده است و با اندک تفاوتی در

سوره فتح آیه ۲۸ آمده است. تأکید و تکرار این موضوع در چند آیه بیانگر اهمیت فوق العاده و نقش ویژه این موضوع در تحقق اهداف کلی دین است. مراد از «دین حق» در این آیه، دین اسلام است (طوسی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۲۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۷؛ مغنیه، ۱۹۸۱م، ج ۴، ص ۳۳). در این آیه خداوند از غلبه کامل دین پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آینده خبر داده است تا به رغم تلاش‌های مخالفان، این دین را در پهنه گیتی فراگیر و محقق سازد. در حقیقت این پیام، موضوع اصلی بحث ما پیرامون این آیه را تشکیل می‌دهد.

دلالت جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» بر غلبه اسلام واضح است و تأیید کننده آن روایاتی است که در این خصوص از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است؛ مانند «كَيْدُ الْكُلْبِ هَذَا الدِّينُ عَلَى مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛ این دین در هر کجا که شب داخل شده باشد داخل می‌شود» (صافی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴). نکته تشبیه دین به آفتاب آن است که همان‌طور که روز آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد وارد می‌شود، خورشید عالم تاب اسلام نیز به تمام اماکن پرتوافکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت؛ همان‌طور که آفتاب تاریکی شب را از میان می‌برد (صافی، ۱۳۹۵، ص ۳۴). بر این اساس شیعه و تمام مسلمانان به این عقیده سازنده و تحول‌آور ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می‌رود و توقف نمی‌کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می‌برند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۶). این عقیده از نظر اجتماعی تأثیر فوق العاده در احیای روح امید در جامعه دارد و مردم را از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلت باز داشته و به تلاش و مقاومت و قیام در برابر ظالمان وامی‌دارد.

در این زمینه آیات دیگری نیز وجود دارد که به موضوع مهدویت تفسیر شده است. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب المحجة فيما نزل في القائم الحجة بیش از یکصد آیه را که مربوط به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است با احادیثی که در تفسیر هریک وارد شده جمع آوری کرده است (صافی، ۱۳۹۳، ص ۶۰)؛ بنابراین با توجه به این آیات و دقت در مضامین آنها و کتاب‌های تفسیر و احادیثی که در تفسیر این آیات وارد شده، اصالت قرآنی عقیده به مهدویت، ثابت و غیر قابل انکار است.

۲-۲-۲. مستندات روایی

یکی از وجوه اصالت عقیده به مهدویت، روایت‌ها و احادیث پرشماری است که در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده و بسیاری از علمای فریقین درباره آن کتاب‌های مستقلی تألیف کرده‌اند که بیش از دوازده قرن از تألیف آنها می‌گذرد.

در تحقیق جامعی که مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله در کتاب منتخب الاثر انجام داده است، بیش از ۶۲۰۰ حدیث از ۱۵۴ منبع معتبر شیعه و اهل سنت درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام گردآوری شده است. برخی از این احادیث درباره خصوصیات شخص امام مهدی علیه السلام، برخی دیگر درباره علائم و حوادث قبل از ظهور و بسیاری از این روایات درباره شیوه حکومت‌داری، عدالت‌گستری و تحقق جامعه آرمانی مهدوی دوران ظهور وارد شده است.

بدون شک اختصاص این حجم انبوه از احادیث درباره این موضوع، بیانگر اهمیت مسئله مهدویت در اندیشه اسلامی و جایگاه خاص آن در منظومه اعتقادی مسلمانان است. شاید در کمتر مسئله‌ای از مسائل اسلامی فراوانی روایات به این حد باشد که در موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است. وجود این حجم بسیار از روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام در منابع شیعه و اهل سنت سبب شده است که مسئله مهدویت به‌عنوان یک اعتقاد مشترک مورد پذیرش میان عموم مسلمانان قرار گیرد.

احادیث متواتر عامه و خاصه دلالت دارند بر اینکه دین اسلام عالم‌گیر خواهد شد و خانه‌ای نماند مگر اینکه جزء منطقه نفوذ تعالیم اسلام واقع شود و شهر و دهی نماند مگر اینکه صبح و شام در آن صدای اذان و شهادت به توحید و رسالت بلند شود (صافی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳). بسیاری از نصوص رسیده از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مسئله ظهور مهدی موعود علیه السلام توسط صحابه آن حضرت و تابعین صحابه و سپس طبقات دیگر نقل شده‌اند (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۸). در میان راویان این احادیث، امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و بزرگانی از صحابه از جمله: جابر بن سمره، عبد الله بن مسعود، ابو جحیفه، ابو سعید خدری، سلمان فارسی، انس بن مالک، ابو هریره، ائله بن اسقع، عمر بن

الخطاب، ابو قتاده، ابو الطفیل، شفی اصبحی، عبد الله بن عمر، عبد الله بن ابی اوفی، عمار بن یاسر، ابو ذر، حذیفه بن الیمان، جابر بن عبد الله انصاری، عبد الله بن عباس، حذیفه بن اسید، زید بن ارقم، سعد بن مالک، اسعد بن زراره، عمران بن حصین، زید بن ثابت، عایشه، ام سلمه، ابو ایوب انصاری، فاطمه زهرا علیها السلام، ابو امامه و عثمان بن عفان وجود دارد (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۴۸).

محدثین بزرگ اهل سنت احادیث مربوط به ظهور مهدی علیه السلام را از جماعتی از صحابه و جمع زیادی از تابعین نقل کرده‌اند و گروهی از آنان تواتر این روایات را به صراحت تصدیق کرده‌اند. این احادیث در مآخذ معتبر و مصادر مورد اعتماد اهل سنت و کتاب‌های حدیثی معتبر آنان مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابی داود، مسند احمد، مسند ابی داود طیالسی، تاریخ بغداد، تاریخ ابن عساکر، مستدرک حاکم، تیسیر الوصول، منتخب کنز العمال، کنز العمال، الجامع الصغیر، تاریخ الخلفاء، مصابیح السنة، الصواعق المحرقة، الجمع بین الصحیحین، معجم طبرانی و التاج الجامع للاصول نقل شده است (صافی، ۱۳۹۵، ص ۵۳). از این نظر بنیان عقیده به مهدویت بر معتبرترین مآخذ و مدارک مورد قبول فرقه‌های مسلمانان استوار است. تنها در کتاب مسند احمد حنبل که از معتبرترین جوامع حدیثی اهل سنت است، ۳۵ حدیث با سندهایی عالی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که همه دلالت دارند بر اینکه جانشینان و رهبران امت بعد از آن حضرت دوازده نفرند.

بنابراین اصالت مهدویت از جهت مبتنی بودن آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح است؛ زیرا کتاب‌های معتبر حدیثی مانند صحاح و جوامع و سنت‌ها و مسانید اهل سنت و اصول شیعه به ضبط این احادیث پرداخته است. از عصر رسالت تا زمان ما، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس تابعین و سایر طبقات این احادیث را روایت کرده‌اند. این اصل همان‌گونه که از دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان ما برقرار بوده است، از زمان ما تا پایان جهان نیز ادامه خواهد داشت (صافی، ۱۳۸۷، ص ۸۸). پس روشن می‌شود که مبدأ این اندیشه عصر رسالت بوده است و احادیث مربوط به آن که توسط بزرگ‌ترین خبرگان و

محققان علوم اسلامی نگاشته شده‌اند، با صراحت دلالت دارند که شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسئله ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام را بشارت داده‌اند و این بشارت را صحابه آن حضرت و تابعین صحابه و بعد از آنها طبقات دیگر از مردم نقل کرده‌اند.

۲-۳. اصالت باورداشت مهدویت از جهت اتکا به اجماع مسلمین

یکی از مسائل و اموری که فرقه‌های اسلامی بر آن اجتماع و اتفاق کرده‌اند، ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از خاندان اهل بیت در آخرالزمان است.

آیت‌الله صافی رَحِمَهُ اللهُ با تأکید بر اینکه ایمان به ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و جهان‌گیر شدن دین اسلام مستند به آیات متعددی از قرآن مجید و روایات متواتر است می‌گوید: «هر مسلمان معتقد به قرآن و رسالت پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید به این ظهور ایمان راسخ و ثابت داشته باشد. در حقیقت ایمان به ظهور آن مصلح عالم و نجات‌دهنده بشر جزء جدانشدنی ایمان به صدق پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تصدیق به نبوت آن حضرت است» (صافی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). ایشان تأکید بر اینکه علمای اهل سنت نیز با چنین رویکردی به موضوع مهدویت پرداخته‌اند معتقد است: «اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن‌ها، همه بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرزندان علی عَلَيْهِ السَّلَام و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است، در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند» (صافی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

بسیاری از علمای شاخص اهل سنت در کتاب‌های خود بر این مسئله تصریح کرده‌اند. شهید صدر درباره دیدگاه اهل سنت در این زمینه می‌نویسد: «إِنَّ فِكْرَةَ الْمَهْدِيِّ بِوصفه القائد المنتظر لتغيير العالم إلى الأفضل قد جاءت في أحاديث الرسول الأعظم عموماً و في روایات أئمة أهل البيت خصوصاً و أكدت في نصوص كثيرة بدرجة لا يمكن أن يرقى إليها الشك؛ اندیشه مهدویت و نظریه «مهدی» به‌عنوان اینکه رهبر منتظری است که عالم را به شکل بهتری تبدیل خواهد کرد، به‌طور عموم در احادیث نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است و به‌طور ویژه در روایات امامان معصوم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وارد

شده است و در روایات و نصوص فراوانی به نحوی بر آن تأکید شده است که هیچ جای شک و تردید نخواهد بود» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۳).

شمس‌الدین سفارینی حنبلی دیدگاه رسمی اهل سنت درباره عقیده به مهدویت را چنین بازگو می‌کند: «فالإيمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند أهل العلم ومدون في عقائد أهل السنة والجماعة وكذا عند أهل الشيعة أيضا؛ إيمان به خروج مهدي واجب است، همان‌گونه که این مطلب نزد اهل علم روشن بوده و جزء عقاید قطعی اهل سنت و جماعت شمرده می‌شود همچنانکه نزد شیعه ثابت است» (سفارینی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۸۴). همچنین چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت، یعنی ابن حجر شافعی، ابوالسرور احمد بن ضیاء حنفی، محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی در جواب استفتایی که از ایشان شده، همین روش را انتخاب کرده و به صحت اصل ظهور مهدی عليه السلام در آخرالزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند و عیسی عليه السلام به آن حضرت اقتدا کند و اوصاف دیگر آن حضرت، به طور رسمی فتوای محکم و مستدل و قاطع داده‌اند (صافی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۴).

این‌گونه اعترافات صریح در کلمات دانشمندان متبوع و محقق اهل سنت فراوان یافت می‌شود. ابن ابی‌الحدید در این زمینه می‌گوید: «قد وقع اتفاق الفریقین من المسلمین أجمعین علی ان الدنيا و التکلیف لا ینقضی الا علیه؛ اتفاق سنی و شیعه بر این است که دنیا و تکلیف به پایان نرسد مگر بر ظهور آن حضرت» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۵۳۵)؛ سویی در سبائک الذهب می‌گوید: «الذی اتفق علیه العلماء ان المهدي هو القائم فی آخر الوقت و انه یملاً الأرض عدلا و الأحادیث فیهِ و فی ظهوره کثیرة؛ آنچه علما بر آن اتفاق دارند این است که مهدی آن کسی است که در آخرالزمان قیام و زمین را از عدل و داد پر می‌کند و احادیث راجع به مهدی و ظهور او بسیار است» (سویی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۸)؛ ابن خلدون معتزلی می‌گوید: «اعلم أن المشهور بین الکافة من أهل الإسلام علی ممر الأعصار أنه لا بد فی آخرالزمان من ظهور رجل من أهل البيت یؤید الدین، و ینظر العدل، و یتبعه المسلمون، و یتولی علی الممالک الإسلامية و ینصی بالمهدی؛ مشهور بین تمام مسلمانان در همه اعصار است که در آخرالزمان مردی از

اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کند که دین را تأیید، عدل را آشکار و بر کشورهای اسلامی مسلط شود و مهدی نامیده شود» (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ص ۳۶۷).

بنابراین مسئله ظهور مهدی علیه‌السلام نزد مسلمانان امر قطعی و مسلم است و از همان قرن اول تا حال کسی اصل ظهور قائم علیه‌السلام را انکار نکرده است؛ زیرا موجب انکار اخبار قطعی صادرشده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شود و انکار احادیث متواتر به نفی نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خروج از دایره ایمان می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت روشن شد که مرحوم آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه اصالت اندیشه مهدویت را از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داده است و در این مقاله این بحث از دو منظر عام و خاص مورد تأمل قرار گرفته است. در نگاه عام اصل عقیده به ظهور منجی یک باور فراگیری است که همه پیروان ادیان الهی بدان ایمان دارند و در تمامی آموزه‌های ادیان - به ویژه ادیان ابراهیمی - به این موضوع بشارت داده شده است. به لحاظ غایت‌شناسی دین نیز اهداف و غایات دین در مهدویت تجلی یافته است و به لحاظ فلسفه تاریخ و رویکرد به آینده، چشم‌انداز آینده و آرمان‌های بلند جامعه دین‌مدار و کمال‌طلب در جامعه آرمانی مهدوی عینیت می‌یابد.

آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه اصالت باورداشت مهدویت را مبتنی بر دلایل عقلی و نقلی دانسته است. ایشان معقول بودن و اثبات‌پذیری عقیده به مهدویت را یکی از وجوه اصالت باورداشت مهدویت و قطعی بودن آن شمرده است. همچنین آیت‌الله صافی رحمته‌الله‌علیه در تبیین مبانی و مستندات قرآنی و روایی باورداشت مهدویت به نصوص متعددی از آیات و احادیث متواتر در این زمینه پرداخته است که از تحقق این واقعه بزرگ، یعنی ظهور مهدی موعود علیه‌السلام در آخرالزمان و جهانی شدن اسلام و استقرار عدل و امنیت کامل در زمین خبر داده است.

ایشان یکی دیگر از وجوه اصالت مهدویت در بحث درون‌دینی را اتکای این عقیده به اجماع و اتفاق نظر همه فرقه‌های اسلامی دانسته و معتقد است که اهل سنت و شیعه

طی اعصار و مرور قرن‌ها، همه بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول خدا ﷺ و فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که صفات و علاماتش در احادیث بیان شده است، هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور و جهان را پر از عدل و داد کند؛ بنابراین ظهور منجی موعود الهی در آینده یک امر مسلم و انکارناپذیر است. در آموزه‌های اسلامی از او به مهدی موعود علیه السلام یاد شده است که با ظهور خود جامعه توحیدی سرشار از عدالت و امنیت را تشکیل خواهد داد و در پرتو حاکمیت دین الهی در سراسر جهان، همه بشریت از مواهب مادی و معنوی حکومت عدل جهانی آن حضرت بهره‌مند خواهند شد.

کتابنامہ

* قرآن کریم

** نہج البلاغہ

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۳۷۸ق). شرح نہج البلاغہ (محقق: محمد ابو الفضل ابراہیم، ج ۲). بیروت: دار احیاء الکتب العربیہ.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون (محقق: خلیل شحادة، چاپ دوم). بیروت: دار الفکر.
۳. سفارینی، شمس الدین. (۱۴۰۲ق). لوامع الأنوار البہیہ وسواطع الأسرار الأثریہ لشرح الدرۃ المظیۃ فی عقد الفرقة المرضیۃ (ج ۲، چاپ دوم). دمشق: مؤسسة الخافقین ومکتبہا.
۴. سویدی، محمد امین. (۱۴۰۶ق). سبائک الذهب فی معرفۃ قبائل العرب. بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۵. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۸۰). منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیہ السلام (ج ۲، چاپ اول، ۳جلدی). قم: مکتبۃ آیۃ اللہ العظمی الصافی گلپایگانی علیہ السلام.
۶. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۸۷). گفتمان مہدویت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۷. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۳). اصالت مہدویت (چاپ اول). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۸. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۵). نوید امن و امان؛ پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظہور حضرت ولی عصر علیہ السلام. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.
۹. صافی گلپایگانی، لطف اللہ. (۱۳۹۷). سلسلہ مباحث امامت و مہدویت (۴جلدی). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمی صافی گلپایگانی علیہ السلام.

۱۰. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). بحث حول المهدي (محقق: عبد الجبار شرارة، چاپ اول). قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۹). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۲ق). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی (ج ۲). قم: دارالکتاب.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق: علی اکبر غفاری، ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (محقق: محمدباقر بهبودی، ج ۱، ۳۶، ۵۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۳۷۵). نجم الثاقب. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۷. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۸۱م). التفسیر الکاشف. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الغیبة (محقق: فارس حسون). قم: انتشارات انوار الهدی.

References

* The Holy Quran

*Nahj al-Balagha

1. Ibn Abi al-Hadid, E. (1378 AH). *Commentary on Nahj al-Balagha* (M. Abulfazl Ibrahim, Ed.; Vol. 2). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi al-Kotob al-Arabiya. [In Arabic]
2. Ibn Khaldun, A. (1408 AH). *History of Ibn Khaldun* (K. Shahadah, Ed.; 2nd ed). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1; A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
4. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 1, 36, 51; M. B. Behboodi, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
5. Mughniyeh, M. J. (1981). *Al-Tafsir al-Kashif*. Beirut: Dar al-Ilm le al-Malaeen.
6. Muhaddith Nouri, M. (1375 AP). *Najm al-Thaqib*. Qom: Jamkaran Holy Mosque Publications. [In Persian]
7. Nomani, M. (1422 AH). *Al-Ghaibah Nomani* (F. Hassoun, Ed.). Qom: Anwar Al-Huda Publications. [In Arabic]
8. Qomi, A. (1407 AH). *Tafsir al-Qomi* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
9. Sadr, M. B. (1417 AH). *Bahth Hawl Al-Mahdi*. (A. Sharara, Ed.; 1st ed). Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies. [In Arabic]
10. Safarini, S. (1402 AH). *Lawami al-Anwar Al-Bahiya va Sawat'i al-Asrar al-Athariya le Sharh al-Dura Al-Mudziyyah fi Aqd al-Firqa al-Marziya* (Vol. 2; 2nd ed). Damascus, Mu'asisah Al-Khafaqin va Maktabuha. [In Arabic]
11. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar*. (Vol. 2; 1st ed; 3 Vols.). Qom: (Iran), Maktabah Ayatollah Al-Safi Al-Golpayegani. [In Persian]
12. Safi Golpayegani, L. (1387 AH). *Discourse of Mahdaviat*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Arabic]

13. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *The originality of Mahdiyyism* (1st ed.). Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
14. Safi Golpayegani, L. (1395 AP). *Promise of safety and security; About the character, life, absence and emergence of Hazrat Wali Asr*. Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
15. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdism* (Vols. 1, 2, 3, 4; 1st ed.; 4 Volumes). Qom: Office for Preparing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani, [In Persian]
16. Sawidi, M. A. (1406 AH). *Sabaek al-Zahb fi Ma'arifah Qaba'il al-Arab*. Beirut, Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
17. Tabatabaei, M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 9). Qom: Society of Teachers Publications. [In Arabic]
18. Tusi, M (1402 AH). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]

Editorial Editorial Board

(Persian Alphabetical Order)

Seyed Majid Emami

Associate Professor of Imam Sadegh University

Hossein Elahi Nejad

Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

Hossein Bostan Najafi

Associate Professor Research Institute of Howzah and University

Gholamreza Behrozi Lak

Professor of Baqir Al-Olum University

Seyed Masoud Poor Seyed Aghaei

Professor of Islamic Seminary of Qom

Nematullah Safari Foroushani

Professor of the al-Mustafa International University

Najaf Lakzaie

Professor of Baqir Al-Olum University

Seyed Razi Mousavi Gilani

Associate Professor, University of Religions and Denominations

Mohammad Hadi Homayoun

Professor of Imam Sadegh University

Hassan Yousefian

Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

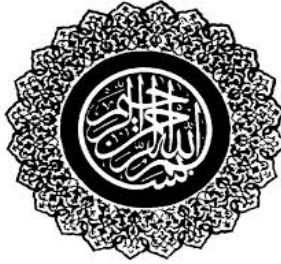
Mahdi Yousefian

Assistant Professor, Specialized Center of Mahdism, Islamic Seminary of Qom



Reviewers of this Volume

Hossein Elahi Nejad, Khodamorad Salimian, Seifollah Sarami, Muhammad Shahbazian, Qanbar Ali Samadi, Amir Mohsen Erfan, Muslim Kamyab, Mahmoud Maleki Rad.



**The Quarterly Journal of
Mahdavi Society**

Vol. 4, No. 1, Spring & Summer, 2023

7

Islamic Sciences and Culture Academy

Research Center for Mahdiism and Future Studies (Futurology)

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Najaf Lakzaei

Editor in Chief:

Hossein Elahi Nejad

Secretary of the Board:

Muslim Kamyab

Tel.:+ 98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688

Jm.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می‌باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۲۸,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاق
یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰

نام پدر:	نام و نام خانوادگی:
میزان تحصیلات:	تاریخ تولد:

نشانی:	استان:	کد پستی:	کد اشتراک قبل:
شهرستان:	شهرستان:	صندوق پستی:	پیش شماره:
خیابان:	خیابان:	رایانامه:	تلفن ثابت:
کوچه:	کوچه:		تلفن همراه:
پلاک:	پلاک:		

هزینه‌های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
 کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹ تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲
 شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰ رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیب‌بانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی